

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یافته‌های اقتصادی

سال چهارم ❁ شماره هشتم ❁ خزان و زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی^(ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سر دبیر و دبیر تخصصی: علی نقی عرفانی

ویراستار: زکریا فصیحی

طراح جلد و صفحه‌آرا: سید مهدی موسوی

هیئت تحریریه: حسین فیاض، سید براتعلی نقوی، سید طالب علوی، سید عبدالحمید ثابت،
سید محمدنقی موسوی، علی حسین قاسمی، علی نقی عرفانی، غلام علی احمدی، محمداسحاق
مهدوی، محمدجان رحمانی، نصرالله انصاری

دوفصلنامه «یافته‌های اقتصادی»، آماده دریافت و نشر مقالات صاحب‌نظران و نویسندگان است.

محتوای مقالات، بازتاب آرای نویسندگان بوده و لزوماً بیانگر رویکرد دوفصلنامه «یافته‌های اقتصادی» نیست.

دوفصلنامه «یافته‌های اقتصادی»، پس از دریافت مقالات، برای رد، پذیرش و ویرایش آن‌ها آزاد است.

آدرس: کابل، دهبوری، چهارراهی شهید، دانشگاه بین‌المللی المصطفی^(ص)، آمریت نشرات

تلفن: ۰۷۸۹۰۱۷۸۱۵

آدرس سامانه: <http://fe.miu.edu.af>

ایمیل: fe.chiefeditor@miu.edu.af

قیمت: ۱۵۰ افغانی

شیوه‌نامه تنظیم و راهنمای ارسال مقاله علمی

ویژگی‌های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع‌دهی، نتیجه‌گیری و منابع معتبر است.
۲. مقاله علمی باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word» ارائه گردد و حجم آن کمتر از ۶۵۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۵۰۰ کلمه نباشد.
۴. افیلیشن مقاله در پاورقی صفحه اول شامل: عنوان وظیفه نویسنده، وابستگی سازمانی، ایمیل آدرس. اگر مقاله دو نویسنده یا بیشتر دارد: عنوان وظیفه نویسنده دوم، وابستگی سازمانی، ایمیل آدرس.

راهنمای تنظیم ساختار مقاله علمی

۱. چکیده: عنوان چکیده با فونت BNazanin11 پررنگ. متن چکیده بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه و با فونت BNazanin11 معمولی. در چکیده باید به تبیین موضوع، بیان هدف پژوهش، روش تحقیق، سؤال اصلی تحقیق، روش گردآوری داده‌ها و بیان مهم‌ترین یافته‌های تحقیق با اختصار اشاره شود. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص ماضی معلوم استفاده شود. از علائم اختصاری و نقل قول مستقیم و ذکر عناوین فرعی پرهیز شود.
۲. کلیدواژه‌ها: حداقل ۴ و حداکثر ۷ واژه که با کامه از هم جدا شده باشد و در یک خط نوشته شود.
۳. مقدمه: در مقدمه به ترتیب به بیان مسئله، سؤال‌ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، پرداخته شود.
۴. بدنه مقاله: باید دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی [و فرعی‌تر] و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می‌شوند.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری متنی است که به دستاوردهای تحقیق که عبارت است از پاسخ به سؤال‌های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یا رد شده، به‌صورت مختصر آورده می‌شود.
۶. ارجاع‌دهی به‌صورت درون‌متنی به شیوه APA باشد. مثال منابع تک‌جلدی: (محسنی «حکمت»، ۱۳۹۰: ۵۴۶)؛ منابع چندجلدی: (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸، ۴۰۲).
۷. منابع و مآخذ در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند. مثال: محسنی «حکمت»، محمد آصف، (۱۳۹۰)، زنان در افغانستان (فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها)، قم: انتشارات المصطفی (ص).

ارسال و پیگیری مقاله

۱. مقاله باید از طریق سامانه نشریات به این آدرس ارسال شود: <http://fe.miu.edu.af>
۲. مراحل ارسال مقاله: ورد به سامانه نشریات از طریق آدرس فوق، انتخاب نشریه موردنظر، ثبت نام و ایجاد صفحه اختصاصی، ورود به صفحه اختصاصی با استفاده از یوزر-پسوردی که سامانه می‌دهد و اقدام به ارسال مقاله طبق راهنمایی سامانه.
۳. پیگیری مقاله: آگاهی از روند دریافت، پذیرش اولیه، داوری، ارجاع برای اصلاح، پذیرش نهایی، ویراستاری، صفحه‌آرایی، انتشار الکترونیکی، از طریق همان صفحه اختصاصی، از سوی نویسنده قابل پیگیری است.

فهرست

- پیام ریاست نمایندگی جامعه المصطفی^(ص) العالمیه در افغانستان ۱
- سخن سردبیر ۳
- بررسی امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی برای تنوع بخشی به اقتصاد بامیان ۵
محمد ابراهیم اکبری
- مقایسه الگوی مصرف بهینه از دیدگاه اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف ۴۱
سید محمدنقی موسوی
- روند تصویب بودجه عامه در قوانین افغانستان ۶۷
سیدحسن انوری
- فقر و اقتصاد در قرآن ۸۹
مایکل بونر | ترجمه: عبدالهادی فیاض
- مقاصد شریعت اسلام در قوانین مربوط به بخشش‌های مالی (هبه، صدقه، وقف) ۱۱۱
نویسندگان: همسة فؤاد | یوسف دراوشة | محمد مطلق | محمد عساف
ترجمه: مصطفی کاظمی | علی نقی عرفانی | حسین فیاض

پیام ریاست نمایندگی جامعه المصطفی (ص) العالمیه در افغانستان

پیشرفت بشر در زمینه‌های علم، فرهنگ، اخلاق و معنویت، مرهون تلاش‌ها و پژوهش‌های خستگی‌ناپذیر عالمان، اندیشمندان و نویسندگانی است که عمر پربرکت خود را وقف پژوهش و کشف رازهای هستی نموده‌اند؛ همان‌ها که ارزش والای حقیقت‌جویی و گوهر تقوا و فضیلت را هرگز به متاع و مقام زودگذر دنیا نفروخته‌اند. به همین جهت است که عالمان و اصحاب قلم در مکتب اسلام، ارج و منزلتی ویژه دارند و از دانشمندان و صاحبان اندیشه، با بهترین تجلیل‌ها و تمجیدها یاد می‌شود. در باب اهمیت قلم و اندیشه همین بس که در آموزه‌های اسلامی، مداد علما برتر از خون شهیدان و تکریم اندیشمندان، به عنوان وارثان انبیای الهی، در حکم احترام گذاشتن به خداوند و پیامبر قلمداد شده است؛ زیرا حیات برتر انسانی در تفکر اسلامی، در گرو اندیشه و ایمان است. لذا فرزاندگانی که با اندیشه و قلم خود مشعل دانش و معرفت را فرا راه انسان‌ها برمی‌افروزند، حق عظیمی بر عهده بشریت دارند و شایسته برترین ستایش‌ها و قدردانی‌ها هستند.

بدون تردید گسترش علم از زمره اساسی‌ترین عوامل رشد، انکشاف و ترقی جامعه است و رشد علمی از طریق آموزش و پژوهش به دست می‌آید. آموزش و پژوهش به مثابه بال‌های ترقی و اوج‌گیری یک جامعه است که با بهره‌گیری از آن دو، می‌توان به تعالی و شکوفایی مادی و معنوی رسید. جامعه علمی و آکادمیک افغانستان در سال‌های اخیر گام‌های نسبتاً خوبی در عرصه‌های آموزش برداشته است؛ انتظار می‌رود که پژوهش نیز در این کشور جایگاه مناسبی یافته و مورد اقبال قرار گیرد؛ زیرا رسیدن به پیشرفت مادی و معنوی، در گرو «آموزش و پژوهش» توأمان است.

از ابزارهای مؤثر برای توسعه آموزش پژوهش‌محور، انتشار مجلات علمی است. به همین دلیل نشریات دانشگاهی به بخش جدایی‌ناپذیری از ساختار دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلاتی عالی تبدیل شده و گروه‌های علمی دانشگاهی برای پیشبرد مقاصد آموزشی و پژوهشی خود و به منظور توسعه دانش بشری، نشریه‌های علمی پژوهشی را تأسیس کرده‌اند تا با نشر یافته‌های پژوهشی یا گزارش‌های آموزشی اعضای هیئت علمی خود آن را به دست دیگر دانش‌دوستان نیز رسانند.

نماینده‌ی جامعه‌ی المصطفی^(ص) در افغانستان همواره نسبت به توسعه‌ی علم و پژوهش همراه با معنویت، اهتمام داشته است. این دانشگاه با هدف تولید و ترویج علوم مرتبط با حوزه‌های علوم اسلامی و انسانی و به منظور ارتقای ظرفیت‌های علمی - پژوهشی اعضای گروه‌های آموزشی، بهبود مهارت‌های پژوهشی اساتید و دانشجویان، تقویت مبادله‌ی یافته‌های علمی و تحقیقاتی بین مراکز آکادمیک، ایجاد وحدت رویه در فرایند چاپ و نشر مجلات علمی، واحد نشریات را در مرکز پژوهشی دانشگاه ایجاد کرده است. با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش و با عنایت به این که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های هر نهاد آموزشی و دانشگاهی، اهتمام به تحقیقات بنیادی و پژوهش‌های کاربردی است، گسترش کمی و کیفی فعالیت‌های پژوهشی و نشراتی، به‌ویژه در حوزه‌ی مجلات علمی، مدنظر قرار گرفت. پس از فراهم شدن زیرساخت‌های لازم، مانند خرید سامانه‌ی جامع مدیریت نشریات علمی «سیناوب»، تاکنون شانزده مجله‌ی علمی تخصصی ایجاد شده که در قالب دوفصلنامه، به‌صورت فیزیکی و الکترونیکی مرتب چاپ و منتشر می‌شود. سامانه‌ی مدیریت نشریات علمی «سیناوب» برای نظم بخشیدن و تسهیل چرخش مقاله و اطلاعات پیرامون آن در سامانه‌ی تولید نشریات علمی و دانشگاهی طراحی شده است و در نقش یک منشی پیگیر و فعال، تمامی امور مربوط به فرایند انتشار نشریات علمی را انجام می‌دهد و این امکان را فراهم می‌کند که نظریات و آثار علمی نویسندگان افغانستانی در سطح جهان در دسترس علاقه‌مندان و اصحاب علم و اندیشه قرار بگیرد.

از تمامی همکاران و نویسندگان محترمی که زمینه‌ی تحقق این مهم را فراهم کرده و بستر بسط معارف را گسترانده‌اند، قدردانی نموده و برای همه‌ی عزیزان آرزوی توفیقات روزافزون دارم.

سید عبدالحمید ثابت

سخن سرد پیر

کسری تجاری

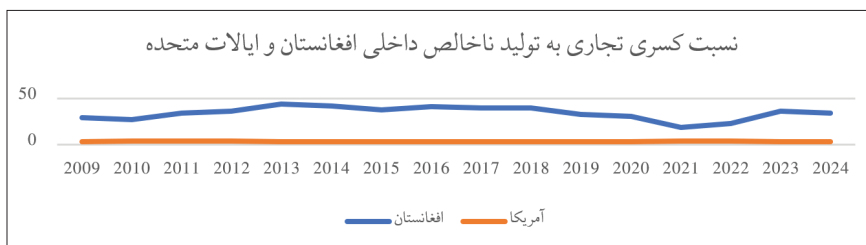
به وضعیتی که ارزش واردات کشور بیش از ارزش صادرات آن باشد، اصطلاحاً کسری تجاری می‌گویند که مرکز احصائیه افغانستان از عنوان «بیلانس منابع» استفاده می‌کند. اگر به گزارش‌های اقتصادی از منابع معتبر مانند بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول دقت کنیم، هر ساله ایالات متحده امریکا در رأس کشورهای با تراز منفی تجاری، خودنمایی می‌کند و کسری تجاری این کشور از ۱.۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۳ به ۱.۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده است و کشورهای هند، انگلیس، ترکیه، فرانسه و... در رتبه‌های بعدی قرار دارند. البته ارقام مانند ۱.۱ و ۱.۲ تریلیون دلار کسری تجاری، رقم کوچکی نیست و همین مسئله باعث شده که ایالات متحده افزایش تعرفه واردات را جزء سیاست‌های اقتصادی خود در سال ۲۰۲۵ اعلان کند؛ اما آنچه مهم است، نسبت این کسری تجاری در کل اقتصاد آن کشور است. اگر از این زاویه به مسئله نگاه شود، مطمئناً رتبه‌بندی کشورها در تراز تجاری تغییر می‌کند. کافی است که نسبت کسری تجاری رتبه یک دنیا را با افغانستان که در رتبه بندی کسری تجاری حضور ندارد، بررسی کنیم. در این صورت بسیاری از پرسش‌هایی که راجع به کمک‌های خارجی به افغانستان در ذهن خطوط می‌آید تا حدودی جواب داده شود.

به‌عنوان نمونه کسری تجاری ایالات‌متحده در سه سال اخیر ۱.۰۵، ۱.۱ و ۱.۲ تریلیون دلار بوده است و کسری تجاری افغانستان در سه سال اخیر با دلار ۷۵ اگر محاسبه کنیم ۶.۱، ۶.۲ و ۳.۸ میلیارد دلار بوده است که رقمی بسیار اندک نسبت به کسری هزار میلیارد دلاری آمریکاست؛ اما اگر نسبت‌ها را در نظر بگیریم وضعیت به‌گونه‌ای دیگری رقم می‌خورد.

سال	افغانستان	آمریکا
۲۰۰۹	٪۲۹	٪۳
۲۰۱۰	٪۲۷	٪۴
۲۰۱۱	٪۳۴	٪۴
۲۰۱۲	٪۳۹	٪۴
۲۰۱۳	٪۴۴	٪۳
۲۰۱۴	٪۴۲	٪۳
۲۰۱۵	٪۳۸	٪۳
۲۰۱۶	٪۴۱	٪۳
۲۰۱۷	٪۴۰	٪۳
۲۰۱۸	٪۴۰	٪۳
۲۰۱۹	٪۳۳	٪۳
۲۰۲۰	٪۳۱	٪۳
۲۰۲۱	٪۲۱	٪۴
۲۰۲۲	٪۲۶	٪۴
۲۰۲۳	٪۳۱	٪۳
۲۰۲۴	٪۳۴	٪۳

منبع مرکز احصائیه افغانستان و بانک جهانی، ارقام ریز کمتر از یک فیصد روند شده است.

اگر این نسبت را به صورت گراف نشان دهیم، میزان اختلاف به وضوح خود را نشان می‌دهد و معلوم می‌شود که کمک‌های سال‌های نه‌چندان دور، چگونه از کشور خارج می‌شد و اینکه تا کنون هیچ‌گونه سیاستی که بتواند این کسری تجاری را بهبود بخشد، از سوی مقامات تدوین و اجرا نشده است.



گراف نشان می‌دهد که کسری تجاری آمریکا کمتر از ۵٪ تولید ناخالص داخلی آن کشور است؛ اما حساسیت نسبت به آن بسیار زیاد است. در حالی که در افغانستان، این کسری همواره بیش از ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی بوده است؛ اما حساسیت نسبت به آن خیلی زیاد نبوده و نیست.

از همه محققان و نویسندگان گرامی که در این شماره، اندوخته‌های علمی‌شان را در اختیار ما گذاشتند، سپاسگزاریم. از ریاست محترم دانشگاه المصطفی - افغانستان، جناب آقای دکتر ثابت و اعضای هیئت تحریریه، خصوصاً از همکاران محترم پژوهشکده المصطفی^(ص) و آمریت نشریات دانشگاه نیز تشکر می‌نماییم و از خداوند منان برایشان توفیق روزافزون مسئلت داریم.

بررسی امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی برای تنوع‌بخشی به اقتصاد بامیان

محمد ابراهیم اکبری^۱

چکیده

این پژوهش با هدف امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی در بامیان، به بررسی ظرفیت‌ها، موانع و ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌برداری از این فرصت پرداخت. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته از ۳۸۴ نفر از ذی‌نفعان محلی، گردشگران و متخصصان حوزه گردشگری گردآوری و با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری در نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. نتایج نشان داد که بامیان با دارا بودن ظرفیت‌های طبیعی منحصر به فرد مانند کوهستان‌های برفی، دریاچه‌های یخ‌زده و فرهنگ بومی غنی، پتانسیل بالایی برای توسعه گردشگری زمستانی دارد. با این حال، موانعی چون ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و اقامتی، نبود امکانات تفریحی استاندارد و کمبود تبلیغات هدفمند، از چالش‌های اساسی در مسیر توسعه این بخش به شمار می‌روند. تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که رفع موانع زیرساختی و مدیریتی و همچنین مشارکت جامعه محلی، تأثیر معناداری بر افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی دارد. افزون بر این، نتایج آزمون همبستگی بیانگر آن است که توسعه گردشگری زمستانی می‌تواند به حفظ محیط‌زیست، تقویت هویت فرهنگی و بهبود معیشت جامعه محلی منجر شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های جامع با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تدوین استراتژی‌های بازاریابی مدرن و آموزش جامعه محلی صورت گیرد. اجرای این اقدامات می‌تواند علاوه بر افزایش جذابیت بامیان به عنوان یک مقصد گردشگری زمستانی، زمینه‌ساز توسعه پایدار منطقه و ارتقای جایگاه آن در سطح ملی و بین‌المللی شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری زمستانی، تنوع‌بخشی اقتصادی، توسعه پایدار، زیرساخت گردشگری، بامیان

۱. دکتری تخصصی علوم اقتصادی و کدر علمی دانشکده اقتصاد، موسسه تحصیلات عالی بامیکا، بامیان، افغانستان.

ایمیل: m.ebrahimakbary@gmail.com

مقدمه

گردشگری یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد جهانی است که نقش مهمی در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و توسعه پایدار دارد (فیض‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). در میان انواع گردشگری، گردشگری زمستانی به‌عنوان یکی از پویاترین و جذاب‌ترین زیرشاخه‌ها شناخته می‌شود که فرصت‌های بسیاری برای توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌آورد (مهدوی حاجیلویی و بیشمی، ۱۳۹۳). این نوع گردشگری با تمرکز بر فعالیت‌هایی همچون اسکی، اسنوبورد، کوهنوردی زمستانی و بازدید از مناظر برفی، به‌ویژه در مناطق سردسیر و کوهستانی، توانسته است سهم قابل‌توجهی از بازار جهانی گردشگری را به خود اختصاص دهد (Beyazit, 2010).

با توجه به تغییرات اقلیمی و نیاز به تنوع‌بخشی در فعالیت‌های اقتصادی، بسیاری از کشورها به دنبال بهره‌برداری از پتانسیل‌های طبیعی خود برای توسعه گردشگری زمستانی هستند. این رویکرد نه تنها به بهبود اقتصاد محلی کمک می‌کند، بلکه به حفظ محیط‌زیست و ترویج فرهنگ‌های بومی نیز منجر می‌شود. در این میان، مناطق کوهستانی با مناظر طبیعی زیبا و فرهنگ‌های منحصر به فرد، از جذابیت خاصی برای گردشگران برخوردارند. توسعه گردشگری زمستانی در این مناطق می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با فقر و افزایش رفاه اجتماعی مطرح شود (Hewer Micah & Williams, 2017; Liu, 2016).

افغانستان، به‌عنوان کشوری با تاریخ و طبیعت منحصر به فرد، ظرفیت‌های بی‌نظیری برای توسعه گردشگری در تمامی فصول سال دارد. در میان مناطق مختلف این کشور، بامیان به دلیل داشتن کوه‌های مرتفع، مناظر برفی و فرهنگ غنی، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک مقصد گردشگری زمستانی دارد. این منطقه با داشتن میراث جهانی همچون بوداهای بامیان و دریاچه‌های بند امیر، می‌تواند ترکیبی از گردشگری فرهنگی و طبیعی را به گردشگران داخلی و خارجی ارائه دهد. با این حال، توسعه گردشگری زمستانی در بامیان با چالش‌هایی چون کمبود زیرساخت‌ها، ضعف در تبلیغات و عدم آگاهی عمومی مواجه است. این مسائل نه تنها مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود شده‌اند،



بلکه فرصت‌های اقتصادی بسیاری را نیز از بین برده‌اند. برای رفع این موانع، نیاز به یک رویکرد جامع و برنامه‌ریزی شده وجود دارد که بتواند با مشارکت جامعه محلی و حمایت دولت، زیرساخت‌های لازم را فراهم کرده و بامیان را به یک مقصد گردشگری زمستانی تبدیل کند.

در این راستا، مطالعه امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی در بامیان، می‌تواند به شناسایی ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای مؤثر کمک کند. این مطالعه نه تنها به سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران اطلاعات لازم را ارائه می‌دهد، بلکه به جامعه محلی نیز درک بهتری از نقش گردشگری زمستانی در بهبود معیشت و توسعه پایدار خواهد داد.

توسعه گردشگری زمستانی در بامیان می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد محلی، حفظ محیط‌زیست و ترویج فرهنگ‌های بومی عمل کند و در شرایط کنونی افغانستان که نیازمند تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش فقر است، اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این پژوهش، بررسی امکان‌سنجی توسعه این نوع گردشگری از طریق شناسایی ظرفیت‌ها، چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای رفع موانع موجود است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا توسعه گردشگری زمستانی در بامیان می‌تواند به افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی منجر شود؟ فرضیه پژوهش بر این اساس است که با رفع موانع زیرساختی و مشارکت جامعه محلی، توسعه گردشگری زمستانی می‌تواند به بهبود معیشت و توسعه پایدار منطقه کمک کند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مفهوم گردشگری

گردشگری یکی از پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در قرن بیست و یک به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پویاترین صنایع جهانی شناخته می‌شود. این صنعت به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تعاملاتی اطلاق می‌شود که افراد در طی سفرها و اقامت‌های موقت خود در مکان‌هایی خارج از محل زندگی دائمی انجام می‌دهند. هدف این سفرها معمولاً تفریح، تجارت، آموزش یا کسب تجربه‌های جدید است (لطفی خاچکی،

۱۳۸۷). بر اساس تعریف سازمان جهانی گردشگری، گردشگری سفری است که بیش از ۲۴ ساعت و کمتر از یک سال به طول انجامد و شامل فعالیت‌هایی باشد که خارج از فعالیت‌های روزمره افراد صورت می‌گیرد (UNWTO, 2020).

این پدیده در ادبیات دانشگاهی به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد، زیرا ابعاد مختلفی از جمله اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و سیاسی را شامل می‌شود. از یک سو، گردشگری می‌تواند به توسعه مناطق محروم، تقویت روابط بین فرهنگی و بهبود کیفیت زندگی جوامع میزبان کمک کند. از سوی دیگر، نبود مدیریت پایدار ممکن است به تخریب محیط‌زیست، تضعیف فرهنگ‌های محلی و افزایش نابرابری‌های اقتصادی منجر شود. همین پیچیدگی‌ها نشان‌دهنده ضرورت بررسی عمیق‌تر اثرات این صنعت بر جوامع مختلف است.

یکی از ابعاد کلیدی گردشگری، تأثیر آن بر اقتصاد است که از طریق ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای ارزی، توسعه زیرساخت‌ها و تقویت کسب‌وکارهای محلی محقق می‌شود. بر اساس آمارهای جهانی، این صنعت سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به خود اختصاص داده است. این تأثیر اقتصادی نه تنها به رشد اقتصادی کلان کمک می‌کند، بلکه فرصت‌های کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در سطح محلی را نیز تقویت می‌کند. با این حال، ارتباط این بعد با سایر جنبه‌ها، به‌ویژه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، نیازمند مدیریت متوازن است (Thullah & Jallah, 2021; WTTC, 2019; UNWTO, 2016).

از منظر اجتماعی و فرهنگی، گردشگری می‌تواند نقش مهمی در تقویت تعاملات بین‌فرهنگی ایفا کند. این صنعت به تبادل فرهنگی میان جوامع میزبان و گردشگران کمک کرده و درک متقابل را تقویت می‌کند. همچنین، گردشگری می‌تواند به احیای میراث فرهنگی و سنت‌های محلی کمک کرده و از فراموشی آن‌ها جلوگیری کند. با این حال، این بعد نیز بدون چالش نیست، زیرا ورود گردشگران به مناطق بومی گاهی منجر به تغییرات فرهنگی ناخواسته و حتی تضعیف هویت محلی می‌شود. این چالش‌ها نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی حاصل از گردشگری باید با حفظ اصالت فرهنگی و اجتماعی همراه باشد



(کریمی و محمدی، ۱۳۹۹؛ شریفی و سعیدی، ۱۴۰۲).

در کنار این جنبه‌ها، تأثیرات زیست‌محیطی گردشگری نیز اهمیت فراوانی دارد. توسعه پایدار این صنعت می‌تواند به حفاظت از منابع طبیعی و افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل زیست‌محیطی کمک کند؛ اما گردشگری انبوه و بدون مدیریت مناسب ممکن است به تخریب اکوسیستم‌ها، آلودگی منابع آبی و خاکی و افزایش زباله‌های پلاستیکی منجر شود. این امر نشان می‌دهد که تعامل میان اقتصاد، فرهنگ و محیط‌زیست باید به صورت متوازن در سیاست‌گذاری‌های گردشگری مدنظر قرار گیرد (حسینی و ناصری، ۱۴۰۱؛ بابا خان‌زاده، ۱۳۹۵).

گردشگری همچنين با خلاقیت و نوآوری گره خورده است. ظهور انواع جدیدی از گردشگری مانند فرهنگی، ماجراجویانه، درمانی و حتی مجازی، فرصت‌های تازه‌ای برای جذب گردشگران و تقویت صنایع وابسته ایجاد کرده است. این نوآوری‌ها نه تنها تجربه گردشگران را غنی‌تر می‌کند، بلکه امکان کاهش اثرات منفی اقتصادی و زیست‌محیطی را نیز فراهم می‌آورد. ارتباط این نوآوری‌ها با فناوری‌های نوین، تحولی بنیادین در ساختار گردشگری ایجاد کرده است.

برای کشورهای درحال توسعه، گردشگری فرصتی بزرگ برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است، اما چالش‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های مناسب، مدیریت ضعیف منابع و نوسانات سیاسی مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها می‌شود (هاشمی دیزج و همکاران، ۱۴۰۲). توسعه پایدار گردشگری در این کشورها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سیاست‌گذاری مناسب و مشارکت همه‌جانبه ذی‌نفعان است. در نهایت، گردشگری نه تنها یک صنعت اقتصادی بلکه ابزاری اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع داشته باشد. برای بهره‌گیری از مزایای این صنعت و کاهش اثرات منفی آن، اتخاذ رویکردهای پایدار و مسئولانه ضرورتی انکارناپذیر است.

۲-۱. توسعه گردشگری

توسعه گردشگری به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی در رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بسیاری از کشورها مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این فرآیند شامل مجموعه‌ای از

سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات است که با هدف ارتقای زیرساخت‌ها، افزایش جذب گردشگران و بهبود کیفیت خدمات گردشگری طراحی و اجرا می‌شوند. توسعه گردشگری نه تنها به افزایش درآمدهای ملی کمک می‌کند، بلکه نقشی اساسی در بهبود وضعیت زندگی جوامع محلی، حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی و تقویت تعاملات بین فرهنگی ایفا می‌کند. این اهداف، در کنار چالش‌ها و فرصت‌های موجود، ضرورت برنامه‌ریزی جامع و پایدار را برجسته می‌سازد (Somnuxpong & Chiarasumran, 2024).

یکی از نخستین گام‌های توسعه گردشگری، ایجاد و تقویت زیرساخت‌های مناسب است. این زیرساخت‌ها شامل شبکه‌های حمل‌ونقل کارآمد، اقامتگاه‌های استاندارد، مراکز تفریحی و خدمات رفاهی می‌شود. وجود زیرساخت‌های کافی و باکیفیت، نه تنها نیازهای گردشگران را برآورده می‌سازد، بلکه تجربه سفر آن‌ها را بهبود می‌بخشد و به افزایش تمایل آن‌ها برای بازدید مجدد از مقصد کمک می‌کند. افزون بر این، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری، به توسعه اقتصادی مناطق میزبان و ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده منجر می‌شود. ارتباط این بعد با سایر جنبه‌های توسعه، به‌ویژه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، نشان‌دهنده اهمیت برنامه‌ریزی متوازن است (Martini, 2022; Amin et al., 2020).

تبلیغات و بازاریابی نیز به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعه گردشگری نقش کلیدی دارند. در دنیای رقابتی امروز، استفاده از راهبردهای بازاریابی نوین، مانند بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی، کمپین‌های تبلیغاتی هدفمند و همکاری با شرکت‌های گردشگری بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای دارد. این اقدامات می‌توانند با افزایش آگاهی عمومی نسبت به مقاصد گردشگری، تصویر مثبتی از آن‌ها ارائه دهند و انگیزه سفر را در میان گردشگران بالقوه تقویت کنند. با این حال، موفقیت این اقدامات به هماهنگی با سایر عناصر توسعه، از جمله کیفیت زیرساخت‌ها و خدمات، بستگی دارد (McKercher, 2020).

در کنار تبلیغات و بازاریابی، توسعه پایدار گردشگری به‌عنوان یک رویکرد نوین در این حوزه اهمیت زیادی پیدا کرده است. گردشگری پایدار بر حفظ منابع طبیعی، فرهنگی و اجتماعی تمرکز دارد و تلاش می‌کند اثرات منفی گردشگری بر محیط‌زیست و جوامع



محلی را به حداقل برساند. مدیریت پایدار منابع، آموزش جوامع محلی و گردشگران و ترویج رفتارهای مسئولانه از جمله اقداماتی هستند که در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرند. توجه به پایداری گردشگری، به‌ویژه در مناطقی با تنوع زیستی و فرهنگی بالا، نه تنها به حفظ این منابع کمک می‌کند، بلکه جذابیت مقصد را برای گردشگران افزایش می‌دهد (عربشاهی کیزی و تقدیسی، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از ارکان اساسی در توسعه گردشگری، توسعه منابع انسانی است. آموزش نیروی کار متخصص، ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و توانمندسازی جوامع محلی می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات و افزایش رضایت گردشگران منجر شود. مشارکت فعال جوامع محلی در فرآیندهای گردشگری، علاوه بر توزیع عادلانه‌تر منافع اقتصادی، به تقویت حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری در میان آن‌ها کمک می‌کند. این مشارکت، در ارتباط با سیاست‌های توسعه پایدار، می‌تواند به کاهش چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با گردشگری نیز کمک کند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۵).

در این میان، فناوری‌های نوین نقش بسزایی در توسعه گردشگری ایفا می‌کنند. ابزارهای دیجیتال، از جمله سیستم‌های رزرو آنلاین، اپلیکیشن‌های راهنمای سفر و فناوری واقعیت مجازی، تجربه گردشگران را تسهیل و جذاب‌تر کرده‌اند. علاوه بر این، تحلیل داده‌های کلان و بهره‌گیری از هوش مصنوعی به مدیران گردشگری کمک می‌کند تا نیازها و ترجیحات گردشگران را بهتر شناسایی کرده و خدمات خود را بهینه‌سازی کنند. پیوند میان فناوری و سایر ابعاد توسعه گردشگری، زمینه‌ساز تحولاتی بنیادین در این صنعت شده است (Pasca et al., 2021).

با وجود این پیشرفت‌ها، توسعه گردشگری با چالش‌های متعددی مواجه است. کمبود زیرساخت‌های مناسب، تخریب محیط‌زیست، نوسانات اقتصادی و سیاسی و تهدیدهای امنیتی از جمله موانعی هستند که می‌توانند این فرآیند را مختل کنند. برای غلبه بر این چالش‌ها، نیاز به برنامه‌ریزی‌های جامع، سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد. همچنین، توجه به ارتباط متقابل این چالش‌ها با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری، در تدوین سیاست‌های کارآمد ضروری است.

(هاشمی دیزج و همکاران، ۱۴۰۲).

در نهایت، توسعه گردشگری باید به گونه‌ای صورت گیرد که منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را به صورت هم‌زمان تأمین کند. این هدف تنها با اتخاذ رویکردهای پایدار، مشارکت همه‌جانبه ذی‌نفعان و استفاده از فناوری‌های نوین امکان‌پذیر است. توسعه گردشگری، فراتر از یک فرصت اقتصادی، ابزاری مؤثر برای تقویت همبستگی اجتماعی، حفاظت از میراث بشری و ارتقای کیفیت زندگی جوامع محلی به شمار می‌رود.

۳_۱. توسعه گردشگری زمستانی

گردشگری زمستانی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مهم صنعت گردشگری، به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در فصل زمستان و در مناطق سردسیر و برفی انجام می‌گیرد. این نوع گردشگری شامل ورزش‌های زمستانی نظیر اسکی، اسنوبورد و یخ‌نوردی و همچنین فعالیت‌های تفریحی همچون گشت‌وگذار در مناظر برفی، عکاسی از طبیعت زمستانی، شرکت در جشنواره‌های فرهنگی و تجربه سبک زندگی محلی است. گستره متنوع این فعالیت‌ها، گردشگری زمستانی را به فرصتی منحصربه‌فرد برای توسعه اقتصادی و فرهنگی در مناطق سردسیر تبدیل کرده است. این نوع گردشگری، علاوه بر جنبه‌های تفریحی، نقش بسزایی در ارتقای تعاملات فرهنگی، تقویت اقتصاد محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا می‌کند (Weaver & Lawton, 2010; Hudson, 2012).

از منظر اقتصادی، گردشگری زمستانی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در راستای تنوع‌بخشی به اقتصادهای محلی و ملی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این نوع گردشگری با ایجاد منابع درآمدی جدید، کاهش وابستگی به بخش‌های اقتصادی سنتی و تقویت بخش خدمات، به توسعه پایدار اقتصادی کمک می‌کند. در بسیاری از مناطق سردسیر که به طور معمول در فصل زمستان با رکود اقتصادی مواجه‌اند، توسعه گردشگری زمستانی می‌تواند محرکی برای فعالیت‌های اقتصادی باشد. همچنین، ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع در زمینه‌هایی نظیر مدیریت اقامتگاه‌ها، آموزش ورزش‌های زمستانی و ارائه خدمات گردشگری، زمینه‌ساز بهبود معیشت جوامع محلی خواهد بود (Probstl-Haider et al., 2019).



یکی از الزامات اساسی برای توسعه گردشگری زمستانی، وجود منابع طبیعی مناسب است. مناطق کوهستانی با مناظر برفی، جنگل‌های پوشیده از برف و دریاچه‌های یخ‌زده از جذاب‌ترین مقاصد گردشگری زمستانی به‌شمار می‌روند. این منابع طبیعی به‌عنوان زیربنای توسعه گردشگری، زمینه‌ساز جذب گردشگران و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مرتبط با این صنعت هستند. از جمله این زیرساخت‌ها می‌توان به پیست‌های اسکی، تله‌کابین‌ها، اقامتگاه‌های زمستانی و امکانات حمل‌ونقل اشاره کرد. ایجاد و توسعه این زیرساخت‌ها نه‌تنها کیفیت تجربه گردشگران را بهبود می‌بخشد، بلکه به افزایش رقابت‌پذیری مقاصد گردشگری نیز منجر می‌شود (Weaver, 2006).

گردشگری زمستانی علاوه بر مزایای اقتصادی، از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز حائز اهمیت است. این نوع گردشگری می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت تعاملات فرهنگی میان گردشگران و جوامع محلی عمل کند. برگزاری جشنواره‌های زمستانی، نمایشگاه‌های صنایع‌دستی و ارائه غذاهای محلی از جمله فعالیت‌هایی هستند که ضمن معرفی فرهنگ بومی به گردشگران، به تقویت هویت فرهنگی جوامع محلی کمک می‌کنند. از سوی دیگر، حضور گردشگران در این مناطق می‌تواند انگیزه‌ای برای حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه پایدار ایجاد کند (Murphy, 2008).

توسعه گردشگری زمستانی نیازمند برنامه‌ریزی جامع و مدیریت پایدار است. یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، تأثیرات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های گردشگری است. تخریب زیستگاه‌های طبیعی، آلودگی محیط‌زیست و استفاده بیش‌ازحد از منابع طبیعی از جمله مخاطراتی هستند که می‌توانند پایداری این صنعت را به خطر بیندازند. برای مقابله با این چالش‌ها، بهره‌گیری از رویکردهای پایدار نظیر مدیریت منابع برفی، کاهش تولید زباله و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر ضروری است. علاوه بر این، آموزش جوامع محلی و گردشگران در زمینه حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند به کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی کمک کند (Scott et al., 2012).

یکی دیگر از عوامل کلیدی در موفقیت گردشگری زمستانی، بازاریابی و تبلیغات مؤثر است. معرفی جذابیت‌های زمستانی مناطق مختلف از طریق رسانه‌های دیجیتال، برگزاری

نمایشگاه‌های گردشگری و همکاری با آژانس‌های مسافرتی می‌تواند به افزایش آگاهی و تمایل گردشگران کمک کند. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین مانند اپلیکیشن‌های گردشگری و سیستم‌های رزرو آنلاین، علاوه بر بهبود تجربه گردشگران، فرآیند برنامه‌ریزی سفر را نیز تسهیل می‌کند (Cooper, 2007).

با این حال، توسعه گردشگری زمستانی با چالش‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی مواجه است. کاهش میزان برف و افزایش دما در بسیاری از مناطق می‌تواند فعالیت‌های زمستانی را محدود کند. در این شرایط، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند تولید برف مصنوعی و طراحی پیست‌های سازگار با تغییرات اقلیمی می‌تواند راهکاری برای مقابله با این چالش‌ها باشد (Probstl-Haider, 2019; Scott et al., 2012).

در مجموع، گردشگری زمستانی با ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و توسعه پایدار مطرح شود. این نوع گردشگری با ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت اقتصاد محلی و ارتقای تعاملات فرهنگی، زمینه‌ساز بهبود کیفیت زندگی در مناطق سردسیر خواهد بود. برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌گیری از راهبردهای پایدار در این حوزه می‌تواند به بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های این صنعت و تحقق اهداف توسعه‌ای کمک کند.

۲. پیشینه پژوهش

توسعه گردشگری به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی رشد اقتصادی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و بهبود شاخص‌های رفاه اجتماعی، در دهه‌های اخیر به طور گسترده مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. این صنعت، به ویژه در مناطق دارای پتانسیل‌های طبیعی و فرهنگی منحصر به فرد، می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای کاهش فقر، ایجاد اشتغال و حفظ محیط زیست عمل کند. در این میان، گردشگری زمستانی به دلیل ویژگی‌های خاص اقلیمی و فصلی، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم گردشگری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش‌های بین‌المللی متعددی به بررسی ابعاد مختلف این حوزه پرداخته‌اند و بر اهمیت مدیریت استراتژیک، توسعه زیرساخت‌ها و بازاریابی



مؤثر تأکید داشته‌اند.

از جمله مطالعات برجسته در زمینه توسعه گردشگری زمستانی می‌توان به پژوهش‌های پروتیج و همکاران^۱ (۲۰۲۴)، آوسرلادشایدِر^۲ (۲۰۲۴)، اویان و همکاران^۳ (۲۰۲۳)، سکر^۴ (۲۰۲۲)، بولگان و همکاران^۵ (۲۰۱۹)، سرنایانو و سبری^۶ (۲۰۱۷)، آی و همکاران^۷ (۲۰۱۶) و کرمی و خوشخو^۸ (۲۰۱۱)، اشاره کرد. علاوه بر این، مطالعات فیض‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، محرم‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، رضائی و افشارونگینی (۱۴۰۰)، بساک و دین‌پرست (۱۳۹۹)، کروب‌بی و همکاران (۱۳۹۵)، خورانی و منجذب‌مرودرشتی (۱۳۹۳)، مهدوی حاجیلویی و بیشمی (۱۳۹۳) و وثوقی و همکاران (۱۳۹۰)، نیز در زمینه توسعه گردشگری، شناسایی موانع و فرصت‌ها و ارائه راهبردهای عملیاتی صورت گرفته است.

با وجود این مطالعات ارزشمند، باید اذعان داشت که تاکنون پژوهشی جامع و متمرکز بر امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی در بامیان انجام نشده است. این در حالی است که بامیان با برخورداری از کوهستان‌های برفی، دریاچه‌های یخ‌زده و تنوع فرهنگی منحصر به فرد، پتانسیل‌های بی‌نظیری برای توسعه گردشگری زمستانی دارد. این ظرفیت‌ها در صورت مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی استراتژیک، می‌توانند به‌عنوان یک مزیت رقابتی در سطح ملی و بین‌المللی عمل کنند. عدم وجود پژوهش‌های تخصصی در این زمینه، خلای جدی در ادبیات گردشگری افغانستان ایجاد کرده و ضرورت انجام پژوهشی جامع برای بررسی ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای عملی توسعه گردشگری زمستانی در این منطقه را برجسته می‌سازد.

نوآوری پژوهش حاضر در تمرکز بر موضوعی است که تاکنون در ادبیات علمی مرتبط

1. Protic et al
2. Ausserladscheider
3. Uyan et al
4. Seker
5. Bulgan et al
6. Cernaianu & Sobry
7. Ay et al
8. Karami & Khoshkho

با گردشگری افغانستان مورد توجه قرار نگرفته است. این پژوهش، ضمن تحلیل جامع ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی بامیان، به شناسایی موانع زیرساختی، مدیریتی و بازاریابی می‌پردازد و با ارائه راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری‌های پیشنهادی، تلاش می‌کند تا چارچوبی علمی و کاربردی برای توسعه پایدار گردشگری زمستانی در این منطقه ارائه دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و پژوهشگران در راستای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های گردشگری بامیان و ارتقای جایگاه آن در سطح ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و با هدف کاربردی انجام شده است و از روش شناسی ترکیبی (کمی و کیفی) برای بررسی امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی در بامیان بهره گرفته شده است. داده‌های اولیه از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل بررسی مقالات علمی، گزارش‌های رسمی و اسناد مرتبط با گردشگری و اقتصاد منطقه گردآوری شده است. داده‌های میدانی نیز با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق شامل سه گروه اصلی است: گردشگران، ساکنان محلی بامیان و کارشناسان و فعالان حوزه گردشگری. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۳۸۴ نمونه تعیین شده است. داده‌ها نیز با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS و به‌کارگیری روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (مانند آزمون‌های همبستگی و رگرسیون) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای اطمینان از روایی ابزارها، از روش اعتبار محتوایی با نظرخواهی از خبرگان استفاده شده و پایایی پرسشنامه‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ که نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده، ارزیابی شد است. یافته‌های پژوهش می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و جامعه محلی در راستای توسعه گردشگری زمستانی به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار در بامیان فراهم آورد.



جدول ۱. پایایی پرسشنامه (آلفای کرونباخ)

شاخص	تعداد گویه‌ها	میانگین نمرات	انحراف معیار	آلفای کرونباخ
کل پرسشنامه	۲۵	۴/۱	۰/۶	۰/۸۷
زیرساخت‌ها	۸	۴/۳	۰/۵	۰/۸۲
مشارکت جامعه محلی	۷	۴/۰	۰/۷	۰/۸۵
ظرفیت‌های طبیعی	۶	۳/۸	۰/۴	۰/۸۸
چالش‌ها	۴	۴/۵	۰/۸	۰/۸۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. تجزیه و تحلیل

۴-۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی

جدول (۲)، اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد. از نظر جنسیت، اکثریت پاسخ‌دهندگان (۵۶٪) مرد هستند، در حالی که ۴۴٪ از پاسخ‌دهندگان زن بوده‌اند. در خصوص سن، بیشترین گروه سنی مربوط به افراد زیر ۳۰ سال (۳۶.۵٪) و پس از آن گروه‌های سنی ۳۰-۴۰ سال (۳۲.۳٪) و بالای ۴۰ سال (۳۱.۲٪) هستند. در زمینه تحصیلات، بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات لیسانس (۴۰.۱٪) و پس از آن ماستری و بالاتر (۲۵.۳٪) هستند. از نظر شغلی، ۳۶.۵٪ از پاسخ‌دهندگان کارمند و ۲۶.۶٪ کشاورز بوده‌اند. در نهایت، ۶۸.۴٪ از پاسخ‌دهندگان ساکن بامیان بوده‌اند که نشان‌دهنده تمرکز جمعیت نمونه در منطقه مورد مطالعه است.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	گزینه‌ها	تعداد	درصد	ویژگی	گزینه‌ها	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۲۱۵	۵۶	تحصیلات	ابتدایی	۴۵	۱۱/۷
	زن	۱۶۹	۴۴		دوازده	۸۰	۲۲/۹
سن	زیر ۳۰	۱۴۰	۳۶/۵		لیسانس	۱۵۴	۴۰/۱
	۳۰ - ۴۰	۱۲۴	۳۲/۳		ماستر و بالاتر	۹۷	۲۵/۳
	بالای ۴۰	۱۲۰	۳۱/۲	شغل	دهقان	۱۰۲	۲۶/۶
وضعیت سکونت	ساکن بامیان	۲۶۳	۶۸/۴		کارمند	۱۴۰	۳۶/۵
	غیر ساکن	۱۲۱	۳۱/۶		گردشگر	۷۹	۲۰/۶
					سایر	۶۳	۱۶/۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۴. ارزیابی زیرساخت‌ها

جدول (۳)، ارزیابی پاسخ‌دهندگان از وضعیت زیرساخت‌ها را در بامیان نشان می‌دهد. از نظر دسترسی به جاده‌ها، میانگین پاسخ‌ها ۳.۴ است که نشان‌دهنده رضایت نسبی از وضعیت جاده‌ها برای دسترسی به مناطق گردشگری است؛ اما در زمینه امکانات اقامتی و خدمات حمل‌ونقل عمومی، میانگین‌ها به ترتیب ۳.۲ و ۲.۹ هستند که نشان می‌دهد وضعیت اقامتگاه‌ها و حمل‌ونقل عمومی به نسبت کمتر از حد مطلوب است. همچنین، در زمینه تجهیزات ورزشی زمستانی و تبلیغات گردشگری، میانگین‌ها به ترتیب ۲.۵ و ۲.۴ هستند که نشان‌دهنده ضعف در این زمینه‌هاست. به‌طور کلی، وضعیت زیرساخت‌ها به‌ویژه در زمینه حمل‌ونقل عمومی و تبلیغات نیاز به بهبود دارد.



جدول ۳. درصد فراوانی ارزیابی زیرساخت‌ها

متغیر	کامل مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کامل موافق	میانگین
جاده‌های مناسب برای دسترسی به مناطق گردشگری در زمستان وجود دارد.	۱۰	۱۵	۳۰	۲۵	۲۰	۳/۴
امکانات اقامتی کافی برای گردشگران در بامیان وجود دارد.	۱۲	۱۸	۳۵	۲۵	۱۰	۳/۲
خدمات حمل و نقل عمومی برای گردشگران به خوبی در دسترس است.	۲۰	۲۵	۳۰	۱۵	۱۰	۲/۹
زیرساخت‌های ارتباطی (اینترنت، تلفن) در مناطق گردشگری زمستانی مناسب است.	۱۵	۲۰	۳۵	۲۰	۱۰	۳
امکانات بهداشتی و درمانی در مناطق گردشگری زمستانی کافی است.	۱۸	۲۲	۴۰	۱۵	۵	۲/۸
برق و سایر انرژی‌های مورد نیاز در مناطق گردشگری زمستانی تأمین می‌شود.	۱۰	۲۰	۳۵	۲۵	۱۰	۳/۳
تجهیزات و امکانات ورزشی مرتبط با گردشگری زمستانی (مانند اسکی) در دسترس است.	۲۵	۳۰	۲۵	۱۵	۵	۲/۵
تبلیغات کافی برای معرفی ظرفیت‌های گردشگری زمستانی بامیان انجام شده است.	۳۰	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰	۲/۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۳_۴. مشارکت جامعه محلی

جدول شماره (۴) به ارزیابی دیدگاه و مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری زمستانی در بامیان پرداخته است. نتایج این ارزیابی نشان‌دهنده نگرش کلی مثبت جامعه محلی نسبت به توسعه این نوع گردشگری است. بر اساس داده‌ها، بالاترین میانگین‌ها به شاخص‌های آمادگی همکاری با گردشگران با میانگین ۳.۵ و استقبال از ورود گردشگران با میانگین ۳.۷ اختصاص یافته است. این ارقام حاکی از رویکرد مثبت و تمایل بالای جامعه محلی به پذیرش گردشگران و همکاری با آنان است. این استقبال نشان‌دهنده



آگاهی جامعه محلی از مزایای بالقوه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردشگری زمستانی و همچنین تمایل آن‌ها به ایفای نقش در این فرآیند است.

با این حال، برخی از شاخص‌ها مانند آموزش‌های لازم برای جامعه محلی و مشارکت در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با گردشگری میانگین‌های پایین‌تری را نشان داده‌اند. این امر نشان می‌دهد که جامعه محلی برای ایفای نقش مؤثرتر در توسعه گردشگری زمستانی نیازمند آموزش‌های تخصصی در زمینه‌هایی مانند مدیریت گردشگری، ارائه خدمات به گردشگران و حفظ محیط زیست است. همچنین، پایین بودن میانگین مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها بیانگر این است که جامعه محلی به میزان کافی در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با گردشگری دخیل نشده است.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه نگرش کلی جامعه محلی نسبت به توسعه گردشگری زمستانی مثبت است، اما برای بهره‌گیری حداکثری از این پتانسیل، لازم است اقدامات مشخصی برای تقویت توانمندی‌های آنان انجام شود. از جمله این اقدامات می‌توان به ارائه برنامه‌های آموزشی، برگزاری کارگاه‌های آگاهی‌بخشی و ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت فعال‌تر جامعه محلی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های گردشگری اشاره کرد. این رویکرد نه تنها موجب ارتقای کیفیت تجربه گردشگران خواهد شد، بلکه حس مالکیت و تعلق خاطر جامعه محلی نسبت به فرآیند توسعه گردشگری را نیز افزایش خواهد داد. در نهایت، توجه به این ابعاد می‌تواند به توسعه پایدار گردشگری زمستانی در بامیان کمک کرده و منجر به ایجاد تعادل میان بهره‌برداری اقتصادی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و محیط زیستی منطقه شود.



جدول ۴. درصد فراوانی مشارکت جامعه محلی

شاخص	کامل مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کامل موافق	میانگین
جامعه محلی آمادگی همکاری با گردشگران را دارد.	۱۰	۱۵	۲۵	۳۰	۲۰	۳/۵
آموزش‌های لازم برای پذیرایی از گردشگران به جامعه محلی ارائه شده است.	۱۵	۲۰	۳۰	۲۵	۱۰	۳/۱
جامعه محلی از منافع اقتصادی گردشگری زمستانی بهره‌مند می‌شود.	۱۲	۱۸	۲۸	۳۰	۱۲	۳/۳
مشارکت مردم محلی در برنامه‌ریزی‌های گردشگری زمستانی مؤثر است.	۱۰	۲۰	۲۵	۳۰	۱۵	۳/۳
فرهنگ بومی جامعه محلی برای گردشگران جذاب است.	۵	۱۰	۲۵	۳۵	۲۵	۳/۷
افراد محلی تمایل دارند خدماتی مانند اقامتگاه، غذا و راهنمایی به گردشگران ارائه دهند.	۸	۱۲	۲۰	۴۰	۲۰	۳/۶
جامعه محلی از ورود گردشگران به منطقه استقبال می‌کند.	۶	۱۰	۲۲	۴۰	۲۲	۳/۷

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی

جدول شماره (۵) به ارزیابی ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی ولایت بامیان از دیدگاه پاسخ‌دهندگان پرداخته است. نتایج این ارزیابی نشان می‌دهد که بامیان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل قابل توجهی برای توسعه گردشگری، به‌ویژه گردشگری زمستانی، برخوردار است. بالاترین میانگین‌ها در این جدول مربوط به مناظر طبیعی و آب‌وهوای زمستانی، هر دو با میانگین ۴۰، هستند. این نتایج نشان می‌دهد که زیبایی‌های طبیعی بامیان، از جمله کوه‌ها، دره‌ها و مناظر برفی، همراه با شرایط آب‌وهوایی مناسب برای فعالیت‌های زمستانی نظیر اسکی و دیگر ورزش‌های برفی، می‌توانند به‌عنوان عوامل کلیدی در جذب گردشگران زمستانی مورد استفاده قرار گیرند. این ظرفیت‌ها نه تنها به افزایش تعداد گردشگران کمک

می‌کنند، بلکه می‌توانند بامیان را به‌عنوان یک مقصد گردشگری زمستانی در سطح ملی و بین‌المللی معرفی کنند. علاوه بر این، فرهنگ بومی و آثار تاریخی بامیان نیز به‌عنوان جاذبه‌های مهم گردشگری شناخته شده‌اند. وجود آثار تاریخی نظیر بوداهای بامیان، شهر ضحاک و سایر بناهای تاریخی، همراه با فرهنگ غنی و مهمان‌نوازی مردم محلی، از دیگر عوامل جذابیت این منطقه برای گردشگران است. این ویژگی‌ها می‌توانند تجربه‌ای منحصر به فرد و به‌یادماندنی برای گردشگران فراهم کنند و در عین حال به حفظ و تقویت هویت فرهنگی منطقه کمک نمایند.

به‌طور کلی، نتایج این ارزیابی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی بامیان از دیدگاه پاسخ‌دهندگان بسیار جذاب و قابل بهره‌برداری هستند. با این حال، برای بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها، لازم است زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری، از جمله امکانات اقامتی، حمل‌ونقل عمومی و تبلیغات مؤثر، بهبود یابند. همچنین، توسعه برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی برای جامعه محلی و سرمایه‌گذاری در حفاظت از منابع طبیعی و آثار تاریخی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به توسعه پایدار گردشگری در این منطقه کمک کنند. در نهایت، با توجه به نتایج این ارزیابی، بامیان می‌تواند به‌عنوان یک مقصد گردشگری زمستانی با ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی منحصر به فرد، نقش مهمی در تقویت صنعت گردشگری افغانستان ایفا کند.

جدول ۵. درصد فراوانی ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی

شاخص‌ها	کامل مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کامل موافق	میانگین
مناظر طبیعی بامیان جذابیت زیادی برای گردشگران دارد	۵	۱۰	۲۰	۳۵	۳۰	۴/۰
آب و هوای زمستانی بامیان برای فعالیت‌های گردشگری مناسب است.	۶	۸	۱۵	۴۰	۳۱	۴/۰
فرهنگ بومی و آداب‌ورسوم محلی بامیان برای گردشگران جذاب است.	۸	۱۲	۲۰	۳۵	۲۵	۳/۷
جشن‌واره‌ها و رویدادهای زمستانی در بامیان می‌تواند گردشگران بیشتری را جذب کند	۱۰	۱۵	۲۵	۳۰	۲۰	۳/۵



۳/۱	۱۵	۲۵	۳۰	۱۸	۱۲	حیات وحش و طبیعت بامیان می‌تواند به عنوان جاذبه‌ای برای گردشگری زمستانی مطرح شود.
۴/۱	۲۵	۴۰	۲۰	۱۰	۵	آثار تاریخی و باستانی بامیان مکملی برای جذب گردشگران زمستانی است.

منبع: یافته‌های پژوهش

۴_۵. چالش‌ها و موانع

جدول شماره (۶) به بررسی چالش‌ها و موانع موجود در توسعه گردشگری زمستانی در ولایت بامیان پرداخته است. نتایج این ارزیابی نشان‌دهنده وجود مشکلات ساختاری و مدیریتی است که به عنوان موانع اصلی در مسیر توسعه این بخش شناسایی شده‌اند. ضعف زیرساخت‌ها با میانگین ۳.۴ یکی از مهم‌ترین موانع عنوان شده است. این ضعف شامل کمبود امکانات اقامتی استاندارد، حمل و نقل عمومی ناکارآمد، جاده‌های نامناسب و نبود تجهیزات لازم برای ورزش‌های زمستانی می‌شود. زیرساخت‌های محدود نه تنها دسترسی به مناطق گردشگری را دشوار می‌کند، بلکه تجربه کلی گردشگران را نیز تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. عدم هماهنگی بین نهادهای مرتبط با میانگین ۳.۵ نیز به عنوان یکی دیگر از چالش‌های اساسی مطرح شده است. این عدم هماهنگی شامل ضعف در همکاری میان نهادهای دولتی، خصوصی و جامعه محلی است. نبود یک استراتژی جامع و هماهنگ برای توسعه گردشگری زمستانی باعث پراکندگی منابع، کاهش کارآمدی برنامه‌ها و از دست رفتن فرصت‌های بالقوه شده است.

علاوه بر این، کمبود تبلیغات مؤثر و سرمایه‌گذاری ناکافی نیز به عنوان موانع مهم شناسایی شده‌اند. نبود تبلیغات مناسب باعث شده است که بسیاری از جاذبه‌های گردشگری بامیان، به‌ویژه در فصل زمستان، برای گردشگران داخلی و خارجی ناشناخته باقی بمانند. این امر فرصت‌های ارزشمند برای جذب گردشگران و افزایش درآمدهای گردشگری را محدود کرده است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش گردشگری، از جمله در زمینه ساخت و توسعه زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی و حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی، به‌طور جدی مانع رشد این صنعت شده است.

برای غلبه بر این چالش‌ها و موانع، اقداماتی چندبُعدی مورد نیاز است. در وهله اول، سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های گردشگری باید در اولویت قرار گیرد. این شامل بهبود جاده‌ها، افزایش تعداد و کیفیت اقامتگاه‌ها و توسعه تجهیزات لازم برای فعالیت‌های زمستانی می‌شود. دوم، ایجاد یک ساختار مدیریتی هماهنگ و تدوین استراتژی جامع گردشگری زمستانی می‌تواند به بهبود همکاری میان نهادهای مختلف کمک کند. علاوه بر این، اجرای کمپین‌های تبلیغاتی هدفمند در سطح ملی و بین‌المللی، با تمرکز بر معرفی جاذبه‌های زمستانی بامیان، می‌تواند آگاهی عمومی را افزایش داده و تعداد گردشگران را به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد. همچنین، جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و تسهیلات ویژه می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار این بخش ایفا کند.

در نهایت، توجه به آموزش و توانمندسازی جامعه محلی و نهادهای مشارکت آن‌ها در فرآیند توسعه گردشگری می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات و تقویت حس مالکیت در میان مردم محلی کمک کند. با رفع این موانع و اجرای سیاست‌های مناسب، بامیان می‌تواند به‌عنوان یکی از مقاصد برجسته گردشگری زمستانی در منطقه مطرح شود.

جدول ۶. درصد فراوانی چالش‌ها و موانع توسعه گردشگری زمستانی

شاخص	کامل مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کامل موافق	میانگین
ضعف زیرساخت‌ها مانع اصلی توسعه گردشگری زمستانی است.	۱۰	۱۵	۳۰	۲۵	۲۰	۳/۴
نبود تبلیغات کافی برای معرفی جاذبه‌های زمستانی بامیان وجود دارد.	۱۲	۱۸	۳۵	۲۵	۱۰	۳/۲
کمبود سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری زمستانی احساس می‌شود.	۱۵	۲۰	۳۰	۲۵	۱۰	۳/۱
عدم هماهنگی بین نهادهای مسئول مانع توسعه گردشگری زمستانی است.	۸	۱۲	۳۰	۳۵	۱۵	۳/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۶. آزمون فرضیه‌ها

نتایج آزمون همبستگی پیرسون به‌طور جامع نشان‌دهنده وجود روابط مثبت، قوی و معنادار میان متغیرهای مستقل (زیرساخت‌ها، مشارکت جامعه محلی، ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی) و متغیر وابسته (توسعه گردشگری زمستانی) است. رابطه میان زیرساخت‌ها و توسعه گردشگری زمستانی، با ضریب همبستگی 0.745 و سطح معناداری 0.000 ، به وضوح نشان می‌دهد که زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی یکی از ارکان اساسی در جذب گردشگران و توسعه پایدار گردشگری زمستانی محسوب می‌شوند. زیرساخت‌هایی نظیر جاده‌های ایمن و استاندارد، اقامتگاه‌های مجهز، خدمات حمل‌ونقل عمومی، امکانات بهداشتی و رفاهی و زیرساخت‌های ارتباطی مدرن، به‌عنوان شالوده‌ای برای تسهیل دسترسی و ارتقای تجربه گردشگران عمل می‌کنند. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین هم‌راستاست که بر اهمیت زیرساخت‌ها به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در رشد گردشگری تأکید دارند. در بامیان که با چالش‌های زیرساختی مواجه است، تقویت این حوزه می‌تواند به افزایش رضایت گردشگران، جذب سرمایه‌گذاری و در نهایت، رونق اقتصادی منجر شود.

علاوه بر این، رابطه میان مشارکت جامعه محلی و توسعه گردشگری زمستانی، با ضریب همبستگی 0.698 و سطح معناداری 0.000 ، بیانگر نقش بی‌بدیل جامعه محلی در پیشبرد اهداف توسعه گردشگری است. مشارکت جامعه محلی از طریق ارائه خدمات به گردشگران، حفظ و احیای منابع طبیعی و فرهنگی، مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها و ایجاد حس تعلق به توسعه منطقه، نقشی محوری در پایداری و موفقیت گردشگری ایفا می‌کند. این یافته‌ها با نظریات توسعه پایدار و پژوهش‌های مرتبط همخوانی دارد که بر اهمیت مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرآیندهای توسعه تأکید می‌کنند. در این راستا، جلب اعتماد و توانمندسازی جامعه محلی می‌تواند به‌عنوان راهبردی کلیدی برای ایجاد هم‌افزایی در توسعه گردشگری مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر، ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی، با ضریب همبستگی 0.812 و سطح معناداری 0.000 ، قوی‌ترین رابطه را با توسعه گردشگری زمستانی نشان می‌دهند. این یافته حاکی از آن است که منابع طبیعی بکر، مناظر زمستانی منحصر به فرد، آثار تاریخی برجسته



و فرهنگ بومی غنی، به عنوان مزیت‌های رقابتی بامیان، نقشی بی‌بدیل در جذب گردشگران و تمایز این منطقه از سایر مقاصد گردشگری دارند. گردشگری زمستانی در بامیان می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، تجربه‌ای منحصر به فرد و اصیل برای گردشگران فراهم کند که در دیگر مقاصد کمتر قابل دستیابی است. این نتایج با مطالعات مشابه همسو است که تأکید می‌کنند ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی از مهم‌ترین عوامل موفقیت گردشگری در مناطق خاص هستند.

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کنند که توسعه گردشگری زمستانی در بامیان نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که بر سه محور اصلی استوار باشد: تقویت زیرساخت‌ها، مشارکت فعال جامعه محلی و بهره‌برداری پایدار از ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی. این سه عامل، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند به تحقق اهداف توسعه پایدار، از جمله افزایش اشتغال، کاهش فقر، بهبود معیشت محلی و حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی منجر شوند. بر این اساس، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید با اتخاذ راهبردهای مبتنی بر شواهد علمی و تعامل با ذی‌نفعان محلی، به شناسایی و رفع موانع موجود پرداخته و از ظرفیت‌های منحصر به فرد منطقه برای توسعه گردشگری زمستانی بهره‌برداری کنند. این امر نه تنها به رشد اقتصادی منطقه کمک می‌کند، بلکه به ارتقای جایگاه بامیان به عنوان یکی از مقاصد برجسته گردشگری زمستانی در سطح ملی و بین‌المللی نیز منجر خواهد شد.

جدول ۷. آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	توسعه گردشگری	سطح معناداری
زیرساخت‌ها	۷۴۵۰/	۰۰۰۰/
مشارکت جامعه محلی	۶۹۸۰/	۰۰۰۰/
ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی	۸۱۲۰/	۰۰۰۰/

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به طور جامع و با استناد به شواهد آماری نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای مستقل پژوهش (زیرساخت‌ها، مشارکت



جامعه محلی و ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی) بر متغیر وابسته (توسعه گردشگری زمستانی) است. مقدار برابر با ۰.۷۵۱. بیانگر آن است که ۷۵.۱ درصد از تغییرات در توسعه گردشگری زمستانی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود که حاکی از برازش قوی مدل و توان پیش‌بینی بالای آن است. این یافته‌ها تأیید می‌کنند که سه متغیر مذکور به‌عنوان عوامل کلیدی در شکل‌دهی و توسعه گردشگری زمستانی در بامیان نقش دارند.

در میان متغیرهای مستقل، ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی با ضریب استاندارد شده ۰.۵۷۲ بیشترین تأثیر را بر توسعه گردشگری زمستانی داشته است. این نتیجه به‌وضوح اهمیت منابع طبیعی منحصربه‌فرد، مناظر زمستانی بکر، آثار تاریخی برجسته و فرهنگ بومی منطقه را در جذب گردشگران نشان می‌دهد. این یافته همسو با پژوهش‌های پیشین، بر این نکته تأکید دارد که ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی به‌عنوان مزیت‌های رقابتی در توسعه گردشگری، به‌ویژه در مناطق خاص مانند بامیان، نقش محوری ایفا می‌کنند و می‌توانند تجربه‌ای منحصربه‌فرد برای گردشگران ایجاد کنند.

زیرساخت‌ها نیز با ضریب استاندارد شده ۰.۴۵۱ تأثیر معناداری بر توسعه گردشگری زمستانی داشته‌اند. این یافته بیانگر اهمیت توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی از جمله جاده‌های استاندارد، اقامتگاه‌های مجهز، خدمات حمل‌ونقل عمومی و امکانات رفاهی در تسهیل دسترسی گردشگران به مناطق گردشگری و ارتقای کیفیت تجربه گردشگری است. در مناطقی مانند بامیان که با محدودیت‌های زیرساختی مواجه است، تقویت این بخش می‌تواند نه تنها به جذب گردشگران بیشتر کمک کند، بلکه فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی جدیدی را نیز فراهم سازد.

مشارکت جامعه محلی نیز با ضریب استاندارد شده ۰.۳۶۵ به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه گردشگری زمستانی شناخته شده است. این یافته تأکید می‌کند که مشارکت فعال جامعه محلی در فرآیندهای برنامه‌ریزی و اجرا، ارائه خدمات گردشگری، حفظ منابع طبیعی و فرهنگی و ترویج ظرفیت‌های منطقه، نقش کلیدی در موفقیت و پایداری صنعت گردشگری دارد. این نتیجه با نظریات توسعه پایدار همخوانی دارد که بر توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان محلی به‌عنوان یکی از اصول اساسی توسعه پایدار تأکید دارند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه گردشگری زمستانی در بامیان نیازمند اتخاذ رویکردی جامع و چندبعدی است که بر سه محور اصلی استوار باشد: بهره‌برداری پایدار از ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی، تقویت زیرساخت‌ها و جلب مشارکت جامعه محلی. این عوامل، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند به افزایش اشتغال، بهبود معیشت محلی، حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و دستیابی به توسعه پایدار منجر شوند. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید با اتخاذ راهبردهای مبتنی بر شواهد علمی و تعامل با ذی‌نفعان محلی، از ظرفیت‌های منحصر به فرد منطقه برای توسعه گردشگری زمستانی بهره‌برداری کرده و جایگاه بامیان را به‌عنوان یک مقصد برجسته گردشگری زمستانی در سطح ملی و بین‌المللی تقویت کنند.

نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) نشان می‌دهد که مقدار آماره F برابر با ۵۲۴.۵۶ و سطح معناداری آن ۰.۰۰۰ است. از آنجاکه سطح معناداری بسیار کمتر از ۰.۰۱ است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون چندگانه در سطح اطمینان ۹۹ درصد از معناداری آماری برخوردار است. این امر نشان‌دهنده آن است که متغیرهای مستقل (زیرساخت‌ها، مشارکت جامعه محلی و ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی) به‌طور همزمان تأثیر معناداری بر متغیر وابسته (توسعه گردشگری زمستانی) دارند. این یافته‌ها بر توانمندی مدل رگرسیون در تبیین روابط میان متغیرها تأکید کرده و ضرورت توجه به عوامل کلیدی مذکور را در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با توسعه پایدار گردشگری زمستانی به‌وضوح برجسته می‌سازد.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل رگرسیون چندگانه

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد (B)	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد شده (Beta)	آماره T	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۴۱۲	۰/۰۹۱	-	۴/۵۲۷	۰/۰۰۰
زیرساخت‌ها	۰/۳۶۵	۰/۰۳۴	۰/۴۵۱	۱۰/۷۳۵	۰/۰۰۰
مشارکت جامعه محلی	۰/۲۸۴	۰/۰۲۹	۰/۳۶۵	۹/۷۹۳	۰/۰۰۰



ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی	۰/۴۸۷	۰/۰۲۸	۰/۵۷۲	۱۷/۳۹۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین (R ²)	۰/۷۵۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۴۹		
آماره F	۵۲۴/۵۶	سطح معناداری مدل	۰/۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

علاوه بر این، در تحلیل آزمون T مستقل که به مقایسه دیدگاه‌های کارشناسان و مردم عادی در خصوص عوامل مؤثر در توسعه گردشگری زمستانی پرداخته است، نتایج به‌دست‌آمده تفاوت‌های معناداری را در ارزیابی‌های این دو گروه از عوامل مختلف نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از تفاوت‌های بنیادین در سطح آگاهی، تجربه و انتظارات این دو گروه از شرایط موجود و ابعاد مختلف گردشگری باشد.

در خصوص زیرساخت‌ها، کارشناسان با توجه به تخصص و دانش فنی خود، ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت موجود دارند و به‌طور معمول به کمبودها و چالش‌های زیرساختی که برای توسعه گردشگری ضروری است، توجه ویژه‌ای دارند. از سوی دیگر، مردم عادی ممکن است ارزیابی خود را بر اساس تجربیات شخصی و روزمره‌شان از استفاده از این زیرساخت‌ها انجام دهند و از این‌رو، دیدگاه آن‌ها ممکن است از دقت و عمق کمتری برخوردار باشد. این تفاوت در ارزیابی‌ها به‌ویژه در زمینه‌های فنی و پیچیده‌تر، همچون حمل‌ونقل، جاده‌ها، امکانات اقامتی و تفریحی، نمایان می‌شود. در نتیجه، تفاوت‌های موجود در ارزیابی این دو گروه می‌تواند نشان‌دهنده شکاف اطلاعاتی و تجربه‌ای باشد که نیازمند توجه و اصلاح در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه گردشگری است.

در زمینه مشارکت جامعه محلی، کارشناسان بر اهمیت مشارکت فعال جوامع محلی در فرآیند توسعه گردشگری تأکید دارند، چرا که این مشارکت را به‌عنوان عاملی کلیدی در تضمین پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه‌های گردشگری می‌بینند. در مقابل، مردم عادی ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند و بیشتر بر تأثیرات ملموس و روزمره مشارکت در پروژه‌های گردشگری تمرکز کنند. این تفاوت می‌تواند به‌ویژه ناشی از تجربه‌های مستقیم‌تر مردم از مشارکت در برنامه‌های محلی باشد که در برخی



موارد ممکن است منجر به بهره‌برداری اقتصادی و اجتماعی آن‌ها از صنعت گردشگری گردد. این نتایج بر لزوم ایجاد سازوکارهای مؤثر برای تقویت مشارکت جوامع محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی گردشگری تأکید دارد.

در خصوص ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی، کارشناسان با توجه به نگرش‌های زیست‌محیطی و اقتصادی خود، به‌طور معمول بر ضرورت حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع تأکید دارند. آن‌ها ممکن است نگران تهدیدات زیست‌محیطی و آسیب‌هایی باشند که این ظرفیت‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهند. در مقابل، مردم عادی ممکن است بیشتر بر جنبه‌های ملموس و شخصی‌تر این ظرفیت‌ها، نظیر لذت بردن از مناظر طبیعی و تجربیات فرهنگی، تأکید کنند. این تفاوت‌ها می‌تواند در ارزیابی اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و نیز شیوه‌های بهره‌برداری پایدار از آن‌ها تأثیرگذار باشد. در این راستا، توجه به این تفاوت‌ها در سیاست‌گذاری‌های گردشگری می‌تواند به‌طور مؤثری به طراحی راهبردهای جامع و متوازن کمک کند که هم به حفظ منابع طبیعی و فرهنگی و هم به ارتقای کیفیت زندگی جوامع محلی منجر شود.

به‌طور کلی، نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که تفاوت‌های معنادار در دیدگاه‌های کارشناسان و مردم عادی، به‌ویژه در زمینه‌های زیرساختی، اجتماعی و محیطی، لزوم توجه به تنوع دیدگاه‌ها و نیازهای مختلف در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های گردشگری را برجسته می‌کند. این یافته‌ها به‌ویژه در مناطقی مانند بامیان که ظرفیت‌های گردشگری با جوامع محلی و محیط زیست در ارتباط نزدیک هستند، اهمیت دارد. بنابراین، ضروری است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان گردشگری در طراحی استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه گردشگری، دیدگاه‌های متنوع و مختلف را در نظر بگیرند تا توسعه‌ای پایدار، جامع و منطبق با نیازهای واقعی منطقه و جامعه محلی تحقق یابد.



جدول ۹. نتایج آزمون T مستقل برای متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین گروه ۱	میانگین گروه ۲	تفاوت میانگین	انحراف معیار گروه ۱	انحراف معیار گروه ۲	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
زیرساخت‌ها	۳/۸۵	۳/۶۵	۰/۲۰	۰/۴۵	۰/۵۰	۳/۵۶	۳۸۲	۰/۰۰۰
مشارکت جامعه محلی	۳/۶۷	۳/۵۵	۰/۱۲	۰/۴۸	۰/۵۲	۲/۴۵	۳۸۲	۰/۰۱۵
ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی	۴/۱۲	۴/۰۱	۰/۱۱	۰/۴۲	۰/۴۶	۲/۸۹	۳۸۲	۰/۰۰۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت، جدول ۱۰ به تحلیل کیفی مضامین استخراج‌شده از داده‌های پژوهش پرداخته و سه موضوع کلیدی شامل موانع توسعه گردشگری زمستانی، ظرفیت‌های موجود و پیشنهادها برای بهبود وضعیت را بررسی کرده است. این مضامین، بر اساس فراوانی پاسخ‌ها و درصد مشارکت‌کنندگان، چارچوبی جامع برای شناسایی چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای عملی ارائه می‌دهند.

در بخش موانع توسعه گردشگری زمستانی، چالش‌های اصلی شامل ضعف زیرساخت‌ها، نبود تبلیغات مؤثر و عدم هماهنگی بین نهادهای مرتبط شناسایی شده‌اند. این عوامل که توسط ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان تأیید شده‌اند، به عنوان موانع ساختاری و مدیریتی قابل توجهی مطرح می‌شوند. ضعف زیرساخت‌ها شامل نبود جاده‌های استاندارد، کمبود اقامتگاه‌های مناسب و محدودیت در امکانات حمل و نقل است که به طور مستقیم بر دسترسی گردشگران به مناطق جذاب زمستانی تأثیر منفی گذاشته است. همچنین، نبود تبلیغات هدفمند و کارآمد در سطح ملی و بین‌المللی، ظرفیت‌های گردشگری بامیان را ناشناخته نگه داشته است. از سوی دیگر، عدم هماهنگی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه محلی باعث کاهش کارایی برنامه‌های توسعه‌ای و عدم انسجام در سیاست‌گذاری‌های گردشگری شده است.

در بخش ظرفیت‌های موجود، دو مؤلفه کلیدی شامل چشم‌اندازهای طبیعی و



فرهنگ بومی به عنوان مزیت‌های منحصربه‌فرد بامیان شناسایی شده‌اند. ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که مناظر برفی، دریاچه‌های یخ‌زده و کوهستان‌های منطقه ظرفیت‌های ارزشمندی برای جذب گردشگران زمستانی ایجاد کرده‌اند. این جاذبه‌ها در کنار فرهنگ بومی غنی، شامل آداب و رسوم محلی، غذاهای سنتی و صنایع دستی، فرصت‌های بی‌نظیری برای توسعه گردشگری فرهنگی و طبیعی فراهم می‌کنند. این ظرفیت‌ها، در صورت مدیریت صحیح و تبلیغات مناسب، می‌توانند بامیان را به یکی از مقاصد برجسته گردشگری زمستانی در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل کنند.

در بخش پیشنهادها برای بهبود وضعیت، دوراهکار کلیدی شامل جذب سرمایه‌گذاری و آموزش جامعه محلی ارائه شده است. ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان بر اهمیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تأکید کرده‌اند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند زیرساخت‌های گردشگری نظیر اقامتگاه‌های استاندارد، امکانات تفریحی زمستانی و جاده‌های دسترسی را تقویت کنند. همچنین، حمایت دولت از سرمایه‌گذاران از طریق ارائه مشوق‌های اقتصادی و تسهیلات مالیاتی می‌تواند نقش مؤثری در جلب سرمایه‌گذاران ایفا کند. آموزش جامعه محلی نیز به عنوان یک راهکار کلیدی مطرح شده است. آگاهی‌بخشی به مردم محلی درباره اهمیت گردشگری و توانمندسازی آن‌ها برای ارائه خدمات باکیفیت به گردشگران، از جمله اقدامات ضروری است. برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌هایی نظیر مدیریت مهمان‌پذیری، صنایع دستی و راهنمایی گردشگران می‌تواند به افزایش مشارکت مؤثر جامعه محلی و ارتقای کیفیت خدمات منجر شود.

به طور کلی، تحلیل مضامین استخراج شده نشان می‌دهد که توسعه گردشگری زمستانی در بامیان نیازمند رفع موانع ساختاری، بهره‌برداری از ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی و اجرای راهکارهای عملی نظیر سرمایه‌گذاری و آموزش است. این اقدامات می‌توانند به افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی منطقه منجر شوند. همچنین، هماهنگی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه محلی به عنوان یک پیش شرط اساسی برای تحقق توسعه پایدار در بخش گردشگری زمستانی بامیان شناسایی شده است.



جدول ۱۰. تحلیل کیفی (مضامین استخراج‌شده)

موضوع اصلی	زیر موضوعات	تعداد پاسخ‌ها	تفسیر	توضیحات
موانع توسعه	ضعف زیرساخت‌ها، نبود تبلیغات، عدم هماهنگی	۷۶	ضعف زیرساخت‌ها و تبلیغات بزرگترین موانع توسعه شناسایی شدند.	زیرساخت‌های مناسب نظیر جاده‌های استاندارد و اقامتگاه‌های مجهز از موانع کلیدی هستند.
ظرفیت‌های موجود	چشم‌اندازهای طبیعی، فرهنگ بومی	۶۸	ظرفیت‌های طبیعی بامیان پتانسیل بالایی برای توسعه گردشگری دارند.	مناظر برفی، دریاچه‌های یخ‌زده و فرهنگ بومی از مهم‌ترین جذابیت‌های منطقه هستند.
پیشنهادها	سرمایه‌گذاری، آموزش جامعه محلی	۷۲	آموزش جامعه محلی و سرمایه‌گذاری از راهکارهای کلیدی برای توسعه هستند.	مشارکت فعال جامعه محلی و جذب سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی برای تحقق توسعه پایدار ضروری است.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی توسعه گردشگری زمستانی در بامیان، ظرفیت‌ها، موانع و راهکارهای عملی این حوزه را بررسی کرد. نتایج نشان داد که بامیان با مناظر طبیعی منحصر به فرد، از جمله کوهستان‌های برفی و دریاچه‌های یخ‌زده و فرهنگ بومی غنی، پتانسیل بالایی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی دارد. با این حال، ضعف زیرساخت‌ها، از جمله نبود جاده‌های استاندارد، کمبود امکانات اقامتی و حمل‌ونقل مناسب، به همراه فقدان استراتژی‌های بازاریابی مؤثر، از موانع کلیدی در مسیر توسعه گردشگری زمستانی در این منطقه هستند. این چالش‌ها، علاوه بر محدود کردن دسترسی



گردشگران، ظرفیت‌های موجود را نیز کمتر شناخته‌شده نگه داشته است.

در راستای رفع این موانع و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای با تمرکز بر ارتقای زیرساخت‌ها، نظیر ساخت جاده‌های استاندارد، اقامتگاه‌های مناسب و امکانات تفریحی زمستانی، از جمله پیست‌های اسکی، صورت گیرد. همچنین، تدوین استراتژی‌های بازاریابی مدرن، با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، برای معرفی ظرفیت‌های گردشگری منطقه ضروری است. ارائه مشوق‌های اقتصادی و تسهیلات مالیاتی می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کمک کند. از سوی دیگر، آموزش جامعه محلی در زمینه مدیریت مهمان‌پذیری، راهنمایی گردشگران و ارائه خدمات باکیفیت، نقش مهمی در افزایش مشارکت مردم محلی و بهبود تجربه گردشگران خواهد داشت. تدوین سیاست‌های زیست‌محیطی برای حفاظت از منابع طبیعی و کاهش اثرات منفی گردشگری، در کنار ایجاد یک ساختار مدیریتی یکپارچه برای هماهنگی میان دولت، بخش خصوصی و جامعه محلی، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار گردشگری زمستانی در بامیان شود. اجرای این اقدامات نه تنها به رشد اقتصادی و کاهش فقر در منطقه کمک می‌کند، بلکه با حفظ محیط‌زیست و ترویج فرهنگ بومی، بامیان را به یکی از مقاصد برجسته گردشگری زمستانی در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل خواهد کرد.

فهرست منابع

۱. باباخانزاده، ادریس، (۱۳۹۵)، بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گردشگری (مطالعه موردی: منطقه اورامانات)، برنامه ریزی فضایی، دوره ۶، شماره ۴، ۲۵-۴۸.
۲. بساک، سعید و دین پرست، ساجده، (۱۳۹۹)، بررسی نقش گردشگری روستایی در توسعه اقتصادی روستاهای هدف گردشگران، (مطالعه موردی: روستاهای دهستان مدرس، شهرستان شوشتر)، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳، شماره ۱، ۲۶۹-۲۸۶.
۳. حسینی، مهدی و ناصری، فاطمه، (۱۴۰۱)، اثرات اقتصادی و زیست محیطی گردشگری در ایران، پژوهش های محیط زیست، دوره ۸، شماره ۲، ۱۲-۲۹. DOI: 10.1016/j.envres.2022.113259
۴. خورانی، اسدالله و منجذب مرودشتی، شهربانو، (۱۳۹۳)، بررسی آثار تغییر اقلیم بر میزان بازدید از جزیره هنگام، پژوهش های جغرافیای طبیعی، دوره ۴۶، شماره ۱، ۱۰۹-۱۲۲. DOI: 10.22055/JPHGR.2014.50622
۵. رضائی، پرویز و افشار ونگینی، فریده، (۱۴۰۰)، امکان سنجی مناطق مستعد گردشگری زمستانی در استان قزوین، نشریه علمی مطالعات برنامه ریزی سکونت گاه های انسانی، دوره ۱۶، شماره ۲، ۲۹۵-۳۰۸.
۶. شریفی، محمد و سعیدی، الهام، (۱۴۰۲)، گردشگری پایدار و تأثیر آن بر مناطق حفاظت شده، توسعه پایدار، دوره ۵، شماره ۱، ۱۰-۳۰. DOI: 10.1080/21568316.2023.1134567
۷. شمس الدینی، علی؛ درخشان، الهام و کریمی، ببراز، (۱۳۹۵)، ارزیابی اثرات توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه صنعت گردشگری (مطالعه موردی: آستان کهگیلویه و بویراحمد)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۶، شماره ۲۴، ۸۹-۱۰۰.
۸. عربشاهی کریزی، احمد و تقدیسی، مهرنوش، (۱۳۹۷)، گردشگری شهری و توسعه



پایدار شهری: تحلیل و بررسی جایگاه نقش و پیامدهای توسعه گردشگری شهری، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۲، ۳۹۷-۴۱۶.

۹. فیض پور، محمدعلی؛ انصاری سامانی، حبیب و ناصری، زهرا، (۱۴۰۲)، *بررسی عوامل مؤثر بر مطالعات امکان سنجی توسعه گردشگری در آستان کرمانشاه؛ ارزیابی دیدگاه جامعه محلی*، فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری، دوره ۱۱، شماره ۲۳، ۱-۳۶.

۱۰. کروی، مهدی؛ محمودی، احمد و سیدی، پیمان، (۱۳۹۵)، *نقش محدودیت ها در انگیزه گردشگران ورزش های زمستانی پیست های اسکی*، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۱، شماره ۳۴، ۱-۲۴.

۱۱. کریمی، سارا و محمدی، علی، (۱۳۹۹)، *گردشگری فرهنگی و پیامدهای آن در مناطق بومی*، جغرافیای فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۴، ۱۰۰-۱۲۰. DOI: 10.1177/2158244020919532

۱۲. لطفی خاچکی، بهنام، (۱۳۸۷)، *گردشگری به مثابه یک صنعت*، راهبرد، دوره ۱، شماره ۲، ۱۷۱-۲۰۶.

۱۳. محرم زاده، مهرداد؛ فتحی، فرهاد و سیوان نوری، محمد، (۱۴۰۱)، *امکان سنجی فرصت های سرمایه گذاری موجود با محوریت توسعه ارتباطات و تنوع بخشی به خدمات گردشگری زمستانی*، مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی، دوره ۹، شماره ۴.

۱۴. مهدوی حاجیلویی، مسعود و بیشمی، بهار، (۱۳۹۳)، *توسعه گردشگری زمستانی در مقاصد روستایی (مطالعه موردی: روستاهای حاشیه پیست اسکی شمشک شمال تهران)*، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴، ۸۸۹-۹۰۳.

۱۵. وثوقی، لیلا؛ دادور خانی، فضیله؛ مطیعی لنگرودی، سیدحسن و رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *عوامل مؤثر بر رضایت در گردشگری زمستانی*، (مورد مطالعه: دو مقصد گردشگری شمشک و دربندسر)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات گردشگری، دوره ۷، شماره ۱۵، ۱-۲۷.

۱۶. هاشمی دیزج، عبدالرحیم؛ سادات زارنجی، ژیلا فرزانه و جامی اودولو، مریم، (۱۴۰۲)،



چالش‌ها فراروی توسعه اقتصاد گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۱۳، شماره ۴۹، ۲۱ - ۳۵.

17. Amin, M., Ryu, K., Cobanoglu, C., Rezaei, S., & Wulan, M. (2020). Examining the effect of shopping mall attributes in predicting tourist shopping satisfaction and behavioral intentions: variation across generation X and Y. *Journal of Quality Assurance in Hospitality and Tourism*, 22(5), 1 – 28.
18. Ausserladscheidera, V. (2024). Decoupling climate change: winter tourism and the maintenance of regional growth. *New Political Economy*, 5(29), 693 – 708. <https://doi.org/10.1080/13563467.2024.2330486>
19. Ay, S., Karakurt Tosun, E., & Yildiri Keser, H. (2016). Uludag winter tourism and its importance in the economic development. *Annals of the Constantin Brancusi, University of Targu Jiu, Economy Series*, 4, 31–39.
20. Beyazit, M. F. (2010). An analysis of snow options forski resort establishments. *Tourism Managment*, 31, 676 – 683.
21. Bulgan, G., Isik Maden, S., & Yildirim, S. (2019). The Effect of Tourism Sector on Economic Growth: An Empirical Study on Turkey. *Journal of Yasar Universitesi*, 14(55), 215–225. <https://doi.org/10.19168/jyasar.529762>
22. Business (E-WOM, electronic WOM, word of mouth destination image, retail). 13(1), 12.
23. Cernaianu, S., & Sobry, C. (2017). The Development of Winter Sports Tourism in Romania – A Historical Approach. *European Journal of Tourism Research*, 16, 8 – 18. DOI: 10.54055/ejtr.v16i.274
24. Cooper, C. (2007). *Ski Tourism*, Publisher: Channel View Publications.
25. Hewer Micah, J., & Williams, A. G. (2017). Thirty years of assessing the impacts of climate change on outdoor recreation and tourism in Canada. *Tourism Managment Perspectives*, Available online 17 July 2017 impact programmer, 24th April, London.

26. Hudson, S. (2012). *Winter Sport Tourism: Working in Winter Wonderlands*. Goodfellow Publishers.
27. Karami, M., & Khoshkho, M. H. I. (2011). Feasibility assessment for tourism development in persian gulf)A Case Study of Hendourabi Island). *European Journal of Scientific Research*, 61(1), 108 – 113.
28. Liu, T. M. (2016). The influence of climate change on tourism demand in Taiwan national parks. *Tourism Managment Perspectives*, 20, 269 – 275.
29. Martini, E. (2022). Impact of e-WOM and WOM on Destination Image in Shopping Touris
30. McKercher, B. (2020). Anatomy of successful tourism shopping districts. *International Journal of Tourism Cities*, 6(4), 831 – 846.
31. Murphy, P. (2008). *Mountain Resort Planning and Development in an Era of Globalization*. Publisher: Channel View Publications.
32. Pasca, M. G., Renzi, M. F., Di Pietro, I., & Guglielmetti Mugion, R. (2021). Gamification in tourism and hospitality research in the era of digital platforms: a systematic literature review. *Journal of Service Theory and Practice*, 31(5), 691 -737.
33. Probstl-Haider, U., Richins, H., & Turk, S. (2019). *Winter Tourism: Trends and Challenges*, Publisher: CABI.
34. Protic, B., Lukic, B., Popovic, V., & Ristic, D. (2024). Balancing Act: Assessing the Impacts of Winter Tourism on Natural Heritage in Kopaonik National Park and Charting a Sustainable Path Forward. *Sustainability*, 2024(16):1509. DOI:10.3390/su16041509
35. Scott, D., Hall, M., & Gossling, S. (2012). *Tourism and Climate Change: Impacts, Adaptation and Mitigation*. Publisher: Routledge.
36. Seker, A. (2022). The nexus between tourism and international service trade in the coronavirus pandemic: Evidence from Turkey. *Journal of Mul-*





- tidisciplinary Academic Tourism, 7(1), 55–65. <https://doi.org/10.31822/jomat.2022-7-1-55>
37. Somnuxpong, S., & Chiarasumran, N. (2024). Study of the Environmental, Economic, and Social/Cultural Impacts of Historical and Cultural Tourism in the Old Town District of Chiang Mai: Evaluating the Sustainable Development Possibilities for a Destination under Consideration as a World Heritage Site. *Journal of Sustainability Research*, 6(3):e240047. <https://doi.org/10.20900/jsr20240047>
38. Thullah, A., & Jalloh, S. A. (2021). A review of the economic, social and environmental impacts of tourism development. *American Journal of Theoretical and Applied Business*, 7(2), 39 – 46. Doi: 10.11648/j.ajtab.20210702.12
39. UNWTO (United Nations World Trade Organization) (2016). Yearbook of tourism statistics. Madrid: United Nations World Trade Organization. www.unwto.org
40. Uyan, M., Sert, E., Osmanli, S., & Gulmez, K. (2023). Determination of winter tourism potential areas in turkiye using a gis-based multi-criteria analysis. *Journal of the Geographical*, 37(1). <https://doi.org/10.2298/IJ-GI2301079U>
41. Weaver, D. (2006). *Sustainable Tourism: Theory and Practice*. Publisher: Routledge.
42. Weaver, D., & Lawton, L. (2010). *Tourism Management*. Publisher: Wiley.
43. World Tourism Organization (UNWTO). (2020). *International Tourism Highlights, 2020 Edition*. Madrid: UNWTO. www.unwto.org
44. WTTC (World Travel and Tourism Council) (2019). *Travel and Tourism Economic Impact 2019*. London: WTTC.

مقایسه الگوی مصرف بهینه از دیدگاه اقتصاد

اسلامی و اقتصاد متعارف

سید محمدنقی موسوی^۱

چکیده

مصرف به عنوان موتور محرک تولید تأثیرات مهمی در زندگی افراد و اقتصاد جامعه دارد. از آنجا که مصرف از دیدگاه اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی اهداف و دورنمای متفاوتی را دنبال می‌کند و نیز تأثیرات متفاوتی بر رفاه فردی و اجتماعی و نیز رفاه دنیوی و اخروی افراد دارد، بررسی این تفاوت‌ها ضرورت می‌یابد. می‌دانیم که ابتدا بررسی مصرف توسط کینز آغاز و توسط ژان باتیست سی جایگاه مستقلی در کنار تولید و توزیع به خود اختصاص داد. در راستای رفع اشکالات و تکامل نظریه نونهال مصرف کینز، نظریات مصرف مادیگلیانی، دوزنبری، فریدمن و بارو-رمزی، به این نکته مشترک رسید که مردم با استفاده از پس‌انداز و انتقال بخشی از درآمد خود به آینده، مصرف خود را هموار ساخته و سعی می‌کنند یک رفاه پایدار در مصرف‌شان ایجاد کنند. این مقاله، در مقام مقایسه مصرف از دیدگاه اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوی و با طرح این سؤال که «مصرف بهینه در گستره اقتصاد اسلامی چه تفاوتی با مصرف در اقتصاد متعارف دارد» و طرح این فرضیه که «مصرف بهینه اسلامی لزوماً هدف هموارسازی را تعقیب نمی‌کند بلکه در تعقیب تأمین رفاه مادی و معنوی و نیز رفاه دنیا و آخرت انسان، گام بر می‌دارد» و استدلال می‌کند؛ هموارسازی مسیری نیست که همه افراد بخواهند و یا بتوانند آن را طی کنند. یافته مستدل تحقیق این است که از دیدگاه اسلامی مصرف هنگامی بهینه خواهد بود که بتواند رفاه مادی و معنوی فرد و خانواده‌اش را تأمین کرده، به رفع نیاز مادی و معنوی نزدیکان افراد مساعدت رسانده و حقوق نیازمندان جامعه را ادا کند. علاوه بر رفاه مادی و معنوی دنیایی، رفاه اخروی افراد را نیز فراهم آورد. همچنین بخشی از درآمد فرد، صرف پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و آبادانی شود.

کلیدواژه‌ها: مصرف، مصرف بهینه، الگوی مصرف، اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف

۱. دکتری علوم اقتصادی، کدر علمی جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: musavi2015@gmail.com

مقدمه

در حیات مادی تمام تلاش‌ها بر این است که لذات افزوده شود و رنج‌ها کاهش یابد که این مهم به وسیله مصرف میسر می‌گردد. مصرف در اقتصاد اسلامی از دو جهت اهمیت دارد؛ از جهت اقتصادی و از جهت معنوی. از جهت اقتصادی مصرف در اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری مشترکاتی دارد هم از جهت فردی و هم از جهت اقتصاد ملی که نتیجه نهایی آن رفاه فردی و اجتماعی است. به لحاظ ملی مصرف با افزایش تقاضا و مصرف محصولات سبب تولید مجدد می‌شود که نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش عمومی و خصوصی می‌گردد تا چرخ اقتصاد بچرخد همچنین مصرف توزیع را نیز متأثر می‌سازد. به لحاظ فردی مدیریت صحیح مصرف از یک طرف با حذف مصارف زاید سبب گسترده‌تری مصرف و از طرفی سبب طولانی شدن مصرف و نیز یک‌نواختی مصرف و رفاه می‌گردد. در اقتصاد اسلامی مصرف جنبه معنوی هم دارد که آن را از مصرف در اقتصاد متعارف متفاوت می‌سازد. از لحاظ معنوی مصرف از یک طرف سبب تقویت جسم و روح می‌گردد که ابزار عبادت و پرستش خداوند و رسیدن به حیات طیبه است و از طرفی در اقتصاد اسلامی حوزه مصرف، فردی نیست، بلکه شبکه به هم پیوسته اجتماعی از سه طبقه ثروت‌مند، متوسط و فقیر است که همیار و همراه هم است و یک مسیر از دنیا به آخرت را می‌پیماید.

به عنوان پیشنهادی تحقیق، منکیو (۲۰۰۰) به نقد نظریه هموارسازی مصرف، استاذزاده (۷۷:۱۳۹۱) مصرف بین دوره‌ای با رویکرد اسلامی، سید رضا حسینی و همکاران (۳۵:۱۳۹۹) تعارض و تراحم در الگوی فرد مسلمان در مقام ترسیم و عمل، موفق (۱۳۹۲) اصلاح الگوی مصرف از منظر اخلاقی، میرمعزی (۳۳:۱۳۸۴) تأثیر الگوی مصرف کلان اسلامی بر سرمایه‌گذاری، حمید رفیعی (۱۷۰:۱۳۸۸) تأثیر مدیریت اقتصادی خانواده بر الگوی مصرف و ایروانی (۱۱-۵۰:۱۳۹۱) مصرف صحیح از نگاه اسلام را مطرح کرده‌اند. نجات الله صدیقی، نیازها را دارای سه مرتبه نیازهای اساسی برای بقا، نیازهای لازم برای زندگی کارا و نیازهای رفاهی می‌داند و منذر قهف خردگرایی اسلامی را به عنوان جانشینی برای عقلانیت اقتصاد غربی مطرح می‌کند. فهیم خان تخصیص منابع به گروهی از مصارف



بالقوه را مسئله محوری در اقتصاد دانسته و نیز انس زرقاء در تابع مطلوبیت مصرف کننده مسلمان متغیر جدیدی موسوم به پاداش و جزا در آخرت را اضافه می کند (سیزده تن از اندیشمندان مسلمان، ۱۳۷۵: ۴، ۱۸، ۱۳۴، و ۲۰۰).

تفاوت مقاله حاضر با دیگر آثار در این است که محققین دیگر در حوزه مصرف یا در صدد ارائه الگوی مصرف اسلامی بوده است یا صرفاً مصرف را از منظر اقتصاد سرمایه داری بررسی کرده اند و کمتر دید مقایسه ای داشته اند. به همین دلیل این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و تحلیل محتوی به پاسخ این سؤال که «چه تفاوتی بین مصرف بهینه از دیدگاه اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی وجود دارد»، می پردازد.

۱. مفاهیم

واشکافی موضوع جهت درک مطالب، یک قاعده اساسی در تحریر است. این مقاله نیز به پیروی از این قانون ابتدا به بیان مفاهیم اساسی می پردازد و سپس قدم های تحلیلی را در عرصه دیدگاه ها و نظر صواب بر خواهد داشت.

۱-۱. اقتصاد خانواده

اقتصاد خانواده را می توان چگونگی سازمان دهی و مدیریت منابع خانواده تعریف کرد (لیداکاکیا، ۱۳۸۸: ۱۹). اقتصاد خانواده از دو بخش درآمد و مصرف تشکیل شده است که مدیریت و هماهنگی بین درآمد و مصرف در عین ضرورت به بهبود معیشت خانوار منتهی می گردد.

۱-۲. مصرف

مصرف در لغت استفاده کردن، بهره برداری از چیزی که با کاهش یا استهلاک آن چیز همراه است، جای هزینه کردن، جای خرج کردن و مورد استفاده قرار دادن، است (انوری و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۰۷۳) اقتصاددان ها نیز در جهت روشنی بخشی مفهوم مصرف نظراتی داشته اند: «مصرف عبارت است از ارزش پولی کالاها و خدماتی که توسط افراد خریداری می شود» (اخوی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). «هزینه مصرف خصوصی عبارت است از مخارجی که مجموع خانوارهای یک نظام اقتصادی برای به دست آوردن و مصرف کالا و خدمات،

طی دوره زمانی خاص انجام می‌دهند» (طبییان، ۱۳۸۴: ۱۷۳). «درآمد خالص (درآمد منهای استهلاک) به دو منظور استفاده می‌شود؛ بخشی از آن به انباشتن ثروت و پس‌انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر، صرف تحصیل لذت می‌گردد؛ آن قسمت از درآمد که صرف تحصیل لذت می‌شود مصرف نامیده می‌شود» (قدیری اصل، ۱۳۷۹: ۲۷۴).

با توجه به تعاریف مذکور می‌توان تعریف کامل‌تری از مصرف به این صورت ارائه کرد: «مصرف عبارت است از ارزش پولی کالاها و خدماتی که توسط افراد یا مؤسسات خریداری و به‌منظور سرمایه‌گذاری (مصارف سرمایه‌گذاری)، یا رفع نیاز و افزایش رفاه لذت‌بخش جامعه و حیات طیبه بهره‌برداری می‌گردد».

۳-۱. الگوی مصرف

الگوی مصرف به مجموعه‌ای از اقلام مصرفی (کالا و خدمات) و ترکیبی از کمیت‌ها و کیفیت‌ها اطلاق می‌گردد که تحت تأثیر استاندارد مصرف، درآمد، موقعیت اجتماعی و نگرش مردم به مسائل فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و جغرافیایی شکل می‌گیرد و در آن باید مسائلی چون مصرف پایدار، رعایت حقوق نسل‌های آینده و تولید داخل یا وارداتی بودن آن در نظر گرفته شود (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). الگوی مصرف در هر جامعه‌ای از سه مؤلفه سطح مصرف کالاها و خدمات، ترکیب کالاها و خدمات و نوع کالاها و خدمات مصرفی تشکیل شده است (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۲).

با اصلاح الگو می‌توان بخش قابل توجهی از مصارف جامعه را اصلاح نمود. برای ارائه یک الگوی مصرفی موفق برای خانوار، باید هم خواسته‌های مصرف‌کننده و هم استانداردهای تعیین‌شده از سوی کارشناسان و مراکز بین‌المللی را در نظر گرفت (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۸۹). هرچه الگوی مصرف صحیح‌تر باشد، تأثیر آن بر رفع نیازها و افزایش لذات خانوار بیشتر است و مصرف‌گرایی را کاهش می‌دهد. «مصرف‌گرایی در جامعه، دارای اثرات زیان‌باری است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش واردات و کمبود گرایش به سرمایه‌گذاری زیرساختی اشاره کرد» (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۰).



۲. مبانی اقتصادی مصرف

«مبانی به معنای فروض و دیدگاه‌های پایه‌ای است که نظریات اقتصادی بر آن‌ها بنا می‌شود» (توکلی، ۱۳۹۸: ۷).

۲-۱. مبانی اقتصاد متعارف در مصرف

مبانی عام مصرف، همان مبانی اقتصاد متعارف است. پارادایم همه مکاتب اقتصاد متعارف را معرفت‌شناسی عقل‌گرایانه و حس‌گرایانه، هستی‌شناسی طبیعت‌گرایانه، انسان‌شناسی فردگرایانه و ارزش‌شناسی تقلیل‌گرایانه تشکیل می‌دهد.

۲-۱-۱. معرفت‌شناسی

نظریه‌پردازان اقتصاد متعارف، در کسب معرفت اقتصادی، به دو ابزار معرفتی عقل و تجربه بسنده کرده‌اند. «عقل و عقل‌گرایی به این مفهوم است که انسان‌ها قادرند با استفاده از عقل، همه مسائل مربوط به زندگی فردی و اجتماعی‌شان را درک و حل کنند بدون این‌که نیازی به راهنمایی بیرونی مانند وحی داشته باشند» (توکلی، ۱۳۹۸: ۵۱). اعتقاد عمومی عقل‌گرایان بر این بود که مسئله اساسی و محوری وجود آدمی، سروسامان یافتن زندگی فردی و اجتماعی او بر طبق موازین عقلی است، نه کشف اراده خداوند در مورد این موجود خاکی (بیات و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۳). حس‌گرایان، حس را تنها ابزاری می‌دانند که انسان را به معرفت‌دارای ارزش علمی می‌رساند و هر معرفتی را که از راه غیرحس به دست آمده باشد، فاقد اعتبار علمی می‌دانند.

۲-۱-۲. هستی‌شناسی

منظور از مبانی هستی‌شناسی، پیش‌فرض‌های وجودشناسانه نهفته در نظریات اقتصادی است که شامل فروض خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی هر سه می‌شود. در قسمت پیش‌فرض‌های خداشناسی به فراخور معرفت‌شناسی آن، جایگاهی برای خداوند در نظر گرفته نشده است. البته این در ابتدا به معنای انکار صددرصدی وجود خداوند نبود؛ زیرا اولاً نفی و اثبات وجود خداوند را دور از دسترس ابزارهای شناخت می‌دانستند (براین مگی، کامشاد، ۱۳۹۴: ۵۷). ثانیاً با وجود خداوند به عنوان خالق جهان، مشکلی نداشتند. از نظر



آنان، حتی اگر خدایی وجود داشته باشد، به عنوان خالق جهان وجود دارد؛ اما کاری به اداره آن ندارد و جهان، بر اساس سازوکار و قانون‌مندی خاصی که توسط خداوند در آن به ودیعه نهاده شده، خودبه‌خود اداره می‌شود (شارل ژید و شارل ریست، ۱۳۴۷: ۱۴-۱۸). لذا ما هستیم و قوانین طبیعت که در دسترس و حیطه درک ماست و باید آن را کشف کنیم. این همان الهیات دئیسم است. «به تدریج، الهیات نظریات اقتصاد متعارف از دئیسم به سمت لانیسم (نفی خلقت و خالق) و در نتیجه تقویت بیشتر طبیعت‌گرایی پیش رفت» (توکلی، ۱۳۹۸: ۸۶).

طبیعت‌گرایی، وضعیت جهان‌شناسی اقتصاد متعارف را نیز مشخص می‌کند و آن این‌که جهان، منحصر در دنیای مادی و عالم طبیعت است و جهانی ورای آن وجود ندارد. بنابراین هر نوع تلاش و فعالیتی، بر مبنای زندگی در جهان مادی باید تنظیم و برنامه‌ریزی شود. در قسمت انسان‌شناسی، تلقی عمدتاً فردگرایانه از انسان، تصویر انتزاعی انسان اقتصادی را به نمایش گذاشت. تصمیمات و انتخاب‌های انسان اقتصادی ناشی از این تلقی، ابتدا، با معیار عقلانیت کامل تحلیل می‌شد، ولی رفته رفته به عقلانیت محدود بسنده شد. عقلانیت اقتصادی به هر مفهومی که باشد (سازگاری درونی، یا بیشینه‌سازی نفع شخصی و یا بیشینه‌سازی ترجیحات)، محدودیت ذاتی یا ساختاری و هنجاری دارد و به انتخاب‌گزین «رضایت‌بخش» یا «به اندازه کافی خوب» تقلیل معنایی یافته است (توکلی، ۱۳۹۸: ۹۰-۱۰۸).

طبیعت‌گرایی، مادی‌گرایی و فردگرایی، مبنای هستی‌شناسی اقتصاد متعارف را تشکیل می‌دهد که مصرف نیز متأثر از آن است. بر این اساس، به افراد باید اجازه داده شود تا منافع شخصی خود را آزادانه دنبال کنند. ایجاد هرگونه محدودیت برای فعالیت‌های افراد، نظم طبیعی را مختل می‌کند.

۲-۱-۳. ارزش‌شناسی

نظریه مصرف، مبتنی بر لذت‌گرایی بنیتهام و مطلوبیت ناشی از رفاه‌گرایی است، «رفاه‌گرایی بر رویکرد فایده‌گرایی اخلاقی استوار است که ارزش‌مندی یک سیاست را در میزان فایده و رفاهی که نصیب جامعه می‌کند، می‌داند» (انصاری، ۱۳۹۳: ۴۱). هم‌چنین، مقایسه



مطلوبیت‌های بین فردی که در اقتصاد رفاه صورت می‌گیرد، نوعی داوری ارزشی است (دادگر، ۱۳۸۴: ۱۹۸).

۲-۲. مبانی اقتصاد اسلامی در مصرف

پیش‌فرض‌های اسلامی در مورد مصرف و توسعه آن، متفاوت از پیش‌فرض‌های اقتصاد متعارف است. این تفاوت باعث شده است که مبانی فقهی نیز به مبانی سه‌گانه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی اضافه شود.

۲-۲-۱. مبانی معرفت‌شناسی

«مبانی معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی به ماهیت شناخت‌ها در اقتصاد اسلامی، شرایط تحقق شناخت، منابع شناخت و ملاک اعتبار آن مرتبط است» (توکلی، ۱۳۹۸: ۴۹). از نظر اسلام، معرفتی معتبر است که مطابق با واقع، توجیه‌پذیر و اسلامی باشد. واقع‌گرایی؛ یعنی معرفت باید در راستای تغییر واقعیت موجود به سمت واقعیت مطلوب اسلامی باشد. توجیه‌پذیری؛ یعنی معرفت یا خود از بدیهیات یا مبتنی بر بدیهیات باشد. اسلامیت؛ یعنی معرفت از منابع اسلامی به‌دست آمده باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴: ۶۴). معرفت‌شناسی اقتصاد اسلامی روی منابع معرفتی ناشی از وحی به‌عنوان منابع مکمل عقل و حس تأکید دارد. معرفت‌شناسی وحیانی، دامنه معرفت‌ها را توسعه داده و شناخت بشر از جهان واقع را متحول و ارزش‌های بشری را دگرگون می‌کند (توکلی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). در رویکرد اسلامی به معرفت‌شناسی، حس به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت پذیرفته شده؛ اما کافی نیست و عقل گرچه جایگاه بالاتر نسبت به حس از جهت منبع شناخت بودن دارد؛ (مطهری، بی‌تا: ۶، ۲۶۰) ولی آن نیز اولاً مستقل نیست، بلکه باید در پرتو ارشادات وحی باشد و ثانیاً، برای درک تمامی مصالح و مفسدات کافی نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴، ۲۸).

۲-۲-۲. مبانی هستی‌شناسی

هستی‌شناسی اقتصاد اسلامی [به‌تبع آن مصرف]، توحیدی است. به این معنا که هستی، آفریننده‌ای دارد که در ذات، صفات و افعال خود یگانگی حقیقی دارد. تنها خداوند جهان را

آفریده و تنها او اداره آن را بر عهده دارد. نتیجه‌اش این می‌شود که هم اختیار وجود ما دست خداست و هم اختیار چگونگی زندگی کردن ما. فقط خدا یا واسطه‌های او، بر ما فرمان‌روایی می‌کند و ما هم فقط از او و واسطه‌هایش فرمان می‌بریم (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۵۸-۵۹). انسان، جانشین خداوند است و به همین جهت اجازه دارد در منابعی که نزد او امانت گذاشته شده، تصرف کند. لذا در نحوه تصرف آن، باید آن‌گونه که خداوند اجازه داده عمل کند (هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۸۴-۹۸).

در رویکرد توحیدی به عالم، انسان موجودی متشکل از عناصر مادی و غیرمادی است که هر دو رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی عناصر غیرمادی شدیدتر (توکلی، ۱۳۹۸: ۱۴۴). جسم انسان، مادی و روح او غیرمادی و مجرد است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۴۴۴-۴۴۷). برای انسانی با این ترکیب وجودی، سه نوع نیاز قابل تصور است: یک) نیازهای کاملاً مادی مانند نیاز به خوراک و... که جسم او را حفظ می‌کند. دو) نیازهای معنوی دنیوی مانند محبت، عشق، عاطفه، ایمنی و اطمینان، عزت نفس، نوع‌دوستی، آگاهی، تربیت و امثال این‌ها که بیشتر روحی و روانی و رفتاری است. سه) نیازهای معنوی اخروی مانند نیاز به کمال روح و آماده کردن او برای یک حیات سعادت‌مندانه در جهان جاودانه آخرت (هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۲۴۷-۲۴۹).

در رویکرد اسلامی، برآوردن نیازهای سه‌گانه کاملاً با هم مرتبط و رفع هر کدام از آن‌ها در رفع دیگری تأثیرگذار است. از این جهت، نقش مکمل را برای همدیگر بازی می‌کنند. به‌عنوان مثال، کار برای تأمین نیازهای اولیه جسمی مانند خوراک و پوشاک و مسکن، از یک‌سو زمینه آسایش را برای انسان و خانواده او فراهم کرده و باعث آرامش روانی می‌شود، از سوی دیگر، مجاهدت در راه خدا محسوب شده و به تکامل روحی انسان کمک می‌کند. این موضوع، وجود نگاه جمع‌گرایانه در انسان را تقویت می‌کند (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۱۱۲). به گفته شهید مطهری، این‌که انسان می‌خواهد به دیگران خیر برساند یا زیان را از آن‌ها دفع کند، انگیزه‌اش واقعاً دیگران است؛ اما در این میان خودش هم به کمال می‌رسد؛ زیرا کمال انسان در این است که از رسیدن دیگران به کمال لذت ببرد و از نرسیدن آنان به کمال، رنج ببرد (مطهری، ۷: ۳۸۰).



در رویکرد اسلامی نوعی عقلانیت وجود دارد که از آن به «عقلانیت تکامل یافته» تعبیر شده است (توکلی، ۱۳۹۸: ۱۴۵). در این نوع عقلانیت، انسان فقط به منافع شخصی خود نمی‌اندیشد، بلکه هم‌زمان به منافع جمع هم توجه دارد. عقلانیت تکامل یافته، در پرتو ایمان قوی حاصل می‌شود. به همین دلیل، شهید مطهری معتقد است که اگر ایمان نباشد، عقل نمی‌تواند انسان را فراتر از نفع شخصی رهنمون شود (مطهری، ج ۴: ۳۲۳).

بهترین روش رسیدن به فضیلت‌های جمعی، فضیلت‌های فردی است. فضیلت‌های فردی بدون باور به وجود خداوند به‌عنوان آفریننده و اداره‌کننده هستی، خلافت و جانشینی انسان از او، امانت‌دار و مسئول بودن انسان در برابر نعمت‌های خداوند و آفریده شدن انسان برای زندگی در جهان آخرت و ابزار بودن زندگی دنیا برای داشتن آخرت بهتر، حاصل نمی‌شود.

تنها بازدارندگی که برای انسان مادی قابل تصور است، این است که او حفظ منافع خود را در رعایت منافع دیگران ببیند و این‌که اگر منافع دیگران را به‌خطر بیندازد، دیگران هم منافع او را به‌خطر می‌اندازند. چنین توجیهی از نظر شهید مطهری در فرض تساوی قدرت‌ها کارساز است و تا زمانی برای یک انسان مادی قابل قبول و رعایت است که خود را ضعیف‌تر از دیگران یا همسان با آن‌ها احساس کند؛ اما همین‌که خود را قوی‌تر از آنان یافت، دیگر دلیلی برای رعایت حقوق دیگران نمی‌بیند (همان، ۲۲: ۵۰۰-۵۰۳).

این در حالی است که انسان معتقد به خداوند، همواره خود را در محضر پروردگار یافته و ذات حق را ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌داند. او باور دارد که اگر مصالح دیگران را به‌خطر بیندازد، با غضب خداوند مواجه می‌شود و اگر به آنان در تأمین مصالح‌شان کمک کند، با رحمت الهی روبرو می‌شود. بنابراین در هستی‌شناسی توحیدی، همه چیز تحت تأثیر اراده تکوینی و تشریعی خداوند به‌عنوان آفریننده و تدبیرکننده هستی قرار دارد؛ چیزی به‌نام قوانین طبیعت، دست نامرئی و تعادل خودکار وجود ندارد. آن‌چه به نظم منتهی می‌شود، همکاری انسان‌ها در هرچه بهتر ادا کردن وظایف انسانی است که از سوی خداوند تعیین شده است. انسان در جایگاه جانشینی خداوند و امانت‌دار او در منابع و امکانات، وظیفه دارد در راستای رضایت الهی و به‌منظور پرورش و کمال روح خود با هدف زندگی

سعادت‌مندانه در جهان دیگر به‌گونه‌ای عمل کند که تعادل برقرار شود. لازمه چنین رفتاری در همه عرصه‌ها از جمله فعالیت‌های اقتصادی این است که انسان صرفاً به منافع مادی و سود نیندیشد، بلکه معیارهای اخلاقی برای او مهم‌تر از سود مادی باشد.

۲_۲_۳. مبانی ارزش‌شناسی

منظور از مبانی ارزش‌شناسی مصرف، ارزش‌هایی است که از نظر اسلام ارزش تلقی می‌شود. «براساس معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی توحیدی، آنچه ارزش تلقی می‌شود، توسعه زندگی تا رسیدن به «حیات طیبه» است»؛ (رجایی، ۱۳۸۶: ۴۷-۵۰) حیاتی که از طریق عمل صالح همراه با ایمان به‌دست می‌آید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَثْنَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). تقسیم حیات به طیبه و غیرطیبه، حکایت از ارزش بودن یکی و ضد ارزش بودن دیگری دارد.

«حیات طیبه» همان توسعه به مفهوم اسلامی است؛ زیرا حکایت از نوعی زندگی انسانی دارد که به‌دور از آلودگی‌ها، ستم‌ها، خیانت‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، انواع نگرانی‌ها و هر چیزی است که زندگی را برای انسان سخت و در کام او ناگوار می‌سازد (همان: ۵۰). در مقابل، برخوردار از همه آن چیزهایی است که قابلیت‌ها و استعدادهای انسان را شکوفا و زندگی را برای او شیرین، گوارا و از هر نظر مطلوب می‌سازند. از نظر علامه طباطبایی، «حیات طیبه» به‌معنای پاک شدن همین زندگی عمومی نیست، بلکه مرتبه جدید و خاصی از زندگی است که خداوند برای تکریم انسان مؤمن در نظر گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲، ۳۴۱-۳۴۳).

در ارزش‌شناسی نظام توحیدی، یک ارزش اصلی وجود دارد و آن نزدیک شدن انسان به خداوند است. سایر ارزش‌ها جنبه ابزاری برای رسیدن به ارزش اصلی را دارد. در مسیر ارزش‌ها، آن‌هایی که انسان را زودتر به ارزش اصلی می‌رساند، اهمیت بیشتر دارد؛ مانند عدالت، انصاف، مواسات و همیاری. ارزش‌هایی مانند رفاه و سود مادی، در رتبه‌های بعدی و نازل قرار دارد. توجه به این نحو از ارزش‌گذاری، باعث بروز رفتارهای هدف‌مند و پذیرش قواعد و چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی توصیه‌شده از جانب شرع می‌شود.



۲-۲-۴. مبانی فقهی

منظور از مبانی فقهی دیدگاه‌ها و قواعد فقهی برخاسته از متون دینی هستند که اولاً دایره مصرف (حلال، حرام، مستحب، مکروه و مباح) را مشخص می‌کند، ثانیاً مصرف را جهت می‌دهد.

۲-۲-۵. مبانی تولیدی

در حوزه مبانی تولیدی اهدافی چند هدف‌گذاری شده است:

الف. تولید کالاها و خدمات حلال و طیب: حلال و طیب قیودی است که مستقیماً جسم و روح انسان‌ها را متأثر ساخته و آثار دنیوی و اخروی و نیز فردی و اجتماعی آشکار و پنهانی را در پی دارد. این هدف را می‌توان از قاعده «عدم اکل مال به باطل» استخراج کرد در یک کشور اسلامی تولید شراب، آلات قمار و موسیقی حرام بوده بنابر این صنعت آن هم دایر نخواهد شد.

ب. استقلال: اصل اولی در اسلام، استقلال است. آنچه استقلال را فراهم می‌کند، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف است. این استقلال در قالب دو اصطلاح «خوداتکایی» و «خودکفایی» تبلور می‌یابد.

ج. خوداتکایی: یعنی اینکه باید عوامل اساسی تولید تا جایی که ممکن است در داخل فراهم شود.

د. خودکفایی: یعنی باید کالاهای اساسی که نیازهای اساسی جامعه را تأمین می‌کند در داخل تولید گردد.

۲-۲-۶. مبانی تجاری

از آنجا که بخش زیادی از مصارف به کالاهایی بستگی دارد که در کشورهای دیگر تولید می‌شود و از طریق تجارت در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد، بحث از تجارت تحت عنوان مبانی تجارت اهمیت ویژه پیدا می‌کند. «یکی از قواعد فقهی که می‌توان از آن وجوب تجارت بین الملل و حتی توسعه آن را به عنوان حکم ثانوی برداشت کرد، قاعده «نفی سبیل» است» (طباطبایی، ۱۴۲۳: ۱۴۰-۱۴۳). فقها این قاعده را از آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، (نساء: ۱۴۱) استخراج و از آن در موارد متعددی که

یک طرف معامله کفار بوده‌اند، استفاده کرده‌اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵: ۲۴۹-۲۵۰). یکی از مواردی که از این آیه شریفه استفاده شده، در بحث استقلال اقتصادی جوامع اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۱، ۲۱۰). در پیوند تجارت خارجی با استقلال اقتصادی، دو گزینه قطع کامل رابطه تجاری یا تجارت با حفظ استقلال وجود دارد؛ بستگی به این دارد که مصلحت جامعه اسلامی کدام یک را اقتضا می‌کند (سبحانی، ۱۴۲۸: ۴۸، ۱۶۱-۱۷۲). با توجه به این‌که در زمان ما قطع کامل تجارت امکان عملی ندارد، یک گزینه بیشتر باقی نمی‌ماند و آن تجارت با حفظ استقلال اقتصادی کشور اسلامی است.

۳. انواع الگوی مصرف

دو نوع الگو از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی برای جهت‌دهی مصارف خانوار وجود دارد:

۳-۱. الگوی مصرف بهینه از دیدگاه اقتصاد متعارف (هموارسازی مصرف)

مدل‌های مصرف بهینه مطرح‌شده در اقتصاد سرمایه‌داری همانند نظریات مصرف مادیگلیانی، درآمد دایمی میلتن فریدمن، مدل افق نامحدود بارو - رمزی و مدل همپوش نسلی دیاموند - ساموئلسون حاوی پدیده هموارسازی مصرف در طول زندگی یک مصرف‌کننده در حوزه اقتصاد سرمایه‌داری است این الگو زندگی یک انسان اقتصادی را در دو دوره تقسیم می‌کند دوره‌ای که کار می‌کند و دوران پیری که درآمد چندانی ندارد و صرفاً مصرف‌کننده است تدبیری که باید بیاندیشد این است که بخشی از درآمد دوران کارش را مصرف کند و بخشی را از طریق پس‌انداز به مصرف دوران پیری که از کار می‌افتد، انتقال دهد به گونه‌ای که هم مصرفش ثابت بماند و هم سطح رفاه و لذتش تغییر نکند.

در اینکه افراد به دنبال حداکثرسازی مطلوبیتشان از مصرف هستند شکی وجود ندارد؛ اما اینکه واقعاً همه افراد از مصرف، هموارسازی را تعقیب می‌کنند و یا می‌توانند مصارف‌شان را هموار کنند، حتی از سوی برخی از نویسندگان غربی هم مورد تردید است. منکیو در مقاله‌ای؛ نظریه هموارسازی مصرف را چنین مورد انتقاد قرار داده است: «هموارسازی مصرف دور از کمال است؛ به‌ویژه که مصرف‌کننده نه تنها آهنگ درآمد



فعلی را حفظ کرده؛ که به مراتب بیشتر از آن را مصرف می‌کند. بسیاری از خانوارها برای هموارسازی مصرف، امکانات مالی ندارند. درحالی که بسیاری از افراد تقریباً هیچ ثروتی ندارند؛ تعداد کمی، ثروت زیادی دارند. برخی خانوارها انگیزه‌ای فراتر از هموارسازی دارند» (منکیو، ۲۰۰۰).

علاوه براین می‌توان با ذکر موارد زیر انتقادات را تکمیل کرد:

۱. به نظر نمی‌رسد همه افراد، در مصرف‌شان هموار سازی را دنبال کنند.
۲. بر فرض پذیرش هموارسازی در مصرف؛ می‌توان افراد را از حیث هدف هموارسازی به سه دسته تقسیم کرد:
دسته اول؛ افرادی هستند که مصرفی بیش از درآمدشان دارند که در این صورت نمی‌توانند هموارسازی کنند.
دسته دوم؛ درآمدی به اندازه مصرف روزمره‌شان، دارند که چیزی از آن نمی‌ماند؛ تا در پیری مصرف کنند.

دسته سوم؛ این دسته از افراد به درجات مختلف؛ درآمدی بیش از مصرف حال‌شان دارند که نه تنها می‌توانند مازاد بر مصرف حال را پس انداز کرده و هر مقداری از آن را در دوران پیری مصرف کنند که حتی می‌توانند بخشی از آن را برای آیندگان به ارث بگذارند.
دسته سوم؛ خود به دسته‌های ذیل تقسیم‌پذیر است:
کسانی هستند که ممکن است پس اندازشان در حدی نباشد که بتواند مصرف‌شان را در حد اعتدال هموار کند.

کسان دیگری هستند که می‌توانند فقط مصرف خودشان را در حد نرمال هموار کنند.
افرادی نیز هستند که نه تنها مصرف‌شان را در حد فراتر از نرمال هموار می‌کنند؛ که از طریق مساعدت دیگران و یا ارث در هموارسازی مصرف دیگران نیز یاری می‌رسانند.
۳. ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی در جهت تجمل‌گرایی، نیز مانع از هموارسازی مصرف می‌شود.

۴. برخی از مصارف بر اساس لودگی صورت می‌گیرد مثل؛ عمل بینی، سوراخ کردن لب‌ها، تزریقات خطرناک در لب‌ها توسط زنان و دختران، موتورسواری و ویراج‌های



خطرآفرین ماشین‌های چشم‌نواز در بین جوانان با شعار بی‌منطق تخلیه غرور جوانی.
۵. بخشی از مصارف براساس عاداتی صورت می‌گیرد که اقتصاد متعارف به‌صورت فرهنگ درآورده‌است مثل عادت‌دادن ذائقه کودکان و خانواده‌ها به انواع خوراکی‌های صنعتی و غذاهای بازاری که سطح درآمد را برای پس‌انداز و هموارسازی کاهش می‌دهد. با وجود این ایرادات از حق نباید گذشت که این الگو الگوی خوبی است و می‌تواند راهنمای خوبی در تصمیم‌گیری و جهت‌دهی مصرف‌کننده در تنظیم درآمد و مصرفش هست.

۳_۲. الگوی بهینه مصرف از منظر اقتصاد اسلامی (مصرف در حد کفاف)

۱_۲_۳. رویکردالگو

ساختار وجودی انسان در معارف اسلام دارای جسم و روح بوده که بخشی از زندگی او در دنیا و بخش جاودان آن در آخرت سپری می‌شود. به همین دلیل الگوی مصرفی تعریف شده از ناحیه اسلام، دارای دو رویکرد دنیوی و اخروی است. در این رویکرد دنیا مقدمه آخرت است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «دنیا کشت‌زار آخرت است». (ابن ابی‌جمهور، بی‌تا: ۱، ۲۶۷)

۲_۲_۳. اهداف الگو

الگوی مصرف اسلامی اهدافی چند را تعقیب می‌کند:

- اول: مؤمن بخشی از مصارف خود را در جهت سلامتی جسم و جان و رشد علمی و فرهنگی خود و خانواده‌اش اختصاص می‌دهد تا بتواند از زندگی سالم لذت ببرد؛
- دوم: مسلمان خود را مسئول رفاه خانواده و نسل خود می‌داند؛ به همین دلیل بخشی از درآمد خود را برای فرزندان خود به ارث می‌گذارد.
- سوم: مسلمان، بخشی از درآمد خود را برای جلب رضایت خداوند و رسیدن به قرب الهی و بر خورداری از حیات طیبه اختصاص می‌دهد.
- امام سجاد(ع) از خداوند می‌خواهد: «پرودگارا من از تو حسن معیشتی طلب دارم که توسط آن تمام نیازهایم را برآورم و به وسیله آن به حیات اخروی دست یابم» (کلینی، بی‌تا: ۲، ۵۵۳).



قرآن کریم نیز می‌فرماید: «شما همه آن طیباتی را که باید امروز از آن لذت ببرید، در زندگی دنیا بهره‌برداری کردید و از بین بردید» (احقاق: ۳۰).

امام سجاده^(ع) می‌فرماید: «انسان باید با میانه‌روی و تا حد کفایت، هزینه نماید و مازاد مالش را برای آخرتش پیش بفرستد» (کلینی، بی‌تا: ۳، ۵۶۰).

قرآن کریم می‌فرماید: «هر مرد و زن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، داخل بهشت می‌شود و در آنجا بی‌حساب روزی می‌خورند» (غافر: ۴۰) «و در آنجا آنچه دیدگان را خوش‌آید، وجود دارد و شما در آنجا جاودان هستید و این همان بهشتی است که به آنچه می‌کردید، میراث یافتید» (زخرف: ۷۱ و ۷۲).

پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «پروردگارا در نان برکت بده و بین ما و بین نان فاصله میانداز اگر نان نباشد نمی‌توانیم نماز بخوانیم و نمی‌توانیم روزه بگیریم و نمی‌توانیم فرائض پروردگارمان را انجام بدهیم» (کلینی، بی‌تا: ۲، ۳۰۷).

۳_۲_۳. اصول الگو

در اسلام، انسان آزادی مطلق ندارد که از هر طریق درآمد کسب کند و به هر صورت که بخواهد مصرف کند، بلکه کسب درآمد، شرایط و اصولی به‌قرار ذیل دارد که هر فرد مسلمان به رعایت آن موظف است:

الف. اصل تدبیر: یکی از عناصر مهم مدیریت در زندگی خصوصی و توسعه رفاه، مدیریت درآمد و مصرف است که به معنای هماهنگی بین درآمد و مصرف است که اسلام نیز بر آن تأکید دارد. پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «مدیریت صحیح نیمی از زندگی است» (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۰۳؛ موفق، ۱۳۹۲: ۱۰۳). امام علی^(ع) فرمود: «تقدیر و اندازه‌گیری نیمی از وسیله زندگی است» (ایروانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹). امام صادق^(ع) فرمود: «مؤمن، زندگی خود را خوب اداره می‌کند» (موفق، ۱۳۹۲: ۱۰۳). همچنین فرمود: «مدارا در اندازه‌گیری زندگی از مال فراوان و درآمد بیشتر، بهتر است» (عاملی، ۱۴۲۹: ۱۵، ۲۷۰). همچنین فرمود: «دوست دارم خداوند مرا این گونه ببیند که تقدیر معیشت را به‌خوبی انجام داده‌ام» (کلینی، بی‌تا: ۵، ۱۶۶).

ب. اصل نوع‌دوستی و اتفاق: در جهان‌بینی اسلامی انسان‌ها علاوه بر نیروی ایمان، با

داشتن روحیه نوع دوستی می‌تواند با بخشش اموال خود در راه خدا، نیازمندی‌های فقرا را برطرف کند.

ج. اصل عدم اسراف و تبذیر: مصرف‌کننده مسلمان، اموال را هدایا و امانت الهی در دست خود می‌داند؛ به همین دلیل بیهوده مصرف نمی‌کند. امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرماید: «اسراف زیان‌بار و نابودکننده اموال است» (عاملی، ۱۴۲۹: ۲۱، ۵۴۲).

د. اصل حلال‌خواری و طیب: حلال‌خواری و اجتناب از حرام در صدر آموزه‌های عملی دین قرار دارد. منظور از حرام مالی است که شرع، خوردن آن را تحریم کرده باشد؛ مثل شراب و گوشت خوک. یا از راه غیر مشروع به دست آمده باشد؛ مثل مالی که از راه ربا، رشوه، سرقت، خیانت و امثال آن به دست آمده باشد. رواج حرام‌خواری در یک جامعه، سیستم مصرف را دچار آشفته‌گی می‌کند؛ زیرا عوارضی مثل تورم، فقر، بیکاری، ناامنی و بی‌اعتمادی به همراه دارد» (موفق، همان: ۹۲). قرآن کریم می‌فرماید: «و از آنچه خداوند روزی شما کرده، حلال و پاکیزه بخورید و از خداوند پروا کنید» (مانده: ۸۸). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را شکر کنید» (بقره: ۱۷۲). «ای پیامبران! از طیبات بخورید و عمل صالح انجام دهید» (مؤمنون: ۵۱).

ه. اصل مسئولیت‌پذیری نسبت به خانواده و جامعه: از نظر اسلام نه تنها نفقه افراد خانواده و پدر و مادر ناتوان بر انسان واجب است، بلکه مسلمان نسبت به تأمین دیگران هم مسئولیت دارد. همین‌طور خود نسبت به استفاده بهینه از اموال و منابع نیز مسئول می‌داند. طبق سفارش قرآن کریم، نیازمندان در اموال اغنیا دارای حقوق معینی (خمس و زکات) است که باید آن را بپردازد و گرنه تصرف در مال غیر است؛ زیرا مالکیت خمس و زکات با فقر است نه ثروتمندان «در اموال‌شان (اغنیا) حق معلوم برای سائل و محروم است» (الذاریات: ۱۹). «از میوه آن چون ثمر داده بخورید و حق بی‌نویان را روز بهره‌برداری بدهید» (انعام: ۱۴۱). «حق خویشان و مسکینان و در راه‌ماندگان را بپرداز و هیچ ولخرجی مکن. همانا ولخرجان برادر شیاطین‌اند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود» (اسراء: ۲۶ و ۲۷).



و. اصل اعتدال و میانه‌روی: اصل اعتدال، مکرر و با تعابیر گوناگونی چون اقتصاد، قصد، قوام و... در آیات و روایات مورد تأکید است. قرآن کریم می‌فرماید: «و دستت را در گردنت زنجیر مکن (خست مورز) و خیلی گشاده‌دستی هم مکن تا ملامت شوی و حسرت زده بر جای مانی» (اسراء: ۲۹). «و کسانی که هرگاه انفاق کنند نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه بین این دو حد اعتدالی دارند» (فرقان: ۶۷). پیامبر^(ص) فرمودند: «هرکس در زندگی میانه‌روی کند، خداوند روزی‌اش می‌دهد و هرکس اسراف کند، محروم می‌کند» (کلینی، بی‌تا: ۴، ۵۴). امام علی^(ع) می‌فرماید: «هرکس در حال فقر و غنا میانه‌روی کند، برای مشکلات روزگار آمادگی پیدا می‌کند» (کلینی، بی‌تا: ۴، ۵۴) ز. اصل قناعت‌ورزی: پیامبر^(ص) می‌فرماید: «بهترین مؤمنان افراد قناعت‌پیشه و بدترین آن‌ها طمع‌ورزان هستند» (سیوطی، بی‌تا: ۱، ۶۱۴؛ ایروانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). «از صفات مؤمن آن است که کم‌هزینه و بسیار یاری‌رسان است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۴، ۳۱۱). امام صادق^(ع) فرمود: «مؤمن نیک‌یاور و کم‌هزینه است. امور زندگی‌اش را به نیکی تدبیر می‌کند و از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود» (کلینی، بی‌تا: ۲، ۲۴۱). امام رضا^(ع): «قناعت با حفظ شخصیت و ارزشمندی جایگاه (شأن) و رها کردن هزینه‌های قزون‌طلبی همراه است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۳۴۹).

ح. اصل عدالت و انصاف: از دیدگاه اسلام، ظلم به دیگران ممنوع است. در حوزه اقتصاد، صاحب‌کار باید حقوق کارگران را رعایت کند از قبیل تعیین دستمزد و پرداخت بیش از دستمزد و رعایت توان بدنی. رعایت وجدان‌کاری، امانت‌داری و مراقبت از امکانات از سوی کارگر یک مسئولیت شرعی و انسانی است. در عرصه معاملات، رعایت کیفیت، مقدار و قیمت کالا و... را بکند و در حوزه مصرف، اسراف و تبذیر علاوه بر اتلاف مال و ظلم به آیندگان، ظلم به خداوند کریم است. بیکاری و تبلی و سربرار دیگران بودن ظلم به خانواده و جامعه است. امام علی^(ع) فرمودند: «هرکس سربرار دیگران باشد ملعون است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۳_۲_۴. مصرف در حد کفاف

معارف مذکور حکایت از آن دارد که اسلام، مصرف بهینه را «مصرف در حد کفاف»

تعریف می‌کند. به عنوان مثال، پیامبر^(ص) می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که روزی اش به اندازه کفاف باشد» (سیوطی، بی تا: ۱، ۶۷). امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: «در دنیا بیش از اندازه کفاف نجوید» (نهج البلاغه، حکمت ۸۵).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که «حد کفاف» چه میزانی از مصرف را شامل می‌شود. برای یافتن پاسخ، می‌توان با کنار هم قرار دادن روایات مختلف، به این نتیجه رسید که مصرف در حد کفاف به معنای تأمین نیازها در میانه دو حد افراط و تفریط است؛ یعنی جایی میان کف رفاه و سقف رفاه. حد پایین آن، تأمین کلیه نیازهای فرد و خانواده به صورت عرفی و متناسب با شأن اجتماعی آنان است. به بیان دیگر، اگر مصرف نتواند تمام نیازهای اساسی را در سطحی متعادل (کف رفاه) پوشش دهد، به تفریط منتهی می‌شود و می‌تواند آسیب‌زا باشد. همان‌طور که آمده است: «هرگاه مصرف کالایی برای رفع نیازی از نیازهای انسان کافی نباشد، تفریط محسوب می‌شود و اگر از حد نیاز فراتر رود، به اسراف و اتراف منجر خواهد شد. بنابراین، مصرف در حد نیاز معیار میانه‌روی و اعتدال است» (ایروانی، ۱۳۹۱، ۹۴).

روایات ذیل به حد پایین مصرف بهینه اشاره دارد. امام باقر^(ع) از پیشگاه پروردگار چنین درخواست می‌کند: «پروردگارا مرا رزق حلال کافی عنایت کن» (کلینی، بی تا: ۲، ۵۵۳). امام سجاد^(ع) نیز چنین دعا می‌کند: «پروردگارا من از تو حسن معیشتی طلب دارم که توسط آن تمام نیازهایم را برآورم و به وسیله آن به حیات اخروی دست یابم» (کلینی، بی تا: ۲، ۵۵۳).

اما حد بالای «کفاف» شامل تأمین نیازهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی فرد و خانواده است. به این معنا که سطح مصرف باید به گونه‌ای باشد که، از یک سو، کالاها و خدماتی را شامل شود که بتواند نیازهای مادی و رفاهی را در بالاترین سطح ممکن و با بیشترین امنیت برطرف کند؛ به طوری که بهره‌مندی از فناوری‌های پیشرفته روز نیز ممکن باشد.

از سوی دیگر، این سطح از مصرف باید توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی را نیز داشته باشد؛ به ویژه از طریق کمک به نیازمندان، صرف بخشی از درآمد در راه خدا، و مشارکت



در تأمین منافع عمومی. این بُعد از مصرف، نمایان‌گر «سقف رفاه» است که در آن، انسان نه تنها به رفاه شخصی دست می‌یابد، بلکه دیگران را نیز در آن شریک می‌کند. چنان‌که امام سجاد^(ع) می‌فرماید: «خوشنودترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده‌اش را بیش از دیگران در رفاه قرار دهد» (کلینی، بی‌تا: ۴، ۱۱). همچنین می‌فرماید: «سزاوارست مرد در زندگی خانواده‌اش گشایش دهد تا مرگ او را آرزو نکند» (همان).

ابن تیمیه می‌نویسد: «فردی که مسئول پرداخت هزینه دیگران است، مثل شوهر برای همسر یا فردی که به تصریح قانون مسئولیت برآوردن نیازهای بستگان نزدیک خود را دارد، حق ندارد کالای بی‌کیفیت را به بهانه اینکه قیمت‌ها در سطح بالایی است، خریداری نماید» (غزالی، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

امام صادق^(ع) در پاسخ به پرسشی درباره پرداخت زکات به فقیر فرمودند: «آری، باید از زکات به فقیر بدهد تا بخورد، بنوشد، ازدواج کند، صدقه دهد و حج گزارد» (کلینی، بی‌تا: ۳، ۵۵۶). این روایت نشان می‌دهد که جامعه اسلامی نباید نسبت به وضعیت مصرف و نیازهای دیگران بی‌تفاوت باشد، بلکه وظیفه دارد تمامی نیازهای فقرا را تا حد رفاه تأمین کند؛ به طوری که مصرف فقرا جزئی از مصرف کلی مسلمانان محسوب می‌شود. در همین راستا، سماعه نقل می‌کند که از امام صادق^(ع) پرسیدم: «آیا کسی که خانه و خادم دارد می‌تواند زکات دریافت کند؟ حضرت فرمودند: آری» (همان، ۵۶۱). همچنین امیر مؤمنان^(ع) می‌فرماید: «بهترین کارها حفظ آبرو با مال است» (کلینی، بی‌تا: ۲، ۱۲۳) که این بیانگر اهمیت تأمین آبرومندانه معیشت نیازمندان است. البته مرز بالایی مصرف جایی است که از حد کفاف عبور کرده و به افراط می‌انجامد؛ به گونه‌ای که اگر مصرف فراتر از نیاز شود، منجر به تبذیر، آسیب به بدن، یا تلف مال گردد. چنان‌که امام علی^(ع) می‌فرماید: «مازاد بر کفاف، اسراف است» (موفق، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «هر کس از دنیا بیش از مقدار کفایت خود بگیرد، نابودی خویش را به دست آورده است، درحالی که خود از آن بی‌خبر است» (صادق و غزالی، ۱۳۸۵: ۴۹۰). همچنین، امام باقر^(ع) در دعایی می‌گوید: «پروردگارا! به من روزی حلالی عطا کن که مرا کفایت کند، و روزی ای مده که مرا طغیان‌گر سازد» (طوسی، ۱۴۰۴: ۳،

۷۷). امام صادق^(ع) نیز از دعای علی بن الحسین^(ع) چنین نقل می‌کند: «پروردگارا! از تو زندگی شایسته‌ای می‌خواهم که با آن بتوانم تمام نیازهایم را برآورده سازم و از طریق آن به حیات اخروی دست یابم، بی آنکه در دام دنیا گرفتار شوم و به طغیان کشیده شوم» (کلینی، بی تا: ۲، ۵۵۳).

در همین راستا، امام صادق^(ع) مرز میان مصرف صحیح و انحراف از آن را به روشنی تبیین می‌کند. ایشان می‌فرماید: «در مصرف چیزی که برای بدن مفید است، اسراف وجود ندارد، بلکه اسراف، مصرفی است که مال را تباه سازد و به بدن ضرر برساند». راوی می‌پرسد: سخت‌گیری در مصرف چیست؟ امام پاسخ می‌دهند: «خوردن نان و نمک، در حالی که توان مصرف غذاهای بهتر را داری». سپس می‌پرسد: میانه‌روی چیست؟ حضرت می‌فرمایند: «گاهی نان و گوشت، گاهی شیر و سرکه؛ تنوع در حد تعادل» (کلینی، بی تا: ۴، ۵۳). این سخنان نشان می‌دهد که افراط و تفریط، هر دو نکوهیده است و راه درست، اعتدال در مصرف است.

در نهایت، باید توجه داشت که از منظر اسلامی، میزان و کیفیت مصرف تنها به نیازهای مادی محدود نمی‌شود، بلکه شأن اجتماعی فرد، شرایط زمانی و مکانی، و عرف نیز در آن نقش دارند. به تعبیر یکی از فقها، هزینه‌های متناسب با شأن فرد از جمله خانه مناسب، نیازهای همسر، ظروف و وسایل ضروری، خدمت‌کار، مرکب، لباس، فرش، هدایا و حتی اسب و کنیز جزو «مئونه» محسوب می‌شوند و مشروع‌اند» (ایروانی، ۱۳۹۱: ۵۶؛ کاشف‌الغطاء، بی تا: ۲، ۳۶۲).

ممکن است سه تا ایراد به این الگو گرفت: اول اینکه تعیین کف و سقف رفاه کاری بس دشواری است. دوم اینکه ممکن است این الگو اقتصاد را تبیل کند چون نوعی قناعت‌پیشگی در درون آن نهفته است. سوم اینکه عملیاتی کردن الگو کاری دشوار است.

در پاسخ باید گفت که این مصرف‌کننده است که می‌تواند با در نظر داشت درآمد و نیازهایش الگو را به کار ببندد و مهم‌ترین هدف الگو رفاه فردی و اجتماعی است که تأثیرات مثبتی بر اقتصاد دارد.



۳-۳. الگوی هموارسازی مصرف در حد کفاف

می‌توان از ترکیب هردو الگو، به الگوی سومی پرداخت موسوم به «هموارسازی مصرف در حد کفاف». بر اساس این الگو مصرف‌کننده می‌تواند در طول عمر، مصرفش را با در نظر گرفتن درآمدش در حد کفاف؛ یعنی بین کف رفاه و سقف رفاه تنظیم کند تا از رفاه و لذت کافی برخوردار باشد.

نتیجه‌گیری

اندیشه‌اندیشه‌ای که در نظریه و عمل توانسته در برابر نظام سرمایه‌داری ایستادگی کند، نظام اقتصادی اسلام است. نظام اقتصاد سرمایه‌داری، از جمله نظریه مصرف آن، با تأثیرپذیری از نگرش مادی‌گرایانه، فراتر از قلمرو مادیات گامی برنداشته است. اگرچه این نظام در توسعه صنعتی و رفاه مادی موفقیت‌هایی به‌دست آورده، اما این رفاه غالباً لذت‌آفرین، متورم و همراه با هزینه‌های جانبی سنگین برای جوامع انسانی بوده است. نظامی که در آن، مرزهای اخلاقی، فرهنگی و انسانی کمتر مورد احترام قرار گرفته و در بسیاری از موارد، با راه‌اندازی جنگ‌ها، ایجاد نیازهای کاذب و بازارهای مصنوعی، به فروش محصولات خود در کشورهای مختلف پرداخته و اراده افراد اعم از زن و مرد، کودک و بزرگسال را در بند خواسته‌های مصرفی خود گرفتار کرده است.

مقاله حاضر با هدف مقایسه دو الگوی مصرف در نظام‌های اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری تنظیم شده و به نتایج مهمی دست یافته است. بر اساس یافته‌ها، نظریه مصرف در اقتصاد متعارف مبتنی بر معرفت‌شناسی حس‌گرایانه، هستی‌شناسی طبیعت‌گرا و ارزش‌شناسی لذت‌جویانه است؛ در حالی که نظریه مصرف در اقتصاد اسلامی بر معرفت‌شناسی و حیانی، هستی‌شناسی توحیدی و ارزش‌شناسی آخرت‌محور استوار بوده و ریشه در احکام و قواعد فقهی دارد. هدف اقتصاد سرمایه‌داری از مصرف، دستیابی به رفاه مادی و لذت‌پایدار در طول زندگی انسان است، اما در اقتصاد اسلامی، مصرف وسیله‌ای برای رسیدن به حیات طیبه، قرب الهی و بهره‌مندی از لذت‌های ماندگار دنیوی و اخروی به شمار می‌رود. از این منظر، مصرف اسلامی نگاهی توأمان به جسم و روح انسان دارد و



مصرف دنیوی را مقدمه‌ای برای رشد معنوی و رسیدن به سعادت آخرت می‌داند. در این میان، الگوی مصرف در اقتصاد سرمایه‌داری «هموارسازی مصرف در طول عمر مصرف‌کننده» را توصیه می‌کند، در حالی که الگوی مصرف اسلامی بر «مصرف در حد کفاف» تأکید دارد. اگرچه هر یک از این دو الگو به تنهایی قابل توجه‌اند، اما چالش اصلی در عملیاتی کردن آن‌ها برای مصرف‌کننده است، زیرا تحقق آن نیازمند شناخت دقیق از درآمد، نیازها و ترجیحات فردی است. بر این اساس، می‌توان با ترکیب این دو رویکرد، به الگویی جامع‌تر دست یافت که تحت عنوان «الگوی هموارسازی مصرف در حد کفاف» مطرح می‌شود؛ الگویی که ضمن حفظ تعادل و میانه‌روی، امکان برنامه‌ریزی پایدار و مسئولانه در مصرف را فراهم می‌آورد و می‌تواند به عنوان راهکار عملی در زندگی فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن سینا، ابوعلی، (۱۳۷۵)، *الاشارات والتنبیها*، قم: نشر البلاغه.
۲. استاذزاده، علی حسین، (۱۳۹۱)، *بررسی مصرف بین دوره‌ای با رویکرد اقتصاد اسلامی*، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال اول، شماره اول.
۳. انصاری، محمدجعفر و دیگران، (۱۳۹۳)، *درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، تهران: نشر سمت.
۴. انوری، حسن و همکاران، (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، جلد هفتم.
۵. ایروانی، جواد و همکاران، (۱۳۹۱)، *مصرف صحیح از نگاه اسلام*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۶. براین مگی، (۱۳۹۴)، *سرگذشت فلسفه*، (ترجمه: حسن کامشاد)، تهران: نشر نی.
۷. بیات، عبدالرسول و همکاران، (۱۳۸۱)، *فرهنگ واژه‌ها (درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر)*، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۸. توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۸)، *شاخص تجارت خارجی با رویکرد اسلامی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۸)، *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حرانی، حسن ابن علی بن شعبه، (۱۴۰۴)، *تحف العقول عن آل الرسول*، (تحقیق: علی اکبر غفاری)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۱. حسینی، سیدرضا، میرمعزی سیدحسین، کریمی، علی اکبر، (۱۳۹۹)، *ناسازگاری قواعد الگوی مصرف فرد مسلمان*، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، سال بیستم، شماره ۷۷.
۱۲. دادگر، یدالله، (۱۳۸۴)، *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*، تهران: نشر نی.





۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۴)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.
۱۴. رجایی، سید محمدکاظم، (۱۳۸۶)، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵. رفیعی، حمید، (۱۳۸۸)، تأثیر مدیریت اقتصاد خانواده بر الگوی مصرف، فصلنامه فرهنگی-دفاعی زبان و خانواده، سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۶. سیزده تن از اندیشمندان مسلمان (۱۳۷۵) مباحثی در اقتصاد خرد نگرش اسلامی، (مترجم: حسین صادقی)، تهران: نشر یاران.
۱۷. سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۴۲۵)، مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهية الأساسية، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، الدر المنثور، بی جا: بی نا.
۱۹. شارل ژید و شارل ریست، (۱۳۴۷)، تاریخ عقاید اقتصادی، (ترجمه: کریم سنجابی)، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. صادق، ابوالحسن؛ عیدت، غزالی، (۱۳۸۵)، عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، (ترجمه: احمد شعبانی)، تهران: دانشگاه امام صادق.
۲۱. طباطبایی قمی، سید تقی، (۱۴۲۳)، الأنوار البهية فی القواعد الفقهية، قم: انتشارات محلاتی.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۳. طبیبیان، محمد، (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان، تهران: نشر بازتاب.
۲۴. طوسی، محمد ابن حسن، (۱۴۰۴)، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۵. عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین، (۱۴۲۹)، جامع عباسی و



تکمیل آن، قم: دفتر انتشارات اسلامی. عمید زنجانی، عباس علی، (۱۴۲۱)، فقه سیاسی، تهران: امیر کبیر.

۲۶. قدیری اصل، باقر، (۱۳۷۹)، کلیات علم اقتصاد، بی جا: نشر سپهر.

۲۷. کاشف الغطا، جعفر، (بی تا)، کشف الغطا، بی جا: بی نا.

۲۸. کلینی، محمد ابن یعقوب، (بی تا)، الکافی، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۹. لیدا کاکیا، (۱۳۸۸)، نگرشی بر اقتصاد خانواده از منظر اسلام، تهران: ورا دانش.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۳)، معارف قرآن ۱-۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۲. مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار، ج ۴ و ۶ و ۷ و ۲۲، تهران: صدرا.

۳۳. موفق، علی رضا، (۱۳۹۲)، اصلاح الگوی مصرف از منظر اخلاقی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۴. میرمعزی، سید حسین، (۱۳۸۴)، الگوی مصرف کلان در جامعه اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال پنجم.

۳۵. هادوی نیا، علی اصغر، (۱۳۸۷)، فلسفه اقتصاد در پرتو جهان بینی قرآن کریم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.

36. Harvard University. N. Gregory Mankiw the Savers-Spenders theory of fiscal policy prepared for the meeting of the American Economic Association, January 2000

روند تصویب بودجه عامه در قوانین افغانستان

سید حسن انوری^۱

چکیده

تصویب بودجه عمومی یکی از ارکان اساسی چرخه مالی دولت‌هاست که نقشی کلیدی در تخصیص منابع و تحقق برنامه‌های توسعه‌ای ایفا می‌کند. این فرایند نشان‌دهنده تعامل میان قوه مجریه و قوه مقننه است؛ به گونه‌ای که دولت پس از تدوین لایحه بودجه، آن را برای بررسی و تصویب به پارلمان ارائه می‌دهد. با توجه به اهمیت بودجه در سازمان‌دهی مالی کشور، بررسی چگونگی تصویب آن به یکی از موضوعات محوری در تحلیل حکمرانی مالی تبدیل شده است. پرسش اصلی این است که آیا فرایند تصویب بودجه می‌تواند به عنوان ابزار نظارتی کارآمد، تضمین‌کننده شفافیت مالی و هم‌راستا با منافع عمومی باشد؟ این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، فرایند تصویب بودجه، حدود صلاحیت نهادهای ذی‌ربط و الزامات قانونی حاکم بر آن را بررسی می‌کند. تحلیل‌ها بر مبنای اسناد حقوقی و قوانین مالی، با نگاهی تطبیقی به نظام‌های سیاسی انجام شده است. در این میان، افغانستان به عنوان نمونه‌ای از یک نظام پارلمانی دوجلسی بررسی شده است؛ جایی که مجلس سنا (مشرانو جرگه) نسبت به مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) در تصویب لایحه بودجه اختیارات محدودتری دارد، گرچه در سایر فرایندهای تقنینی، نقش نظارتی خود را حفظ کرده است. همچنین، مطابق قانون، هیچ‌یک از این مجالس مجاز به تغییر ارقام پیشنهادی در لایحه نیستند.

کلیدواژه‌ها: تصویب، بودجه، قوه مجریه، مقننه، افغانستان

۱. ماستری حقوق عمومی از دانشگاه تهران، استاد جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

مقدمه

تصویب بودجه، مرحله نهایی در فرایندی پیچیده و چندلایه است که با تدوین و تنظیم آن آغاز می‌شود (مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی، ۱۴۰۰: ۱۹). قوه مجریه با مشارکت نهادهای اجرایی متعدد، وظیفه دارد نیازها و اولویت‌های مالی کشور را شناسایی کرده و آن‌ها را به صورت پیشنهادی به وزارت مالیه ارائه دهد. وزارت مالیه نیز با جمع‌آوری این اطلاعات، سندی جامع تحت عنوان «بودجه ملی» تهیه می‌کند که با رعایت ضوابط قانونی و اداری، پس از تصویب اولیه در کابینه، برای بررسی نهایی به پارلمان ارسال می‌شود. این زنجیره به روشنی نشان می‌دهد که تصویب بودجه بدون گذر از مراحل کارشناسی، تحلیل و تدوین آن ممکن نیست و میان تدوین و تصویب، رابطه‌ای متقابل و تکمیلی وجود دارد.

اهمیت این فرایند ریشه در اصول بنیادین حکمرانی دموکراتیک دارد؛ جایی که پارلمان به عنوان نماینده اراده عمومی، نقش نظارتی بر تخصیص منابع مالی ایفا می‌کند. از این منظر، تصویب بودجه بستری برای مشارکت غیرمستقیم شهروندان در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی فراهم می‌سازد، شفافیت مالی را افزایش می‌دهد و مانع بروز فساد در مصرف دارایی‌های عمومی می‌شود (مقیم و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۶). پرسش اساسی این است که سازوکارهای تصویب بودجه چگونه می‌توانند به ارتقاء پاسخ‌گویی و کارآمدی نظام مالی کشور منجر شوند و تا چه میزان با اصول حاکمیت خوب هم‌راستا هستند.

با توجه به پیشینه تاریخی موضوع، روشن است که ساختارهای بودجه‌ریزی همواره در دستور کار دولت‌ها قرار داشته و نظام‌های مختلف، بسته به قوانین داخلی خود، روش‌هایی متفاوت برای تدوین، تصویب و اجرای بودجه اتخاذ کرده‌اند. هرچند مطالعات گسترده‌ای در این زمینه در بسیاری کشورها انجام شده؛ اما در افغانستان، با وجود اهمیت نقش پارلمان در روند تصویب بودجه، پژوهش مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است. بنابراین بررسی این موضوع نه تنها از منظر مالی و قانونی، بلکه از حیث تقویت نهادهای دموکراتیک، ارتقای پاسخ‌گویی و شفافیت عملکرد دولت‌ها ضرورت دارد. هدف این پژوهش، بررسی نقش پارلمان و فرایند تصویب بودجه به مثابه سازوکاری نظارتی و راهبردی



در نظام حکمرانی، با تمرکز بر ابعاد قانونی، اجرایی و مشارکتی آن است. در ادامه، تلاش خواهد شد با بهره‌گیری از رویکردی تطبیقی، ابعاد مختلف فرایند تصویب بودجه عامه و کارآمدی آن تحلیل گردد.

۱. نقش پارلمان در بودجه‌ریزی عامه

نقش پارلمان‌ها در فرایند تصویب بودجه در کشورهای مختلف، متفاوت است. در برخی نظام‌ها، پارلمان از اختیارات گسترده‌ای در بررسی، تعدیل و تصویب بودجه برخوردار است؛ اما در برخی دیگر، نقش آن به تأیید بودجه پیشنهادی قوه مجریه با اعمال تغییرات اندک، محدود می‌شود. این تفاوت‌ها ریشه در ساختار سیاسی، نوع حکومت، روابط میان قوای سه‌گانه و چارچوب‌های حقوقی هر کشور دارد. قانون اساسی با قوانین موضوعه، حدود صلاحیت پارلمان‌ها را در امور بودجه‌ای به‌صورت مشخص تعریف کرده‌اند (انوری، ۱۴۰۳: ۲۲۸).

بر این اساس، تعامل پارلمان در فرایند بودجه‌ریزی عامه در هر کشور متفاوت است؛ یعنی در برخی کشورها، پارلمان نه‌تنها اختیار تصویب، بلکه صلاحیت تنظیم و بازنویسی بخش‌هایی از سند بودجه را نیز دارد؛^۱ اما در کشورهایی دیگر، پارلمان تنها مجاز به اعمال تغییراتی بسیار محدود و جزئی در ارقام بودجه است.^۲ در نوع فرایند تصویب بودجه در پارلمان صرفاً جنبه‌ای تشریفاتی و اداری یافته و نقش نظارتی چندانی برای آن قائل نیستند.^۳ (مقیم، ۱۳۹۶: ۲۷۲) در این سیستم، لایحه بودجه به وسیله دولت تنظیم شده است، پارلمان بدون اینکه تغییری در آن ایجاد نماید، نظر خود را اعلام نماید؛ یعنی در صورتی که با لایحه بودجه موافق باشد، آن را تصویب می‌کند و در صورتی که با آن موافق نباشد، با رأی عدم اعتماد لایحه بودجه را رد می‌کند. در هر حال، پارلمان در هر سه حالت، نقش نظارتی و رصد دوامدار در اجرای بودجه ایفا و پیامدهای اقدامات دولت در اجرای بودجه

۱. «قوه مقننه تدوین‌کننده بودجه مانند آمریکا، تاحدودی فیلپین و نجریه دارای چنین رویکرد هستند.»

۲. «قوه مقننه اثر گذاری بر بودجه (قوه مقننه در برخی کشورها، برخی تغییرات حاشیه‌ای در بودجه تنظیم شده ایجاد می‌کند. مانند کشورهای اسکاندیناوی»

۳. «پارلمان‌های تصویب‌کننده‌ای بودجه: پارلمان‌های مدل وست مینستر، جای که پیشنهاد اصلاحی نمایندگان مجلس نسبت به لایحه بودجه بندرت صورت می‌پذیرد. عبارت از انگلستان»

را ارزیابی می‌کند (فیاضی و زارع پور، ۱۳۹۱: ۲۹).

در مجموع مطالعه نظام‌های مختلف حقوقی نشان می‌دهد که در خصوص اختیار مقنن در اعمال تغییرات و اصلاح لایحه بودجه کشورهای مختلف از شیوه و الگوی واحد پیروی نمی‌کند. در کشورهای مختلف سه الگوی اختیارات متفاوت در مورد اصلاح لایحه بودجه توسط مجلس وجود دارد (نجفی خواه وبرزگر خسروی، ۱۳۹۳: ص ۳۳-۲۷).

۱-۱. الگوی اختیارات نامحدود

در ایالات متحده آمریکا، نظام قانون‌گذاری بودجه بر پایه ساختار ریاستی استوار است؛ ساختاری که در آن کنگره از اختیارات گسترده و تقریباً نامحدودی در فرایند تصویب بودجه برخوردار است. به عبارت دیگر، کنگره مرجع نهایی در تدوین و تصویب بودجه سالانه کشور به شمار می‌رود و اختیار دارد لایحه پیشنهادی دولت (قوه مجریه) را بر اساس ارزیابی و تشخیص خود تغییر داده یا حتی کاملاً نادیده بگیرد و به صورت مستقل بودجه را تنظیم و تصویب کند. این صلاحیت، مبتنی بر اصول مندرج در قانون اساسی ایالات متحده است که نقش کنگره را به عنوان نهاد اصلی تصمیم‌گیر در حوزه مالی تثبیت می‌سازد (راسخ و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

با این حال، نظام تفکیک قوا در ایالات متحده موجب شده است که فرایند نهایی‌سازی بودجه، تحت تأثیر تعامل با رئیس‌جمهور نیز قرار گیرد؛ زیرا رئیس‌جمهور اختیار وتوی مصوبات کنگره را دارد و می‌تواند در موارد خاص، موضوع را برای رسیدگی قضایی به دیوان عالی ارجاع دهد. بنابراین اگرچه از منظر حقوقی، اختیارات کنگره در حوزه بودجه‌ریزی بسیار گسترده است؛ اما در عمل این اختیارات با محدودیت‌هایی ناشی از ملاحظات اقتصادی، فشارهای سیاسی و ساختارهای نظارتی میان‌قوه‌ای مواجه است (همان: ۱۵۳).

۱-۲. الگوی اختیارات محدود

در این الگو، اختیارات قوه مقننه در اصلاح ارقام لایحه بودجه به صورت محدود و از پیش تعیین‌شده تعریف شده است. در نظام‌های بودجه‌ریزی کشورهای مختلف، این محدودیت‌ها از نظر نوع و دامنه یکسان نیستند. در برخی کشورها، قوه مقننه تنها مجاز



به کاهش اقلامی است که منجر به کسری بودجه می‌شوند؛ این نوع محدودیت را می‌توان «محدودیت کسر بودجه‌ای» نامید. در برخی دیگر، پارلمان از افزایش سقف کلی هزینه‌ها منع شده است که به آن «محدودیت افزایش هزینه‌های کلان» گفته می‌شود. همچنین، در شماری از کشورها، مجلس تنها مجاز به کاهش اعتبارات پیشنهادی دولت است و اجازه افزایش یا تغییر جهت‌دار منابع مالی را ندارد. این مدل با هدف حفظ انسجام برنامه‌های مالی دولت و جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ در حوزه بودجه‌ریزی طراحی شده و نوعی موازنه میان اختیار نظارتی پارلمان و مسئولیت اجرایی دولت به شمار می‌رود (نجفی خواه، برزگر خسروی، ۱۳۹۳: ۲۸).

۱-۲-۱. روش محدودیت کسر بودجه‌ای

در این شیوه، پارلمان مجاز نیست تغییری در ارقام مندرج در لایحه بودجه اعمال کند که منجر به ایجاد کسری جدید یا افزایش سطح کسری بودجه نسبت به پیشنهاد اولیه دولت شود. بنابراین اگر پارلمان بخواهد اعتبارات هزینه‌ای را افزایش دهد، این اقدام باید هم‌زمان با پیش‌بینی منابع درآمدی جدید یا کاهش در سایر اقلام هزینه‌ای همراه باشد. به بیان دیگر، اصل توازن بودجه‌ای باید در تمام مراحل بررسی و تصویب لایحه رعایت شود و خدشه‌ای به آن وارد نگردد (همان: ۲۹).

در نظام نیمه‌ریاستی فرانسه نیز محدودیتی مشابه برقرار است. طبق اصل ۴۰ قانون اساسی فرانسه، «پیشنهادهای و اصلاحیه‌هایی که از سوی نمایندگان دو مجلس ارائه می‌شود، در صورتی قابل بررسی نیست که منجر به کاهش درآمدهای عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی گردد». افزون بر آن، دولت فرانسه این اختیار را دارد که از پارلمان بخواهد لایحه بودجه را به صورت کامل و بدون هیچ‌گونه تغییر به رأی بگذارد؛ به گونه‌ای که یا لایحه با همان ترکیب پیشنهادی دولت تصویب شود یا به کلی رد گردد. با این حال، این سازوکار مانع از بحث و گفت‌وگوی پارلمانی درباره مفاد و مواد مختلف لایحه نخواهد بود و فضای مذاکره همچنان در چارچوب فرآیند بررسی حفظ می‌شود (جعفری ندوشن، ۱۳۸۳: ۱۳).

۱-۲-۲. روش عدم افزایش هزینه‌های کل

این شیوه نباید با روش محدودیت ناشی از کسری بودجه اشتباه گرفته شود. در این روش،

قوه مقننه مجاز است ارقام مندرج در لایحه بودجه را اصلاح کند، مشروط بر آنکه این اصلاحات منجر به افزایش مجموع هزینه‌ها نگردد. به عبارت دیگر، افزایش در هر یک از اقلام هزینه‌ای تنها در صورتی مجاز است که معادل آن از طریق کاهش در سایر اقلام هزینه‌ای جبران شود. در این مدل، جبران افزایش هزینه‌ها از طریق افزایش منابع درآمدی امکان‌پذیر نیست. در برخی کشورها، این رویه با عنوان «تغییرات تهاتری» شناخته می‌شود؛ زیرا در عمل، هر افزایش در یک قلم هزینه‌ای با کاهش متناظر در قلمی دیگر جبران می‌شود (دین محمدی، بخشی بالایی، ۱۴۰۰: ۲۲۸).

۳-۲-۱. روش صرفاً کاهشی

در این شیوه، پارلمان صرفاً مجاز به کاهش اقلام پیشنهادی دولت است و هیچ‌گونه اختیاری برای افزایش مبالغ یا افزودن اقلام جدید ندارد. در نظام پارلمانی انگلستان، که به عنوان الگوی این مدل شناخته می‌شود، پارلمان تنها می‌تواند هزینه‌ها و درآمدهای پیشنهادی دولت را کاهش دهد یا به‌طور کلی آن‌ها را رد کند. بر اساس یک قاعده عرفی مستقر، مجلس عوام حق پیشنهاد هزینه‌های جدید یا افزایش هزینه‌های موجود را ندارد و ابتکار عمل در امور مالی و بودجه‌ای، به‌طور کامل در اختیار هیئت دولت قرار دارد (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۴۵). اگرچه در برخی از نظام‌ها قوای مجریه و مقننه کاملاً مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند، این استقلال می‌تواند منجر به تصویب محتوای بودجه با دقت و جزئیات بیشتر از سوی پارلمان شود. در این میان، نقش کنگره ایالات متحده در فرایند تصویب بودجه، نسبت به قوای مقننه سایر کشورها، فعال‌تر و مستقل‌تر تلقی می‌شود (لاینرت، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

۳-۱. الگوی عدم اختیار تغییر ارقام لایحه

در برخی کشورها، قانون‌گذار تنها مجاز به تصویب یا رد کلیات بودجه پیشنهادی دولت است و هیچ‌گونه اختیاری برای تغییر ارقام مندرج در بخش‌های منابع و مصارف ندارد. بدین ترتیب، ممکن است در صورت پایان دوره اعتبار و اجرای قانون بودجه پیشین، قانون‌گذار از تصویب بودجه جدید خودداری کند. در چنین شرایطی، نظام‌های حقوقی مختلف راه‌حل‌ها و سازوکارهای گوناگونی برای تداوم فعالیت‌های مالی دولت پیش‌بینی



کرده‌اند. این سازوکارها معمولاً به منظور جلوگیری از وقفه در عملیات مالی و حفظ ثبات اقتصادی کشور طراحی می‌شوند (نجفی خواه، برزگر خسروی، ۱۳۹۳: ۳۲). این شیوه در کشورهای خاصی که نظارت و کنترل پارلمان بر بودجه محدود است، به‌ویژه در مواردی که دولت از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است، کاربرد دارد.

۲. تحلیل تطبیقی الگوهای تصویب بودجه‌ریزی در افغانستان

مطابق قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲ شمسی، تصویب و تنظیم بودجه بیشتر در دست قوه مجریه است. در ماده ۹۵ این قانون آمده است: «پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می‌گیرد». با این حال، استثنایی برای این موضوع در ماده ۸۱ وجود دارد که می‌گوید شورای ملی به‌عنوان عالی‌ترین ارگان تقنینی کشور و نماینده ملت، صلاحیت قانون‌گذاری را داراست. همچنین، در بند سوم ماده ۹۰ تصریح شده که «تصویب بودجه از صلاحیت شورای ملی می‌باشد». اما همان‌طور که در ماده ۹۷ قانون اساسی آمده، پارلمان افغانستان هیچ‌گونه اختیاری برای تغییر ارقام لایحه بودجه ندارد و فقط می‌تواند آن را به‌طور کلی تصویب یا رد کند. در صورتی که لایحه بودجه از سوی پارلمان رد شود، دلایل و پیشنهادهای اصلاحی باید همراه با لایحه به قوه مجریه بازگردانده شود. پارلمان نمی‌تواند قوه مجریه را به هزینه‌هایی مجبور کند که با توان مالی دولت یا عواید آن هم‌خوانی نداشته باشد.

با توجه به این توضیحات، جایگاه شورای ملی افغانستان در فرایند تصویب بودجه با الگوی «عدم اختیار تغییر ارقام لایحه» تطابق دارد. برخلاف کشورهای دیگری همچون ایالات متحده آمریکا، که کنگره اختیارات وسیعی در این زمینه دارد، پارلمان افغانستان تنها می‌تواند بودجه را به‌طور کامل تصویب یا رد کند و هیچ‌گونه صلاحیتی برای تغییر یا اصلاح ارقام و ساختار آن ندارد.

این وضعیت به‌طور روشن محدودیت‌های جدی اختیارات پارلمان افغانستان در فرایند بودجه‌ریزی را نشان می‌دهد. در این نظام، نقش قوه مجریه در تدوین و تنظیم بودجه از قوه مقننه بسیار برجسته‌تر است. به همین دلیل، فرایند بودجه‌ریزی در افغانستان بیشتر جنبه

نظارتی دارد و پارلمان تنها صلاحیت نظارت بر بودجه را دارد، بدون اینکه توانایی مداخله مستقیم و فعال در امور مالی دولت را داشته باشد. این امر نشان‌دهنده تمرکز قدرت در دست قوه مجریه و ضعف نقش نظارتی و تصمیم‌گیری پارلمان در مسائل مالی و بودجه‌ای کشور است.

جدول تطبیقی الگوهای اختیارات پارلمان در بودجه‌ریزی

شماره	الگو	شرح ویژگی‌های الگوها	نمونه کشورها	امکان تغییر مستقیم در بودجه	جایگاه افغانستان
۱	الگوی اختیارات نامحدود	پارلمان می‌تواند کل بودجه را تغییر دهد، حتی لایحه بودجه تدوین کند	ایالات متحده امریکا	کامل	قانون اساسی افغانستان چنین اختیار را نمی‌دهد.
۲	الگوی اختیارات محدود	فقط اجازه کاهش یا جابجایی محدود اقلام دارد، بدون افزایش کل یا کسری	فرانسه و انگلستان	محدود	تنها اجازه ارسال پیشنهاد اصلاحی غیر الزام‌آوری دارد.
۳	الگوی عدم اختیار تغییر لایحه	پارلمان صرفاً حق تصویب یا رد بودجه را دارد، بدون تغییر در ارقام یا اقلام آن	برخی کشورها با نظام‌های متمرکز	ندارد	مطابق قانون اساسی فقط حق تصویب یا رد لایحه بودجه را دارد.

۳. دلایل تصویب بودجه در قوه مقننه

تصویب بودجه در قوه مقننه نه تنها یک روند تشریفاتی یا شکلی، بلکه سازوکاری اساسی برای تضمین حکمرانی دموکراتیک و پاسخ‌گو به شمار می‌رود. این فرایند، نمایانگر نقش واقعی پارلمان به عنوان تجلی اراده ملت در تعیین چگونگی تخصیص منابع عمومی است. از آنجاکه بودجه مستقیماً با زندگی اقتصادی، اجتماعی و رفاه عمومی مردم گره خورده و ورود پارلمان به فرایند تصویب، به معنای مشارکت غیرمستقیم مردم در سیاست‌گذاری مالی کشور است. بدین ترتیب، این اقدام نه تنها اصل نمایندگی را در عمل محقق می‌سازد، بلکه موجب مشروعیت بخشی به سیاست‌های مالی و افزایش مقبولیت اجتماعی برنامه‌های



دولت می‌گردد. همچنین، تصویب بودجه در پارلمان، به‌عنوان نقطه تعادل میان ارکان قدرت، از تمرکزگرایی مالی جلوگیری کرده و توازن منطقه‌ای در تخصیص منابع را تقویت می‌کند (مقیم‌ی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷).

از سوی دیگر، پارلمان با در اختیار داشتن ابزار تصویب بودجه، می‌تواند نقش نظارتی خود را نسبت به عملکرد مالی دولت ایفا کرده و از طریق بررسی، بحث و تصویب دقیق مفاد بودجه، شفافیت و پاسخ‌گویی را در عرصه عمومی افزایش دهد. این فرایند، دولت را موظف می‌سازد در قبال منابع درآمدی و هزینه‌ای، گزارش‌دهی و دفاع منطقی داشته باشد و از این رهگذر، زمینه فساد مالی، رانت و سوءاستفاده از منابع عمومی به‌شدت محدود می‌شود. همچنین، تصویب بودجه توسط قوه مقننه یکی از مظاهر عینی اصل تفکیک قواست که از استیلاي مطلق قوه مجریه بر منابع مالی کشور جلوگیری کرده و با ایجاد سازوکار کنترل متقابل، مانعی حقوقی و سیاسی در برابر تمرکز قدرت و انحصار مالی ایجاد می‌کند. این مجموعه دلایل، نشان می‌دهد که تصویب بودجه در قوه مقننه نه فقط یک ضرورت قانونی، بلکه یک ضرورت بنیادین برای تحقق شفافیت، عدالت و پاسخ‌گویی در اداره امور عمومی است (شیرینی نژاد، ۱۳۸۶: ۵۴).

۴. روند تصویب بودجه در افغانستان

تصویب بودجه به معنای صدور مجوز مصارف برای دولت از سوی نمایندگان مردم است. همچنین به معنای تصویب سیاست‌های مالی دولت و اجازه اجرای آن سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها در طول همان سال مالی است (عباسی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). یعنی تصویب قانون بودجه تنها تنظیم‌کننده امور مالی نیست، بلکه تأیید کلید رشد و توسعه‌ای ملت است؛ زیرا قانون بودجه دولت می‌تواند، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر نرخ رشد اقتصادی، تورم، اشتغال، حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، واردات، سیاست مالیاتی، ارزی و... دارد و از این طریق می‌تواند تغییرات اقتصادی بر نزدیک‌ترین و دورترین شهروندان کشور به وجود آورد (باقری زرین قبایی، توسلی نائینی، ۱۳۹۶).

۱-۴. تقدیم قانون بودجه به مشرانو جرگه

مسوده بودجه دولت توسط وزارت مالیه تهیه می‌شود و همراه با «پیام بودجه» که منعکس‌کننده وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور است، تنظیم می‌گردد. پس از تصویب این مسوده در شورای وزیران، مطابق ماده (۹۸) قانون اساسی، از طریق وزارت دولت در امور پارلمانی به مشرانو جرگه ارسال می‌شود تا مورد بررسی و ابراز نظر مشورتی قرار گیرد. بر اساس ماده (۷۷) اصول و وظایف داخلی مشرانو جرگه، «طرح قانون معرفی شده توسط حکومت یا اعضای جرگه، در جلسه عمومی ثبت، طی مراحل و اعلام می‌گردد. در صورتی که جرگه جلسه نداشته باشد، یادداشت طی مراحل در نشریه رسمی مشرانو جرگه منتشر می‌شود». مشرانو جرگه موظف است ظرف مدت پانزده روز مسوده پیشنهادی بودجه را بر اساس قواعد و ضوابط مشخص مورد بررسی قرار دهد. طبق ماده (۹۸) قانون اساسی، «بودجه دولت و برنامه انکشافی حکومت، همراه با نظریه مشورتی مشرانو جرگه، به ولسی جرگه تقدیم می‌شود».

۲-۴. بررسی مسوده بودجه در ولسی جرگه

در ماده (۹۰) اصول و وظایف داخلی ولسی جرگه آمده: «بودجه دولت از جانب وزارت مالیه به شکل مجلد ترتیب می‌گردد». مطابق ماده (۱۵) مقرر تنظیم امور مالی و مصارف عامه، «وزارت مالیه پیام بودجه که محتوای آن با توجه به موقعیت سیاسی کشور است، همراه مسوده بودجه تنظیم می‌کند» که معمولاً این پیام در بردارنده‌ای تحلیلی از شرایط اقتصادی دولت و گزارشی از عملیات و تعادل بودجه سال جاری است. به گونه‌ای که وضعیت تخمین درآمدها، منابع جدید درآمدی و ترسیم دورنمای از وضعیت درآمدهای جدید مالیاتی، برنامه‌های میان مدت و چگونگی روند مهم مالی، تغییرات جمعیتی، تغییر سطح درآمدها و امثال این‌ها نمونه‌های دیگر است که در پیام بودجه‌ای گنجانیده می‌شود؛ که هدف از این پیام توجیهی تغییرات برنامه‌ها و نکات مهم بودجه را به صورت خلاصه بیان می‌کند و تا آنجای که امکان دارد انتقادات سیاسی را از بودجه و عملکرد دولت را تلطیف نماید.^۱

مسوده بودجه بعد از بررسی مشرانو جرگه مطابق ماده (۹۸) قانون اساسی همراه

۱. برای توضیح بیشتر به مصوبه بودجه ملی سال ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ مراجعه شود.



نظریات و مشورت‌های اصلاحی مشرانو جرگه ذریعه مکتوب رسمی با مهر و امضای رئیس مشرانو جرگه به دفتر اسناد و ارتباط ریاست عمومی دارالانشا تسلیم می‌گردد. دفتر اسناد و ارتباط پس از قید وارده و مهر مخصوص که حاوی تاریخ و ساعت دقیق مواصلت سند است، در پاورقی مکتوب درج نموده و سند را به رئیس عمومی دارالانشا تقدیم می‌نماید (ره‌نمود طی مراحل قانون‌گزاری و بودجه ملی در ولسی جرگه شورای ملی افغانستان).

در گام نخست، رئیس ولسی جرگه سند بودجه را در دستور جلسه (آجندا) قرار می‌دهد. پس از قرائت رسمی آجندا در صحن علنی، وزرای مربوطه به دعوت رئیس وزارت دولت در امور پارلمانی، در جایگاه مخصوص جلسه عمومی حضور می‌یابند. در مورد طرح‌های قانونی غیر بودجه‌ای، معمولاً وزیر دولت در امور پارلمانی، سند پیشنهادی را از سوی حکومت به صورت کتبی و با ارائه بیانیه‌ای رسمی معرفی می‌کند. در ادامه، وزرای مربوطه دلایل فنی و ضرورت ارائه طرح را برای نمایندگان تشریح می‌کنند؛ اما در مورد طرح پیشنهادی بودجه، روند متفاوتی دنبال می‌شود. در این مرحله، وزیر مالیه پیام بودجه را ارائه می‌کند؛ پیامی که حاوی تحلیل‌هایی از وضعیت اقتصادی کشور، گزارش عملکرد بودجه سال گذشته، و دورنمای اقتصادی دولت است. این پیام همچنین شامل برنامه‌های میان‌مدت مالی، برآورد منابع جدید و درآمدهای مالیاتی، روندهای مالی مهم، تحولات جمعیتی، تغییرات سطح درآمد، نرخ تورم، وضعیت اشتغال، و خلاصه‌ای از مفاد اصلی سند بودجه است. هدف از ارائه این پیام، توجیه تغییرات پیشنهادی در برنامه‌ها و برجسته‌سازی نکات کلیدی بودجه است؛ به گونه‌ای که ضمن اطلاع‌رسانی تخصصی، زمینه نقدهای صرفاً سیاسی نسبت به بودجه یا عملکرد دولت را کاهش دهد (ر.ک. همان).

۱-۲-۴. بررسی بودجه در کمیسیون‌ها

کمیسیون‌های ولسی جرگه در فرایند تصویب بودجه، نقش اتاق فکر پارلمان را ایفا می‌کنند. این کمیسیون‌ها وظیفه بازبینی و ارزیابی فنی مسوده بودجه را بر عهده دارند و پیشنهادهای خود را بر اساس تحلیل‌های کارشناسی ارائه می‌نمایند. آن‌ها می‌توانند جلساتی اختصاصی با مسئولان بودجه در نهادهای اجرایی برگزار کنند و از طریق گفت‌وگو با شهروندان، نمایندگان جامعه مدنی و سایر ذی‌نفعان، دیدگاه‌های عمومی را نیز در بررسی بودجه لحاظ کنند.

بر اساس ماده (۸۹) اصول وظایف داخلی ولسی جرگه، «بودجه دولت از مشرانو جرگه همراه با نظر مشورتی آن مجلس، به ریاست عمومی دارالانشای ولسی جرگه تسلیم داده می‌شود و رئیس ولسی جرگه آن را برای بررسی تخصصی به کمیسیون مالی و بودجه، محاسبات عمومی و امور بانک‌ها احاله می‌نماید». همچنین، یک نسخه از مسوده بودجه توسط این کمیسیون به تمام کمیسیون‌های دائمی و گروه‌های پارلمانی ارسال می‌شود. هر کمیسیون، مطابق احکام این اصول، بخش‌های مرتبط با وظایف خود را بررسی کرده و نتایج ارزیابی خود را از طریق گزارشگر مربوطه به کمیسیون مالی و بودجه ارسال می‌نماید. طبق «رهنمود طی مراحل قانون‌گذاری و بررسی بودجه ملی در ولسی جرگه شورای ملی افغانستان»، گزارشگر کمیسیون پس از معرفی سند بودجه، برنامه کاری خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که مهلت مقرر در ماده (۹۷) قانون اساسی رعایت شود. برای طی مراحل مسلکی و تخریکی بودجه، جدول زمانی مشخصی تنظیم شده و در صورت لزوم، نهادهای زیر به جلسات کمیسیون دعوت می‌شوند: «نمایندگان جامعه مدنی، احزاب سیاسی، مقامات ذی‌صلاح وزارت‌های مربوطه، کارشناسان و متخصصان، استادان دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی». پس از ارزیابی و تکمیل بررسی‌ها، هر کمیسیون نظریات و پیشنهادها را به کمیسیون مالی و بودجه، محاسبات عمومی و امور بانک‌ها ارسال می‌کند. این کمیسیون پس از جمع‌بندی و توحید دیدگاه‌ها، گزارش نهایی تحلیلی خود را برای بحث و رأی‌گیری به جلسه عمومی ولسی جرگه ارائه می‌نماید. در جلسه عمومی، صرفاً گزارشگران کمیسیون‌ها و گروه‌های پارلمانی، رئیس و گزارشگر کمیسیون مالی و بودجه، وزیر مالیه و کارشناسان دولت حق سخنرانی و شرکت در بحث را دارند (انوری، ۱۴۰۳: ۲۳۳).

۲-۲-۴. تصویب بودجه

یکی از صلاحیت اصلی برای پارلمان‌ها تصویب بودجه است. صلاحیت تصویب بودجه با سایر قوانین فرق می‌کند. در بین فعالیت‌های پارلمانی مسئله تصویب بودجه جایگاه خاص دارد. در این امر به تکامل نقش پارلمان مربوط می‌شود که در آغاز ضرورت وجود مجوز قانونی برای وصول مالیات مبنای دخالت آن را در مسائل مالی تشکیل می‌داد (حسینی،



فاتحی زاده، تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). این موضوع در قانون اساسی کشورها از جمله در ماده ۹۰ قانون اساسی افغانستان تصریح شده است. در بند ۳ ماده ۹۰ قانون اساسی افغانستان بدین صورت تصریح گردیده است: «تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه، از صلاحیت‌های خاص ولسی جرگه است». در ماده ۹۵ قانون مذکور بیان شده: «پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می‌گیرد». لذا طرح تصویب قانون بودجه با تصویب سایر قوانین از لحاظ فرایند شروع و ختم، با هم متفاوت دارد. قبلاً توضیح داده شد که مطابق ماده ۹۸ این قانون: «بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می‌شود». در حالی که تصویب سایر قوانین ابتدا از ولسی جرگه شروع و سپس برای بررسی به مشرانو جرگه تقدیم می‌شود.

ولسی جرگه نمی‌تواند تصویب بودجه را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد. در بند (۶) ماده (۹۸) قانون اساسی آمده: «هرگاه ولسی جرگه در مدت یک ماه راجع به پیشنهاد لایحه بودجه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می‌گردد». تصویب بودجه به خاطر اهمیتی که دارد فوری است. چنانچه قانون مشخص کرده، هرگاه نظر به عوامل (مانعی) تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی مورد تصویب قرار نگیرد تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌گردد. در بند (۳) ماده (۹۷) قانون اساسی افغانستان تأخیر بیش از یک ماه لایحه بودجه را مجاز نمی‌داند. از طرف دیگر طرح پیشنهادی بودجه بسیار مهم است، قانون‌گذار در ماده (۹۹) این قانون تأکید نموده، محدودیت بر نمایندگان وضع نموده است که تصویب لایحه بودجه در صورتی که مربوط به امنیت عمومی، تمامیت ارضی و استقلال کشور باشد اجلاس شورای ملی قبل از تصویب خاتمه یافته نمی‌تواند.

بنابراین با تصویب قانون بودجه در ولسی جرگه طبق بند (۲) ماده (۹۱) اصول وظایف داخلی ولسی جرگه، «کمیسیون مالی و بودجه، محاسبات عمومی و امور بانک‌ها مکلف است یک‌یک کاپی بودجه تصویب شده را بعد از مهر و امضای مدت سه روز کاری به کمیسیون‌های دائمی و ریاست عمومی دارالانشای ولسی جرگه بفرستد» که بر مبنای اصول متعارف پارلمانی مصوبه ولسی جرگه پیرامون تصویب بودجه ملی در حکم قانون است

(رهنمود طی مراحل قانون‌گذاری و بودجه ملی در ولسی جرگه شورای ملی افغانستان).

۵. تفاوت‌های مسوده و قانون بودجه

مسوده بودجه و قانون بودجه از هم تفاوت دارد؛ زیرا زمان که نهاد مسئول (وزارت مالیه) لایحه بودجه را تهیه و تنظیم می‌نمایند و بعد از تأیید آن در کمیته بودجه و کابینه دولت قاعدتاً به آن اصطلاح مسوده بودجه گفته می‌شود، ولی این مسوده بعد از طی تشریفات خاص قانون که به تصویب شورای ملی رسید، اصطلاحاً قانون بودجه به آن ابلاغ می‌گردد (رستمی، ۱۳۹۵). ولی این‌که دارای ماهیت قانون است یا خیر، در اینجا مورد بحث نیست؛ اما می‌توان مسوده و قانون بودجه را به صورت جداگانه بیان کرد؛ زیرا آثار حقوقی مسوده بودجه و قانون بودجه با هم تفاوت دارد.

۱-۵. ویژگی‌های حقوقی مسوده بودجه

قوه مجریه در تهیه و تنظیم مسوده بودجه و تقدیم آن به پارلمان، به رعایت ضوابط و اصولی مکلف است که در قانون اساسی و قوانین مالی کشور پیش‌بینی شده‌اند. این ویژگی‌ها به شرح زیر قابل بیان است:

الف. ارائه در موعد مشخص و آزادی کامل نمایندگان در اظهارنظر؛ برخلاف بسیاری از لوایح دیگر، قانون‌گذار برای لایحه بودجه ضرب‌الاجلی جهت تقدیم به مجلس تعیین نکرده است. با این حال، دولت موظف است آن را در زمانی مشخص که در عرف پارلمانی تثبیت شده، به پارلمان تقدیم کند. با توجه به اینکه بودجه منعکس‌کننده سیاست‌های مالی و اقتصادی کشور است، هیچ محدودیتی در خصوص مدت یا محتوای نطق نمایندگان در مورد آن وجود ندارد. هر نماینده می‌تواند به تفصیل درباره موضوعات مرتبط با بودجه اظهار نظر نماید.

ب. ممنوعیت تصویب دوفوریتی و بررسی یک شورایی؛ از آنجاکه بودجه برنامه مالی سالانه دولت است و هر هزینه‌ای باید با تصویب نمایندگان ملت صورت گیرد، این لایحه نباید به صورت شتاب‌زده بررسی شود. لذا درخواست رسیدگی دوفوریتی برای لایحه بودجه پذیرفته نیست. برخلاف تصور اولیه مبنی بر اینکه اهمیت بودجه مستلزم رسیدگی دو



شوری است، بررسی آن تنها در یک جلسه مشورتی انجام می‌شود. علت این امر آن است که از یک سو، زمان زیادی برای تدوین آن صرف می‌شود و از سوی دیگر، لایحه بودجه باید پیش از آغاز سال مالی تصویب شود، در غیر این صورت پیش‌بینی‌ها با واقعیات اقتصادی فاصله خواهد داشت. به همین دلیل، بودجه معمولاً در ربع دوم نیمه دوم سال مالی تقدیم پارلمان می‌شود و پارلمان ناگزیر است با رعایت دقت؛ اما با سرعت لازم، آن را در یک نوبت بررسی و تصویب کند (حبیب نژاد، ۱۳۹۸).

ج. بررسی فنی اولیه توسط کمیته بودجه وزارت مالیه؛ قبل از ورود لایحه بودجه به صحن علنی پارلمان، کمیته بودجه وزارت مالیه آن را از جنبه‌های فنی و مالی تحلیل و بررسی می‌نماید.

د. محدودیت اختیارات نمایندگان در پیشنهاد هزینه؛ بر اساس نظام حقوقی افغانستان، نمایندگان پارلمان حق پیشنهاد هزینه جدید ندارند. آنان تنها می‌توانند بودجه را به صورت کلی رد یا تصویب کنند یا نظریات و پیشنهادهای اصلاحی خود را برای بررسی به دولت ارائه دهند.

هـ. عدم سقوط دولت در صورت رد بودجه؛ در نظام‌های پارلمانی، رد لایحه بودجه معمولاً به مثابه مخالفت با برنامه‌های دولت تلقی می‌شود و می‌تواند منجر به سقوط دولت گردد؛ اما در افغانستان، با توجه به ساختار نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی نظام سیاسی، رد بودجه موجب سقوط دولت نمی‌شود. در چنین مواردی، دولت نظرات پارلمان را بررسی کرده، اصلاحات ممکن را اعمال و مجدداً بودجه را ارائه می‌کند (حبیب نژاد، ۱۳۹۸).

و. تصویب دوازدهم بودجه در صورت تأخیر؛ در صورتی که لایحه بودجه در موعد مقرر به پارلمان ارائه نشده یا به تصویب نرسد، برای جلوگیری از اختلال در عملکرد دولت، امکان اجرای موقت بخشی از بودجه سال قبل وجود دارد. این سازوکار که با عنوان «تصویب یک یا چند دوازدهم» شناخته می‌شود، اجازه می‌دهد دولت تا زمان تصویب نهایی بودجه، بخشی از اعتبار مصوب سال گذشته را برای چند ماه نخست سال مالی جدید هزینه کند. این موضوع در بند (۳) ماده (۹۸) قانون اساسی افغانستان نیز تصریح شده است: «هرگاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا



تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌گردد».

۲_۵. ویژگی‌های قانون بودجه

قانون بودجه به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در مدیریت مالی دولت، نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند؛ یعنی از یک سو چارچوبی برای تأمین مالی برنامه‌های توسعه‌ای کشور فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، محدودیت‌هایی برای هزینه‌کرد منابع عمومی ایجاد می‌نماید. این قانون باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای مالی دولت، مانع از بروز تعهدات خارج از ضوابط قانونی شده، شفافیت مالی را ارتقای داده و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند.

۱. سالانه بودن قانون بودجه: بودجه معمولاً برای یک سال مالی تدوین و تصویب می‌شود. اگرچه در برنامه‌ریزی‌های کلان ممکن است چشم‌انداز چندساله نیز لحاظ شود؛ اما تعهدات مالی صرفاً برای همان سال مالی معتبر هستند. به‌موجب ماده ۴۴ قانون امور مالی و مصارف عامه: «تمام صلاحیت‌های بودجوی سال مالی با ختم همان سال ملغی می‌گردد، مگر این‌که قانون طور دیگری حکم نموده باشد». همچنین، بر اساس ماده ۲۷ همین قانون، بودجه باید بر مبنای برنامه‌های توسعه‌ای چندساله تهیه شود و حاوی برآوردهای بودجوی برای حداقل دو سال پس از سال جاری باشد. بنابراین، می‌توان گفت که قانون بودجه در افغانستان حداقل سه سال را پوشش می‌دهد، اما تخصیص نهایی اعتبارات، به‌صورت سالانه و با تصویب پارلمان انجام می‌شود (انوری، ۱۳۹۷).

۲. عدم ایجاد تعهد از محل برآورد هزینه‌ها: ارقام پیش‌بینی‌شده در بودجه برای هزینه‌ها صرفاً جنبه مجوز دارند و دولت تنها در چارچوب قوانین و در صورت تحقق شرایط قانونی می‌تواند نسبت به خرید کالا یا خدمات اقدام کند. صرف پیش‌بینی یک هزینه در بودجه به معنای تعهد دولت برای پرداخت آن نیست (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱).

۳. محدود بودن کاربرد قانون بودجه به دستگاه‌های دولتی: قانون بودجه صرفاً ابزاری برای برنامه‌ریزی و هزینه‌کرد دولت است و اشخاص حقیقی یا حقوقی نمی‌توانند برای اثبات حقوق مالی یا طرح دعاوی علیه دولت به آن استناد کنند. به‌عنوان نمونه، اگر فردی بابت ارائه کالا یا خدمات به دولت طلبکار باشد، حتی در صورت وجود ردیف بودجه برای



آن، نمی‌تواند الزام دولت به پرداخت را صرفاً با استناد به قانون بودجه مطالبه کند. بنابراین، ارقام مندرج در بخش هزینه‌ها صرفاً اجازه هزینه‌کرد برای دولت است، نه ایجاد تعهد حقوقی نسبت به اشخاص (رستمی و برزگر خسروی، ۱۳۹۳).

۴. تخمینی بودن درآمدها و تحدیدی بودن هزینه‌ها: درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه ماهیت تخمینی دارند و دولت موظف است در حدود این ارقام، منابع درآمدی را وصول نماید. در مقابل، هزینه‌ها جنبه تحدیدی دارند و هیچ دستگاهی حق ندارد از سقف اعتبارات مصوب تجاوز کند. البته اگر درآمدها بیش از پیش‌بینی محقق شود، در صورت رعایت قوانین، امکان استفاده از آن‌ها وجود دارد؛ اما مخارج صرفاً در چارچوب ارقام مصوب قابل پرداخت هستند (رشیدی، رنجبر، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

در نظام‌های مردم‌سالار، تصویب بودجه توسط پارلمان از مهم‌ترین ابزارهای نظارت بر عملکرد مالی دولت و تضمین شفافیت و پاسخ‌گویی است. این فرایند نمایانگر توازن قوا و نماد مشارکت شهروندان از طریق نمایندگان در تصمیم‌گیری‌های مالی کشور است. در افغانستان، با توجه به قانون اساسی، نقش پارلمان در تصویب بودجه محدود به پذیرش یا رد کلیات است و امکان تغییر در ارقام بودجه وجود ندارد. بنابراین افغانستان در چارچوب الگوی سوم تصویب بودجه (الگوی عدم اختیار تغییر ارقام) قرار می‌گیرد. با این حال، فرایند بررسی بودجه شامل مشارکت کمیسیون‌های تخصصی و لسی جرگه است. ابتدا لایحه بودجه توسط قوه مجریه تهیه شده، پس از تصویب در کابینه، از طریق وزارت دولت در امور پارلمانی به مشرانو جرگه ارسال می‌شود. این مجلس نظریات مشورتی خود را به ولسی جرگه ارائه می‌دهد. در ادامه، وزیر مالیه با ارائه پیام بودجه‌ای، تحلیل کلی از وضعیت اقتصادی، منابع مالی، برنامه‌های توسعه‌ای و تغییرات اقتصادی کشور را به پارلمان ارائه می‌کند. پس از آن، کمیسیون‌های دائمی و لسی جرگه مسوده بودجه را مورد بررسی تخصصی قرار داده و پس از مشورت با کارشناسان دولتی، نهادهای مدنی و متخصصان دانشگاهی، پیشنهادهای خود را به کمیسیون مالی، بودجه و امور بانک‌ها ارسال می‌کنند. این کمیسیون، نظریات



دریافتی را یک‌پارچه کرده و گزارش نهایی را برای بحث و رأی‌گیری به صحن علنی ارائه می‌نماید. در نهایت، قانون بودجه پس از تصویب و لسی جرگه، جهت توشیح به ریاست دولت ارسال می‌شود و پس از طی مراحل اداری، رسمیت می‌یابد.

الف. کتب

۱. انوری، سید حسن، (۱۴۰۳)، حقوق مالی ۲، کابل: دانشگاه المصطفی.
۲. جعفری ندوشن، علی اکبر، (۱۳۸۳)، تفکیک قوا در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. حبیب نژاد، سید احمد، (۱۳۹۸)، مالیه عمومی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. رستمی، ولی، (۱۳۹۵)، مالیه عمومی، تهران: نشر میزان.
۵. شبیری نژاد، علی اکبر، (۱۳۸۶)، حقوق قوه مقننه در بررسی و رأی به بودجه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
۶. عباسی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، بودجه‌ریزی نوین در ایران، تهران: نشر سمت.
۷. فیاضی، محمدتقی؛ زارع پور، فضل‌الله، (۱۳۹۱)، کمیسیون برنامه و بودجه برنامه و محاسبات (۲)، حوزه وظایف کمیسیون و فرصت‌های پیش‌رو، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. لاینرت، یان، (۱۳۸۹)، بودجه‌ریزی در جهان چارچوب حقوقی نظام‌های بودجه‌ای (مطالعه مورد برخی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)، (ترجمه: افشین خاک‌باز و بهزاد لامعی)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۹. مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی، (۱۴۰۰)، مسائل نظام حکمرانی از دیدگاه اندیشکده‌ها، تهران: توانمندسازی حاکمیت و جامعه.
۱۰. مقیمی، سید محمد، (۱۳۹۶)، بودجه‌ریزی دولتی؛ نظریه‌ها، اصول و کاربردها از تنظیم تا کنترل، تهران: مهربان و نگاه دانش.
۱۱. هریسی نژاد، کمال‌الدین، (۱۳۸۷)، حقوق اساسی تطبیقی، تبریز: نشر آیدین.

ب. مقالات

۱۲. باقری زرین قبایی، حسین؛ توسلی نائینی، منوچهر، (۱۳۹۶)، جایگاه تصویب بودجه در





نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تفکیک قوا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۹، شماره ۵۷.

۱۳. حسینی، سید جهانگیری؛ پروین، خیرالله؛ یاوری، اسدالله، (۱۴۰۱)، نظارت پارلمان بر اجرای بودجه در نظام حقوقی ایران و فرانسه، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه‌نامه جستارهای نوین فقه و حقوق.

۱۴. حسینی، سید محمدرضا؛ فاتحی زاده، محسن؛ تهرانی، ایمان، (۱۳۹۱)، اصل (۷۵) قانون اساسی و اختیارات قوه مقننه در بودجه‌ریزی، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۲، شماره ۷۰.

۱۵. دین‌محمدی، مصطفی؛ بخشی بالایی، ساجده، (۱۴۰۰)، اقتصاد سیاسی بودجه در مجلس: تحلیل بر الگوی تغییرات لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۲۶، شماره ۸۸.

۱۶. راسخ، محمد؛ رضایی، مهدی، (۱۳۹۱)، لایحه قوه قانونگذاری در بودجه‌ریزی دولتی (مورد پژوهی کنگره ایالات متحده آمریکا)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی.

۱۷. رستمی، ولی؛برزگر خسروی، محمد، (۱۳۹۳)، ماهیت حقوقی بودجه (سند یا قانون؟)، پژوهش‌نامه اسلامی سال پانزدهم، شماره ۲.

۱۸. رشیدی، فرود؛ رنجبر، احمدی، (۱۳۹۵)، بررسی اصول و قواعد حاکم بر بودجه‌ریزی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۹.

۱۹. مقیمی، سید محمد؛ پورعزت، علی‌اصغر؛ دانایی‌فرد، حسن؛ احمدی، حیدر، (۱۳۹۵)، تبیین عناصر حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری نظام بودجه‌ریزی کشور، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱.

۲۰. نجفی‌خواه، محسن؛برزگر خسروی، محمد، (۱۳۹۳)، حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در اصلاح لایحه بودجه، فصلنامه علمی-پژوهشی، برنامه‌ریزی و بودجه، سال، ۱۹، شماره ۲.

ج) پایان نامه

۲۱. انوری، سید حسن، (۱۳۹۷)، *بودجه افغانستان در پرتو اصول بودجه‌ای سال ۱۳۹۷*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد.

د) قوانین

۲۲. قانون اساسی افغانستان مصوب لوی جرگه ۱۳۸۲.
۲۳. قانون اداره امور مالی و مصارف عامه، مصوب شورای ملی ۱۳۸۴.
۲۴. رهنمود طی مراحل قانون گذاری و بودجه ملی در ولسی جرگه شورای ملی افغانستان.



فقر و اقتصاد در قرآن^۱

مایکل بونر^۲ | ترجمه: عبدالهادی فیاض

چکیده

این مقاله به بررسی آموزه‌های قرآن در مورد فقر و اقتصاد می‌پردازد و نقش آن را در برقراری نظم اجتماعی جدید که انصاف برای فقرا را در اولویت قرار می‌دهد، برجسته می‌کند. قرآن طرحی برای اقدامات اقتصادی ارائه می‌دهد که بر خیریه، توزیع ثروت و رفتار اخلاقی با فقرا تأکید دارد. این مقاله به بررسی زمینه تاریخی این آموزه‌ها می‌پردازد و به تأثیر شیوه‌های باستانی متأخر و سنت‌های عربی پیش از اسلام اشاره می‌کند. محور چشم انداز اقتصادی قرآن، مفهوم «اقتصاد فقر» است که در آن ثروت از طریق صدقه (صدقه و زکات) تطهیر و به گردش در می‌آید. قرآن بین صدقه اختیاری (صدقه) و صدقه واجب (زکات) تمایز چندانی قائل نشده است، اگرچه هم خطوط بین آنها اغلب مبهم است. صدقه وسیله تقلید از بخشش خداوند و تطهیر مال است. قرآن گروه‌های خاصی را به عنوان دریافت کنندگان صدقه معرفی می‌کند، از جمله فقرا (فقرا و مساکین)، یتیمان، مسافران و بدهکاران. فقرا با تمرکز بر مراقبت از آنها و توزیع مجدد ثروت، محور چشم انداز اقتصادی قرآنی هستند. مفهوم مازاد (فضل خدا) مؤمنان را تشویق می‌کند تا سخاوت خدا را با بخشش به دیگران جبران کنند، درحالی که ایده حق (حق/دعا/تکلیف) مالی بر الزام به توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد. اصول اقتصاد قرآنی بر ساختار مالی و نظامی اولیه اسلامی تأثیر گذاشت که بر مفاهیم هدیه (فیء) و کمک هزینه (عطا) استوار بود. آموزه‌های قرآن در مورد فقر و انفاق نقشی دگرگون کننده در شکل دادن به جامعه اسلامی، چه در عربستان و چه در خارج از آن، ایفا کرد و میراثی ماندگار بر رویه‌های اقتصادی و اجتماعی بر جای گذاشت. [مترجم]

کلیدواژه‌ها: فقر در قرآن، اقتصاد اسلامی، زکات و صدقه، عدالت اقتصادی، توزیع ثروت [مترجم]

۱. این مقاله با عنوان «Poverty and Economics in the Qur'an» در «The Journal of Interdisciplinary History» (مجله تاریخ بین‌رشته‌ای)، MIT دانشگاه فناوری ماساچوست آمریکا، دوره ۳۵، شماره ۳، با موضوع فقر و نیکوکاری: یهودیت، مسیحیت و اسلام، صفحات ۳۹۱ تا ۴۰۶ در زمستان ۲۰۰۵ (خ ۱۳۸۳) چاپ شده است. دسترسی و دریافت مقاله از سایت Jstor و لینک زیر انجام شده است: Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/3657031>

۲. مایکل بونر Michael Bonner (۱۹۵۲-۲۵ می ۲۰۱۹م) (۱۳۳۱ تا ۴ جوزا ۱۳۹۸خ) محقق آمریکایی-یهودی در مطالعات اسلامی بود. او دکترای خود را در مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرینستون در سال ۱۹۸۷م/۱۳۶۶خ دریافت کرد. بونر در دانشگاه میشیگان (شهران ارب) استاد تاریخ اسلام قرون وسطی و نیز رئیس بخش مطالعات خاور نزدیک (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹م) (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸خ) بود. او ویراستار همکار در کتاب «Poverty and Charity in Middle Eastern Contexts: فقر و خیریه در مطالعات خاورمیانه» (Albany, 2003) چاپ آلبانی، ۲۰۰۳م) نیز بوده است. او علاوه بر تک نگاری‌هایش، ده‌ها مقاله و ترجمه علمی منتشر کرد.



مقدمه^۱

قرآن چشم‌اندازی را برای جامعه‌ای عادلانه‌تر ترسیم می‌کند که در آن بهتر از گذشته با فقرا رفتار شود. با این حال، درک بافت تاریخی این چشم‌انداز این سؤال‌ها را ایجاد می‌کند: «فقرا» ذکر شده در قرآن چه کسانی بودند و چه کسانی به آن‌ها کمک کردند و چه اتفاقی برای آن‌ها افتاد». پاسخ به این پرسش‌ها دشوار است؛ زیرا به غیر از خود قرآن، اسناد مکتوب کمی از عربستان قرن هفتم (میلادی/ قرن اول قمری) وجود دارد. بیشتر آنچه در مورد محمد [ص] و جامعه مسلمانان اولیه می‌دانیم، از روایت‌هایی است که در قرن هشتم (قرن دوم قمری) یا بعد از آن نوشته شده است که می‌تواند ناقص یا غیرقابل اعتماد باشد، به خصوص در مورد فقر. این منابع اغلب منعکس‌کننده نگرانی‌ها و بحث‌های زمان‌های بعد، مانند بغداد قرن نهم، به جای واقعیت‌های مکه و مدینه قرن هفتم است. این روایت‌ها ترکیبی از دوره‌های زمانی جذاب؛ اما پیچیده است و محققان هنوز در حال بررسی آن‌ها هستند.

درحالی‌که هیچ چارچوب توافق‌شده‌ای برای درک فقر در اوایل اسلام وجود ندارد، بررسی توضیحات احتمالی همچنان مفید است. از آنجا که اسلام در مناطقی که زمانی توسط امپراتوری روم اداره می‌شد، گسترش یافت، احتمالاً برخی از ایده‌ها و اعمال مربوط به فقر را از اواخر دوران باستان به ارث برده که پژوهش درباره آن را براون، پاتلجین^۲ و دیگران انجام داده‌اند. درک دیدگاه‌های اولیه اسلامی در مورد فقر مستلزم بررسی آنچه پیش از این در عربستان و مناطق مجاور بود و اینکه چگونه سنت‌های مذهبی و فرهنگی متفاوت بر یکدیگر تأثیر گذاشتند. فقر در اوایل اسلام موضوع مهمی بود و بسیاری از تعالیم و اعمال آن را شکل داد.

اما قرآن چگونه؟ چرا بسیاری از مردم آن را قانع‌کننده می‌دانستند، مخصوصاً وقتی صحبت از فقر و فقرا می‌شد؟ قرآن فقط راهنمایی در مورد کمک به فقرا ارائه نمی‌دهد، بلکه

۱. به دلیل آنکه متن اصلی این مقاله، برای ارجاع‌دهی از روش پاورقی استفاده کرده و تمام ارجاعات هم حاوی توضیحاتی است که باید در ترجمه هم بیاید. بنابراین، سبک ارجاع‌دهی، برخلاف آیین‌نامه این نشریه، تغییری نکرده است (ویراستار).
۳.۲. اولین پاتلجین (Évelyne Patlagean) (۱۹۳۲ تا ۲۰۰۸ م/ ۱۳۱۱ تا ۱۳۸۷ خ) مورخ فرانسوی و متخصص بیزانس (امپراتوری روم شرقی) بود که روی مسائل فقر، رفاه، جنسیت، خانواده و زنان در بیزانس کار می‌کرد. پیتر براون (Peter Brown) متولد ۱۹۳۵ م/ ۱۳۲۴ خ، مورخ و استاد دانشگاه پرینستون و ایرلندی است. جدیدترین تحقیقات او بر ثروت و فقر در اواخر دوران باستان، به ویژه در مطالعات نویسندگان مسیحی متمرکز است.



بیشتر تفکر و رفتار پیرامون فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهد. در اوایل اسلام، فقر و اقتصاد ارتباط تنگاتنگی داشتند. نوعی «اقتصاد فقر»^۱ در نظریه و عمل اسلامی مرکزیت داشت، حتی پس از آن که ایده‌های ارسطو درباره اقتصاد در اوایل قرن دهم دوباره کشف شد. این تمرکز بر فقر ادامه یافت تا اینکه دانشمندان بعدی مانند ابن تیمیه (متوفی ۱۳۲۸)، ابن خلدون (متوفی ۱۴۰۶) و مقریزی (متوفی ۱۴۴۲) درک اقتصاد را گسترش دادند.^۲

هسته اصلی این «اقتصاد فقر» یک «اقتصاد قرآنی» منحصر به فرد بود که حول محور این ایده می‌چرخید که دارایی از طریق خیریه به گردش درمی‌آید و پاک می‌شود. به تقلید از خداوند که روزی (رزق) و مازاد روزی (فضل) را بدون توقع چیزی هدیه می‌دهد، از مؤمنان انتظار می‌رفت که آزادانه و سخاوتمندانه به نیازمندان هدیه بدهند. این دیدگاه اسلامی در مورد انفاق و سخاوت - که بر تطهیر و گردش ثروت متمرکز بود - با ایده مسیحی مبنی بر همکاری/وابستگی متقابل پیوسته بین غنی و فقیر که در آن انفاق به عنوان ابراز عشق جامعه تلقی می‌شد، متفاوت بود.^۳

رویکرد رایج به مطالعه فقر در قرآن اغلب از دیدگاه منحصر به فردی که قبلاً بحث شد پیروی نمی‌کند. بیشتر محققان از قرآن برای آشنایی با جامعه مسلمانان اولیه در عربستان استفاده می‌کنند. برخی معتقدند فقرا نقش مهمی در این تاریخ داشتند، در حالی که برخی

۱. Economy of Poverty. ایده «اقتصاد فقر»، نخستین بار از سوی Giacomo Todeschini جیانکومو تودسچینی برای اروپای سده‌های میانی (قرون وسطی) مطرح شده است، جیانکومو (متولد ۱۹۵۰ م/ ۱۳۲۹ خ) تاریخ‌نگار ایتالیایی و متخصص در تاریخ تفکر اقتصادی است. او در زمینه‌های روابط یهودی مسیحی و دیگر موضوعات تاریخی نیز تحقیق کرده است. مقاله‌اش به نام «Quantum valet? Alle origini di un'economia della povertà» چه قیمتی دارد؟ خاستگاه اقتصاد فقر» در بولتن Istituto Storico Italiano per il Medioevo مؤسسه تاریخ ایتالیایی در قرون وسطی، سال (۱۹۹۲ م)، صفحات ۱۷۳-۲۳۴ را ببینید. همچنین به اثر دیگر او Il prezzo della salvezza. Lessici medievali del pensiero economico: بهای بهشت؛ واژگان قرون وسطی اندیشه اقتصادی (رم، ۱۹۹۴ م). مراجعه کنید.

۲. مایکل بونر، مقاله «The Kitab al-kasb Attributed to al-Shaybani: Poverty, Surplus, and the Cir-collation of Wealth» در مجله American Oriental Society انجمن شرق‌شناسی آمریکا، سال (۲۰۰۱)، صفحات ۴۱۰-۴۲۷.

۳. مترجم: محمد بن حسن شببانی (۱۳۲ تا ۱۸۹ ق)، معاصر با ابوحنیفه، از نخستین عالمان مذهب حنفی‌ها و دارای آثار متعدد در فقه، حدیث، شعر، ادبیات عرب و علوم قرآنی بود.

۴. Natalie Zemon Davis, "Conclusion," in Bonner, Mine Ener, and Amy Singer (eds.), Poverty and Charity in Middle Eastern Contexts: ناتالی زیمون دیویس، بخش «نتیجه‌گیری»، در کتاب «فقر و خیریه در مطالعات خاورمیانه»، صفحات ۳۱۶-۳۱۷. برای بررسی مفهوم گردش به عنوان «بازگشت ثروت» به بونر، مقاله «Poverty and Charity in the Rise of Islam: فقر و خیریه در صدر اسلام»، صفحات ۱۳-۱۵ مراجعه کنید.

دیگر آن‌ها را فقط بخشی از پیشینه جامعه می‌دانند. محققان علاقه‌مند به ارتباطات زبانی اغلب به پیوندهایی بین آموزه‌های قرآن در مورد فقر و سنت‌های دینی قبلی اشاره می‌کنند. به‌طور کلی، قرآن به‌عنوان شاهی بر گذار جامعه از شیوه زندگی ایلی و عشایری به شهری و سکونت‌گاه تلقی می‌شود. در این زمینه، برخی از محققین فقر را عامل مهمی در این تحول می‌دانند.^۱

زمینه پژوهشی این مقاله نیز به مشکل روایتی یادشده دچار است. قرآن در عین اینکه یک سند مهم تاریخی است، یک متن دستوری است و روایت مستمری ارائه نمی‌دهد. اطلاعات قرآنی مربوط به جامعه مؤمنان و محمد [ص] در ساختار یک داستان جامع و کافی جمع نمی‌شود. برای پر کردن این شکاف، محققان به دیگر متون اولیه اسلامی، مانند سیره (زندگی‌نامه محمد [ص])، مغازی (گزارش‌های لشکرکشی‌های اولیه مسلمانان)، تفسیر و حدیث (گزارش زبانی و نوشتاری سخنان و کردار محمد [ص]) تکیه می‌کنند. این متون روایی محتوای کافی را در شاخه‌های مختلف مانند اسباب و شرایط نزول، فراهم می‌کند.^۲

اما تفاوت محسوسی بین قرآن و این روایات وجود دارد. درحالی‌که قرآن مکرراً بر توجه به فقر تأکید دارد، سیره و مغازی به‌ندرت چنین می‌کند. این تفاوت قابل توجه است و نشان می‌دهد که دغدغه‌های قرآن ممکن است با مواد روایی و تفسیری گسترده‌تر هم‌خوانی نداشته باشد. در نتیجه، درک زمینه تاریخی آموزه‌های قرآن در مورد فقر می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. البته این نکته به این معنا نیست که آموزه‌های قرآنی درباره فقر فاقد معنا و اهمیت تاریخی است؛ برعکس، آن‌ها برای درک اقتصاد اوایل اسلام از هر لحاظ حیاتی است. برای درک کامل این آموزه‌ها، محققان باید بر خود قرآن تمرکز کنند و تنها گهگاه به

1. Bonner, "Poverty and Charity," 15-18.

۲. درباره ادبیات سیره و مغازی، به مقاله Martin Hinds «Martin Hinds تحت عنوان «Maghazi' and 'Sira' in Early Islamic Scholarship: مغازی و سیره در پژوهش‌های اولیه اسلامی» مراجعه کنید که در کتاب In La vie du prophete Mahomet: colloque de Strasbourg زندگی حضرت محمد: کنفرانس استراسبورگ، اکتبر ۱۹۸۰ م (و پاریس، ۱۹۸۳)، صفحات ۵۷-۶۶ منتشر شده و همچنین در کتاب «Studies in Early Islamic History: مطالعاتی در تاریخ اسلام اولیه» به‌ویراستاری. Jere Bacharach, Lawrence I. Conrad, and Patricia Crone جیره باچاراچ، لارنس آی. کنراد و پاتریشیا کرون (پرینستون، ۱۹۹۶)، صفحات ۱۸۸-۱۹۸ باز نشر شده است. همچنین مقاله دیگر هینز با عنوان «Maghazi: مغازی» در The Encyclopaedia of Islam دایرة المعارف اسلام (لیدن، ۱۹۶۰-۲۰۰۲) به‌ویراستاری Thomas H. Weir and Aaron Zysow توماس ای. ویر و هارون زیسو، جلد ۷ (۵)، صفحات ۱۱۶۱-۱۱۶۴ را ببینید. در همین زمینه، به مقاله Wim Raven ویم راون با عنوان «Sira: سیره» در جلد IX (۹)، صفحات ۶۶۰ تا ۶۶۳ مراجعه کنید.



روایات پیرامون مراجعه کنند.^۱

پیش از کاوش در دیدگاه قرآن در مورد فقر، نگاهی به چگونگی ترسیم فقر و فقرا در زندگی‌نامه‌های اولیه اسلامی (سیره) و گزارش‌های لشکرکشی‌های محمد [ص] (مغازی) مفید است. محمد [ص]، یتیمی که در اوایل زندگی‌اش سختی را تجربه کرد، گروه متنوعی از پیروان را در مکه جذب کرد که بسیاری از آن‌ها فقیر بودند. دریافت‌های اولیه او که در سوره‌های مکی قرآن یافت می‌شود، به‌شدت بر سخاوت و بخشش به فقرا متمرکز است. روایت‌های سیره و مغازی محتوای کمی درباره نزول این وحی‌ها دارد.

فقرا در روایت‌های مربوط به پایان زندگی حضرت محمد [ص] به‌طور برجسته‌ای حضور دارند. در آخرین لشکرکشی‌های نظامی او، به‌ویژه در جریان حمله به تبوک در سال ۶۳۰ م/۱۰ ق، بسیاری از اعضای جامعه توانایی تأمین حیوانات سواری، سلاح‌ها و لوازم موردنیاز را نداشتند. افراد مختلف به‌ویژه ثروتمندان به آن‌ها اسلحه، مرکب و تدارکات اهدا کردند. سیره و مغازی به تبیین آیات قرآن (به‌ویژه در سوره‌های ۸ و ۹) کمک می‌کند که بر مشارکت در جنگ و حمایت از کسانی که می‌جنگند تأکید می‌کند.^۲

آخرین اشاره به فقرا در روایت‌های سیره و مغازی مربوط به زکات است، یعنی صدقه نهاده‌شده یا اجباری که بلافاصله پس از هجرت محمد [ص]، از مکه به مدینه در سال ۶۲۲ م/۱ ق به جامعه نوپای مسلمانان حکم شد. با این حال، این روایت‌ها به زکات چندان توجهی نکرده تا حدود هفت یا هشت سال بعد که درباره مأموران جمع‌آوری زکات که به قبیله‌های مختلف عربستان فرستاده شدند و مفصل درباره آن صحبت کرده‌اند. پس از درگذشت محمد [ص] در ۶۳۲ م/۱۱ ق، زکات، بهانه یا عاملی برای شورش و جنگ‌های رده یا «ارتداد» در سراسر شبه‌جزیره عربستان شد؛ جایی که بیشتر آنان به‌تازگی وارد جمع پیروان اسلام شده بودند. با این حال، دولت نوپای اسلامی از این شورش‌ها جان سالم به در

۱. به‌عنوان مثال این تفاوت به این تحقیق درباره موضوع بت‌پرستی پیش از اسلام مراجعه کنید: Gerald R. Hawting, "The Idea of: Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History" (Cambridge ۱۹۹۹). جرال آر هاوتینگ. ایده بت‌پرستی و ظهور اسلام: از جدل تا تاریخ (کمبریج، ۱۹۹۹ م).

مترجم: هاوتینگ (زاده ۱۹۴۴ م/۱۳۲۳ خ) تاریخ‌دان و اسلام‌شناس بریتانیایی است.

۲. در دسترس‌ترین نسخه انگلیسی این روایات عربی Alfred Guillaume, The Life of Muhammad: A Translation of Ibn Ishaq's (زندگی محمد: ترجمه سیره رسول الله، اثر ابن اسحاق) (آکسفورد، ۱۹۵۵ م) است. برای موضوع فقرا در جامعه صدر اسلام به‌خصوص قضیه جنگ تبوک در این منبع، صفحات ۱۴۳ تا ۱۴۵ و ۶۰۲ تا ۶۱۴ مراجعه کنید.



برد و زکات به عنوان یکی از وظایف دینی اساسی برای هر مسلمان تبدیل شد.^۱

اگر زکات آن قدر مهم بود که باعث جنگ شد، چرا سیره و مغازی تا قبل از «رده» درباره آن کم گفته‌اند؟ پژوهش‌گران امروزی به طور معمول به دنبال پاسخ‌ها در متن قرآن بوده‌اند و از تفسیر قرآن و احادیث، تنها به عنوان منابع کمکی استفاده کرده‌اند. همین رویکرد در مورد نظام رفاهی و مالی مدینه از هجرت تا مرگ محمد [ص] (۶۲۲-۶۳۲ م/ ۱ تا ۱۱ ق) نیز به کار رفته است: تحقیقات مدرن بیشتر بر روی متن قرآن تمرکز داشته‌اند تا روایت‌ها و کمتر به سیره و مغازی و بیشتر به قرآن پرداخته‌اند.

۱. صدقه / زکات

بر اساس اجماع علمی و عمومی، متن قرآن؛ یعنی وحی‌های محمد [ص]، با مرگ او در سال ۶۳۲ م/ ۱۱ ق. پایان یافت. این وحی‌ها جمع‌آوری شد - فرایندی که همیشه موضوع مناقشه بوده - و بر اساس اکثر گزارش‌ها تا پایان خلافت عثمان (۶۵۶ م/ ۳۵ ق) کامل شد. تا آن زمان، اعمال خیریه به دو بخش تقسیم شده بود: صدقه که به خیریه داوطلبانه اشاره داشت و زکات که به خیریه اجباری اشاره می‌کرد. صدقه و زکات چارچوب اصلی نظریه و عمل خیریه را تشکیل می‌داد که دگرگونی‌هایی پیدا کرد و سپس وقف یا بنیاد نیکوکارانه به آن اضافه شد. در پژوهش‌های مدرن، عمدتاً با رویکرد زبان‌شناختی، بررسی صدقه و زکات و تفاوت‌های آن‌ها، رویکرد اصلی برای مطالعه فقر و نیازمندان در قرآن بوده است.^۲

در قرآن، تمایز صدقه (صدقه داوطلبانه) و زکات (مالیات صدقه واجب) بسیار کمتر از آن چیزی است که بعداً در شریعت و عمل اسلامی مشخص شد. به عنوان مثال، یک

۱. (Elias Shoufani, Al-Riddah and the Muslim Conquest of Arabia Toronto, 1973): الیاس شوفانی، رده و فتح مسلمانان (تورنتو، ۱۹۷۳ م)؛ (William Montgomery Watt, Muhammad at Medina Oxford, 1956): ویلیام مونتگومری وات، محمد در مدینه (آکسفورد، ۱۹۵۶)، صفحات ۲۵۰ تا ۲۶۰.

مترجم: الیاس شوفانی (۱۹۳۲-۲۰۱۳ م/ ۱۳۱۱ تا ۱۳۹۲ خ)، مورخ و نویسنده فلسطینی است. ویلیام مونتگومری وات (۱۹۰۹ تا ۲۰۰۶ م/ ۱۲۸۸ تا ۱۳۸۵ خ) استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند، از برجسته‌ترین مفسران غیرمسلمان اسلام در غرب و با تأثیر بسیار بر مطالعات اسلامی بود. حوزه تخصصی مطالعات وی اندیشه‌های محمد غزالی بود. خیابانی در کابل به اسم این پژوهشگر نام‌گذاری شده است.

2. Suleiman Bashear, "On the Origins and Development of the Meaning of Zakat in Early Islam," Arabica, «درباره»، ۱۹۹۳ م: (۴۰) XL منشأ و توسعه معنای زکات در اسلام اولیه»، دانشنامه عربیکا، جلد هارون زیسو، مدخل Zysow Aaron صفحات ۸۴ تا ۱۱۳، ۱۹۹۳ م: (۴۰) XL منشأ و توسعه معنای زکات در اسلام اولیه»، دانشنامه عربیکا، جلد صفحات ۴۰۷ و ۴۰۸، (۶) XI صفحات ۷۰۸ تا ۷۱۶ و مدخل «زکات» جلد، VIII (۸) «صدقه» جلد



آیه (توبه: ۶۰) زکات را به عنوان صدقات (به صورت جمع) معرفی می کند. آیه دیگری (آل عمران: ۳۹) زکات را با دادن اختیاری پیوند می دهد. موارد دیگر نیز به نظر می رسد مبهم باشد. برای مثال در این آیه: «اگر صدقات را آشکار دهید، خوب است، ولی اگر آن را پنهان کرده و به فقرا دهید، برای شما بهتر است» (بقره: ۲۷۱). کلمات خاص استفاده شده (صدقه یا زکات) به اندازه تأکید قرآن بر اختیاری بودن انفاق و شرایطی که در آن انجام می شود، مهم نیست. در قرآن، تصور اجبار به انفاق تقریباً با روحیه صدقه در تضاد است. به عنوان مثال، قرآن (توبه: ۷۹) نسبت به تمسخر «مؤمنانی که تلاش کردند، ولی چیزی برای صدقه دادن ندارند»، هشدار می دهد. رویکرد قرآن به انفاق و صدقه، به جای تمرکز دقیق بر تفاوت انفاق اختیاری و اجباری چیزی که قوانین اسلامی متأخر انجام می دهد بر ایده های عمیق تر؛ یعنی «تطهیر» مال و مفهوم «بازگشت» تأکید می کند که برای درک آموزه های قرآن در مورد انفاق اساسی تر است.

۲. پالایش یا تطهیر اموال

در سوره های اولیه قرآن (سوره های مکی)، اطعام به فقرا به عنوان صفت تعیین کننده صالحان به شمار می آید که «اصحاب الیمین: یاران دست راست» نامیده می شوند (بلد: ۹۰ - ۲۰). کسانی که روز قیامت را رد می کنند، با افرادی مقایسه می شوند که یتیمان را نادیده می گیرند و از اطعام فقرا خودداری می کنند (معاون: ۳). به همین ترتیب، کسانی که به خدا ایمان ندارند و در اصرار به اطعام فقرا کوتاهی می کنند، با عذاب مواجه می شوند (حاقه: ۳۴). امتناع از کمک به فقرا اغلب به عشق بیش از حد به مال مرتبط است: «نه این شماست که یتیمان را گرامی نمی دارید و به اطعام فقرا ترغیب نمی کنید و با حرص میراث را می بلعید و به ثروت بسیار عشق می ورزید» (فجر: ۱۷-۲۰). از سوی دیگر، صالحان کسانی هستند که «با وجود اینکه غذا برایشان عزیز است، آن را به فقیر (مسکین)، یتیم و اسیر می دهند» (دھر: ۸).^۱

اطعام فقرا به عنوان کفاره (پاک شدن از) گناهان نیز ذکر شده است. هر کس عمداً در حالت احرام یا در حرم شکار کند، باید با قربانی کردن یک حیوان اهلی (حلال گوشت) در

۱. درباره «علیٰ خُبّه» رجوع کنید به آیه ۲: ۱۷۷ (بقره). در آیه ۸: ۷۶ (دھر) چندین مفسر معتبر از جمله طبری موافقند که این اصطلاح به معنای «حتی زمانی که آن را می خواهند یا با وجود دوست داشتن غذا» است. چندین مفسر معاصر آن را به اشتباه این گونه ترجمه کرده اند: «از عشق شان به خدا».



این آیه به عنوان هدیه‌ای تعبیر می‌کردند که در ازای آن، انتظار دریافت بیشتر داده می‌شد؛ عملی که در عربستان پیش از اسلام رایج بود. مفسر اندلسی، ابن قُربُطی (درگذشته ۱۲۷۲ م/۶۷۱ ق) در این آیه به ابهام موجود درباره ربا بین واژگان «بیع» و «هبه» اشاره کرده است.^۱ آیه کلیدی دیگر در مورد گردش اموال آیه ۷ سوره حشر است: «آنچه خداوند از مردم شهرها به پیامبرش عطا کرده است برای خدا و پیامبر او و برای نزدیکان (که معمولاً به معنای وابستگان پیامبر است) و برای یتیمان و مسکینان و مسافران است تا مبادا این مال تنها در میان ثروتمندان شما بچرخد». این احتمالاً واضح‌ترین بیان در قرآن درباره گردش مناسب اموال و تقسیم صحیح ثروت است. عبارت «ما فاء الله» به معنای «آنچه خداوند برگردانده»، نشان‌دهنده احساس توزیع مجدد و اشاره به بازگرداندن مال به جامعه است. هدف این است که از گردش ثروت فقط میان ثروتمندان جلوگیری شود، نکته‌ای که در بسیاری از احادیث (سخنان پیامبر) تقویت شده است.^۲

مفسران قرآن سه توضیح برای این آیه ارائه کرده‌اند. نخست، ممکن است این آیه به پیامبر اشاره داشته باشد. این تفسیر مبتنی بر یک روایت است: «محمد [ص] به اموال کسانی دست یافت که قبلاً متعلق به قبایل یهودی بنی قریظه و قین‌قاع بود و این آیه او را در مورد چگونگی تصرف این اموال راهنمایی می‌کند. دومین تفسیر، به طور معقولی، بر این نکته تأکید دارد که این آیه تعیین می‌کند که غنائم جنگ چگونه باید بین دسته‌های نام‌برده (خدا، پیامبر، نزدیکان، یتیمان، فقرا و مسافران) تقسیم شود. سومین تفسیر این است که این آیه به درآمدهای حاصل از مالیات‌های پرداختی توسط غیرمسلمانان تحت حمایت (اهل ذمه) که در حکومت اسلام زندگی می‌کنند، اشاره دارد. این تفسیر منعکس‌کننده تکامل تفکر

۱. ابراهیم نخعی (متوفی ۷۱۵ م/۹۶ ق) در تفسیر جامع البیان، نوشته طبری، شماره ۲۱۳۱۷ نقل کرده (اشاره به آیه قرآن ۳۰: ۳۹) «این در جاهلیت [عرب جاهلیت] اتفاق می‌افتاد که یکی از عرب‌ها به یکی از خویشاوندان خود مالی می‌داد تا مالش افزون شود. "دیگر مفسران اولیه تعاریف مختلفی از ربا ارائه می‌کنند: سعید بن جبیر (جامع البیان، شماره ۲۱۳۰۸) آن را هدیه‌ای می‌نامد که داده می‌شود تا در مقابلش پاداشی گرفته شود؛ مجاهد (جامع البیان، شماره ۲۱۳۰۹) آن را با عنوان پیشکش عادی یا عمومی توضیح می‌دهد. نزدیک‌تر به معنای آشناتر «ربا»، تعبیر مجاهد از ریاست: «وقتی مردی پول یا مال خود را می‌دهد و می‌خواهد بیشتر از آن به دست آورد» (جامع البیان، شماره ۲۱۳۱۰). با این حال، اکثر مفسران، ربا را هدیه‌ای می‌دانند که به امید هدیه‌ای بزرگتر در ازای آن داده می‌شود. مایکل بونر، 2. Bonner, "Definitions of Poverty and the Rise of the Muslim Urban Poor," Journal of the Royal Asiatic Society, VI: idem, "Poverty and Charity," مجله انجمن سلطنتی آسیایی، جلد ۶، ۱۹۹۶ م، ص ۳۳۹ تا ۳۴۱؛ همان، «فقر و خیریه در مطالعات خاورمیانه»، ص ۱۳ تا ۱۵. «ما آفاء» و «فی» به عنوان «بازگشت» در ادبیات تفسیری و حقوقی شناخته می‌شود. «طبری در این آیه آن را چنین تعریف می‌کند: «آنچه را که خداوند به رسولش برگردانده است».

حقوقی اسلامی در مورد نظام اراضی و به‌ویژه اصل مالیاتی مبتنی بر این آیه از قرآن است که به نام فِئَء شناخته می‌شود. در همه حال، هیچ‌کس این آیه را به صدقه و زکات تفسیر نمی‌کند. در عوض، تمرکز قرآن را بر گردش عادلانه و توزیع فراگیر ثروت برجسته می‌کند.^۱

۴. دریافت‌کنندگان زکات

قرآن فقرا (مساکین) را تقریباً در تمام فهرست‌های کسانی که باید کمک دریافت کنند، قرار داده است. یکی از فهرست‌های معروف در این زمینه آیه ۴۱ سوره انفال است که می‌گوید: «و بدانید که در مورد هر چیزی که به‌عنوان غنیمت می‌گیرید، یک‌پنجم آن برای خدا، برای پیامبر، برای نزدیکان [به پیامبر]، برای یتیمان، برای فقرا (المساکین) و برای مسافر (ابن السبیل) است». این دریافت‌کنندگان همان‌ها هستند که در آیه ۷ سوره حشر نیز ذکر شده‌اند. اگرچه این آیه در مورد تقسیم غنائم است. برخی از مفسرانی که به این تفسیر استناد کرده‌اند، ادعا کردند که آیه انفال، آیه حشر را نسخ کرده است. حکم جدید و قطعی این بود مجاهدان چهار پنجم غنائم را به دست می‌آورند، درحالی‌که مابقی بین گروه‌های فهرست شده تقسیم می‌شود.

فهرست معروف دیگری در آیه ۶۰ سوره توبه دریافت‌کنندگان زکات را معرفی کرده است: «زکات (الصدقات) برای نیازمندان و فقرا (للفقراء والمساکین) است، برای کسانی که مسئولیت اداره آن‌ها را دارند (العاملین علیها)، برای کسانی که دل‌هایشان [باید] آشتی داده شود (المؤلفة قلوبهم)، برای بردگان، برای بدهکاران و برای [جهاد] در راه خدا و برای مسافر (ابن السبیل): دستوری از جانب خدا و خدا دانا و عادل است». در این فهرست خدا و پیامبر قرار داده نشده‌اند و دو دسته مشترک با دو فهرست قبلی (فقرا و مسافران) دارد؛ اما کامل‌تر است. مفسرین و فقها تلاش زیادی کردند تا تفاوت بین «نیازمند» و «فقیر»، «فقراء» و «مساکین» را توضیح دهند. یکی از دیدگاه‌های محبوب این است که «فقراء» به معنای فقیران منفعل؛ یعنی کسانی که چیزی نمی‌طلبند، است. درحالی‌که «مساکین» به افرادی اشاره دارد که درخواست کمک می‌کنند. دیدگاه دیگری وجود دارد که «فقراء» به

۱. رجوع کنید به - Frede Lokkegaard, "Fay," EI2, II, 869-870; Untersuchungen einigen wichtigen bodenrechtlichen Kon-sequenzen der islamischen Eroberungsbewegung; مقاله «فیء» نوشته فرد لوکگارد در کتاب «بررسی برخی از پیامدهای مهم قانون زمین در فتوحات مسلمانان»، بخش ۱۲، جلد ۲، صفحات ۸۶۹ و ۸۷۰.



کسانی اشاره دارد که بیمار یا ضعیف هستند، درحالی که «مساکین» به افرادی که از نظر جسمی سالم هستند اشاره دارد. هم‌چنین ممکن است این دو واژه به یک مفهوم اشاره و همدیگر را تأکید کند. این فهرست یک مدیر یا جمع‌آوری‌کننده زکات را نام می‌برد که نشان‌دهنده وجود یک سیستم سازمان‌یافته برای جمع‌آوری زکات است. گروه «کسانی که دل‌هایشان باید آشتی داده شود» یک دسته آشنا در روایت‌هاست. حتی با وجود اینکه روایت‌ها در اینجا نادیده گرفته شود، این دسته به‌طور کلی معنادار است. ادبیات تفسیری، بردگان نام‌برده شده در این آیه را به‌عنوان «مکتوب» شناسانده؛ یعنی کسانی که آزادی خود را خریداری می‌کنند. بدهکاران نیز به نظر می‌رسد که یک دسته نسبتاً مشخص باشد. مورد «در راه خدا» نیز به‌طور کلی به معنای کسانی است که جهاد می‌کنند.^۱

فقرا در احکام ارث نیز ظاهر می‌شوند: «اما اگر در زمان تقسیم [ارث]، خویشاوندان (أُولُو الْقُرْبَى)، یتیمان و فقرا (المساکین) حاضر باشند، پس به آن‌ها (یا از آن [مال] به آن‌ها غذا دهید، «فَازُفُوهُمْ» و با آن‌ها به نیکی سخن بگویید» (نساء: ۸۶).. با وجود اینکه در اینجا به «خویشاوندان» به جای «خویشاوندان پیامبر» اشاره شده، سه دسته دریافت‌کننده اینجا همانند دو فهرست دریافت‌کنندگان غنیمت و زکات هستند.

فقرا در آیات دعوت به سخاوت، تقوا و دیگر فضایل نیز ظاهر می‌شوند:

۱. «خدا را عبادت کنید و هیچ‌چیزی را با او شریک نکنید و به والدین «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» و خویشاوندان «و بِذِي الْقُرْبَى» و یتیمان و فقرا «المساکین» و به مسافران که به شما مرتبط هستند و به آن‌هایی که نیستند «وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِي» و به همراه خود «و الصَّاحِبِ بِالْجَانِبِ» و به مسافر و به آنچه دست شما دارد [که به‌طور عمومی به‌عنوان برده‌های شما تفسیر می‌شود] نیکی کنید؛ خداوند متکبر و فخرکننده را دوست ندارد» (نساء: ۳۶).

۱. المؤلفه قلوبهم در روایات (نه مستقیماً در خود قرآن) افراد مخالف پیشین پیامبر اسلام بودند که تلاش می‌شد با دادن هدایایی که از غنائم جنگ حنین به دست آمده بود، مسلمان شوند. رجوع کنید به Guillaume, Life of Muhammad؛ گیوم، زندگی محمد، ص ۴۹۴ و ۴۹۵؛ watt, "mohammad at medina": مونتگمری وات، «محمد در مدینه»، صفحات ۷۳ تا ۷۵، ۳۴۸ تا ۳۵۳؛ همان نویسنده، "al-Mu'allafa Kulubuhum"; مدخل المؤلفه قلوبهم، بخش ۱۲، جلد ۷، ص ۲۵۴. درباره بردگان مکاتب ببینید، Robert Brunschvig, Irene Schneider, Schuldnechtschaft. درباره بدهکاران ببینید، "Abd"; و ابرت برانشواویگ، مدخل «عبد»، بخش ۱۲، جلد ۱، ص ۳۰. درباره بدهکاران ببینید، Irene Schneider, Schuldnechtschaft. «اسارت بدهی»، مطالعات اسلام اولیه. Untersuchungen zurfruhen Phase des islamischen؛ ایرنه اشنایدر، «اسارت بدهی»، مطالعات اسلام اولیه.

۲. «تقوا (البِرّ) در این نیست که رو به شرق و غرب بگردید، بلکه در این است که شخص به خدا، روز آخرت، فرشتگان، کتاب و پیامبران ایمان داشته باشد و مال خود را با وجود محبت به آن، به خویشاوندان (ذوی القربی)، یتیمان، فقرا، مسافران، گدایان «السائلین» و به بردگان دهد و نماز را برپا دارد و زکات را بپرداز» (بقره: ۱۷۷).

۳. «وقتی از شما می‌پرسند چه چیزی باید خرج کنند، بگویید: هر چه در صدقه «مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ» خرج کنید باید برای والدین، خویشاوندان «الأقربین»، یتیمان، فقرا «المساکین» و مسافران باشد. خداوند در مورد آنچه در صدقه می‌دهید، آگاه است» (بقره: ۲۱۵).

۴. «نباید کسانی از شما که در فراوانی و آسایش هستند «أُولَى الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ» قسم بخورند که به خویشاوندان «أُولَى الْقُرْبَى» و فقرا «المساکین» و به کسانی که به خاطر خدا مهاجرت کرده‌اند چیزی ندهند. باید ببخشند و عفو کنند «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا». آیا نمی‌خواهید خدا شما را ببخشد؟ خداوند بخشنده و مهربان است» (نور: ۲۲).

این فهرست‌ها و فهرست‌های دیگر دریافت‌کنندگان را برای چند نوع توزیع و کمک و نه تنها برای صدقه (وزکات) نام می‌برد. برخی از این دریافت‌کنندگان فقط یک بار ذکر شده و برخی دیگر مانند یتیمان، والدین و گدایان به طور مداوم تکرار می‌شوند. متداول‌ترین آن‌ها مثلث خویشاوندان، فقرا و مسافران است که نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد.

اجماع واضحی در میان مفسران وجود دارد که «ذو القربی» به معنای «خویشاوند» یا «فامیل» است. در آن چند آیه‌ای که پیامبر اکرم [ص] به عنوان یک دریافت‌کننده نام برده شده، «ذو القربی» درست بعد از او آمده است. تمامی مفسران اتفاق نظر دارند که این خویشاوند به طور خاص به معنای «خویشاوند پیامبر» است و مفسران برای تعیین دقیق این خویشاوند بسیار تلاش کرده‌اند. ادبیات تفسیری «ابن السبیل» را به معنای تحت‌اللفظی «پسر راه» به عنوان کسی که به طور تصادفی با او مواجه می‌شوید و در سختی است، تعریف می‌کند. برخی از مفسران مسکین را به عنوان مهمان تعریف می‌کنند که حق سه روز مهمان‌نوازی دارد و پس از آن پذیرایی او به صدقه یا کمک داوطلبانه تبدیل می‌شود. به هر حال ابن‌سبیل فرد ناشناسی است که مقابل خویشاوند است. هم خویشاوند و هم مسافر، طبقات فقرا هستند. پس «مسکین» کیست؟ شاید جایگاه او در وسط مثلث، او را



تعریف کند؛ مشخص نیست که آیا او شناخته شده است یا خیر.

ابهام مرتبط با «مسکین» به مراتب کمتر از اصطلاح رایج دیگر برای «فقیر و فقراء» در قرآن است. گاهی اوقات این اصطلاح به سادگی در تضاد با مفهوم «غنی: بی نیاز» ظاهر می شود. با این حال، غالباً «فقراء» در قرآن به خوبی در متن قرار گرفته اند. یکی از این زمینه ها، وضعیت انسانی به طور کلی است. در آیه ۱۵ سوره فاطر، خدا به بشریت می گوید: «ای مردم! شما به خدا نیاز (فقر) دارید؛ اما خدا بی نیاز و شایسته ستایش است.» محتوای آیه ۳۸ سوره محمد نیز به نظر مشابه است: «و خدا بی نیاز است، در حالی که شما نیازمندان (فقراء) هستید.» با این حال، در این آیه خدا به مؤمنان بخیل که از صرف مال خود در راه خدا دریغ می کنند، سرزنش می کند.

تعریف فقیر گاهی محدود می شود. در آیه ۸ سوره حشر که پیش تر هم آورده شد، افرادی که «آنچه خدا بر پیامبرش ارزانی داشته» را دریافت می کنند، به عنوان «فقیران مهاجر» که از خانه و اموال خود اخراج شده اند، تعریف می شوند و به دنبال نعمت و رضایت از پروردگار خود هستند. حتی بدون زمینه داستانی معروف که توسط کتاب های سیره و مغازی ارائه شده، این آیه از قرآن نشان می دهد که مهاجران فقیر، گروه مرکزی برای جامعه مسلمانان به شمار می رفت، حتی اگر دقیقاً در مرکز آن نبود. در آیات ۲۷۱ و ۲۷۳ سوره بقره، فقیران با کرامت و «شرمنده» ستوده می شوند و به خاطر همین فروتنی، شایسته دریافت هزینه های خیریه هستند. وقتی زائران قربانی خود را انجام می دهند، به آن ها توصیه می شود که «از آن بخورند و به فقیران نیازمند غذا بدهند» (حج: ۲۸).

دکوبرت «فقراء» در قرآن را به عنوان فقیران «درونی» و «مساکین» را به عنوان فقیران «بیرونی» توصیف کرده است. این تفاوت تعریف را ممکن و بهتر است این طور توصیف کنیم: «فقراء نیازمندانی که می شناسیم و به نوعی متعلق به ما هستند» و مساکین «نیازمندان مضطری که ممکن است بشناسیم یا نشناسیم». عدم قطعیت درباره مساکین تأثیر عمیقی در این مقاله بر آنچه «اقتصاد قرآنی» نامیده می شود، دارد.^۱

۱. Christian De cobert, Le mendiant et le combattant. L'institution de islam. «گدا و مجاهد در نهاد اسلام»؛

برای مطالعه بیشتر درباره مسکین غریب به تمثیل قرآنی باغ در آیه ۲۴: ۶۸ دقت کنید که صاحبان ظالم می گویند «در آن مسکین وارد نشود امروز» (اشاره دارد به حق فقیر در برداشت از محصولات باغ).



۵. مازاد و متقابل بودن

براو مان مضمونی تکراری در شعر عربی پیش از اسلام و داستان‌هایی که محتوای آن را فراهم می‌کند مشاهده کرد (مشابه اینکه چگونه روایات مغازی و سیره زمینه را به قرآن اضافه می‌کنند). این مضمون پیشنهاد می‌کند کسانی که دارایی اضافی دارند، باید مقداری یا تمام آن را ببخشند (عفو یا فضل). براو مان نیز ایده مشابهی را در قرآن برجسته کرده است. در برخی از آیات قرآن، «فضل» که اغلب به «فضل الهی» ترجمه می‌شود، می‌تواند به معنای «مال مازاد» نیز باشد (مثلاً سوره نور: ۲۲؛ سوره جمعه: ۹-۱۰؛ سوره حجرات: ۸). به عنوان مثال، قرآن (توبه: ۲۸) می‌فرماید: «خداوند شما را غنی می‌کند/ از فضل خود به شما مازاد می‌دهد».^۱

وقتی از فضل با این معنای دوگانه - فزون و فیض الهی - یاد می‌شود، قرآن غالباً مؤمنان را به بخشش سخاوتمندانه تشویق می‌کند که آینه سخاوت خداوند است تا برکات بیشتری نصیبشان شود: «خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید» (جمعه: ۱۰). همان‌طور که خداوند هدایایی را فراهم می‌کند که قابل جبران نیست (گاهی در قرآن با عنوان رزق، روزی، نامیده می‌شود)، مؤمنان تشویق می‌شوند که فداکارانه ببخشند. تنها آیه‌ای که در قرآن به فردی به عنوان فقیر اشاره می‌کند، سخن خداوند به پیامبر [ص] است: «آیا او را نیازمند نیافت و او را غنی نکرد؟ بنابراین یتیم را سخت نگیر، از سائل روی بر متاب و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن» (ضحی: ۸-۱۱). در هیچ جا قرآن به نظر نمی‌رسد که اجازه‌ای برای «هسته‌ای» از ثروت که از صدقه محفوظ باشد، قائل شود. بعدها، متون حدیثی و حقوق اسلامی مفاهیمی مانند «آستانه ثروت» یا «خط فقر» را برای هدایت انفاق و درعین حال وفادار به آموزه‌های قرآنی معرفی کردند.^۲

۶. حق / ادعا / وظیفه

عنصر دیگری که در اقتصاد قرآنی اهمیت دارد، مربوط به کلمه «حق» است که افزون بر حق به معنای «ادعا» و «وظیفه» بوده یا گاهی هر سه مفهوم را دارد. در قرآن، افراد دارای

۱. M. Bravmann, "The Surplus of Property: An Early Arab Social Concept," in The Spirital Background of Early Islam.

م. براومن، «مازاد دارایی: یک مفهوم اجتماعی عرب اولیه»، در پیشینه معنوی اسلام اولیه، (لیدن، ۱۹۷۲)، ص ۲۲۹ تا ۲۵۳.

۲. Bonner, "Definitions of Poverty," مایکل بونر، «تعریف فقر»، صفحات ۳۴۱ تا ۳۴۳.



حقوق هستند، همان طور که خدا دارای حق است. تا آنجا که به کمک‌ها و اعانات مربوط می‌شود، متعجبانه حق گاهی در خود شیء وجود دارد! بنابراین مؤمنان شامل «کسانی است که بر ثروت آنان حق شناخته شده‌ای برای سائل و محروم وجود دارد» (معارج: ۲۴-۲۵؛ واقعه: ۱۹).

عرب پیش از اسلام نیز دارای مفهوم مشابهی بودند. آن‌ها فکر می‌کردند که معمولاً اموال، مازاد دارد و باید بخشیده شود و این دارایی مازاد، خود دارای حق است. وقتی مردی بخشی از مازاد خود را به دیگری می‌دهد، گیرنده به نوعی رابطه با او آغاز می‌کند یا آن را ادامه می‌دهد به عنوان حمایت از یک همسایه (جار)، مشتری (مولی) یا متحد (حلیف) که در هر مورد، رابطه‌ای نابرابر است. گردش حقوق (گردش مال مازاد) نوعی چرخه بزرگ را شکل می‌دهد، این چرخه بخشش می‌تواند هم برای دهنده و هم برای گیرنده سنگین باشد؛ زیرا باعث ایجاد تعهدات مداوم و گاهی اوقات رنجش و احساس کوچک شدن می‌شود.^۱

ایده بازگشت اموال در قرآن، شاید حتی به عنوان یک دایره، ساده‌تر و قابل تحمل‌تر است. ایده گردش اقتصادی در قرآن به عنوان بازگشت کالاها و تعهدات، ممکن است برای همه افرادی که در آن شرکت دارند، ساده‌تر باشد؛ زیرا فضایی برای یک دریافت‌کننده ناشناس، یعنی مسکین، فراهم می‌کند. چه اهداکنندگان و چه دریافت‌کنندگان یکدیگر را بشناسند یا نشناسند، کالاها در حرکت هستند و جامعه همان طور که باید، عمل می‌کند.

در حالی که ایده‌های قرآن درباره «حق» ممکن است ریشه در مفاهیم عربی پیش از اسلام داشته باشد، قوانین و هنجارهای اقتصادی منحصر به فرد خود را معرفی می‌کند؛ «حق در یک شیء»، هم راهی برای تطهیر مال است و هم به گردش کالاها دامن می‌زند. تمام این عناصر در آیه‌ای جمع می‌شود که می‌گوید: «به خویشاوندش حقش را بده و به نیازمند و مسافر» (روم: ۳۸). این فرمان با اشاره به فضل خدا، بخشندگی غیرقابل جبران او، آغاز می‌شود. سپس مثلث اساسی دریافت‌کنندگان نام برده می‌شود: خویشاوند، مسافر

۱. Bravmann, "Surplus of Property": براومن، «مازاد دارایی» (the 'God Will Never Disgrace Thee' (Interpretation of an Early Hadith), "Journal of the Royal Asiatic Society"; م.ج. کیستر، «خدا تو را هرگز رسوا نخواهد کرد (تفسیر یک حدیث صدر اسلام)»، مجله انجمن سلطنتی آسیایی (۱۹۶۵ م)، صفحات ۲۷ تا ۳۲؛ In idem, Studies in Jahiliyya and Early Islam (Aldershot): همان نویسنده، مطالعات عصر جاهلیت و صدر اسلام، چاپ الدرشوت، سال ۱۹۸۰ م.



یا غریبه رهگذر و در میان آن‌ها، مسکین ناشناس که حضورش به‌وضوح احساس می‌شود. قرآن دیدگاه منحصر به فردی را درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌کند، جایی که به فقر و فقر اهمیت قابل توجهی دارند. این تمرکز زیاد بر روی واژگان جدید نیست، بلکه در مورد ایده‌های جدید در روابط انسانی است. یکی از این روابط مربوط به ضعیفان جامعه است که در چندین آیه از قرآن ظاهر می‌شوند؛ مانند زمانی که نیازمندان از وظیفه نظامی معاف می‌شوند، به همراه بیماران و سایر دسته‌ها (توبه: ۶۱). برخی آیات آن‌ها را در برابر مغروران و متکبران قرار می‌دهند، نه در برابر ثروتمندان. به‌عنوان مثال، در آیه ۲۱، سوره ابراهیم، ضعیفان به مغروران در روز قیامت می‌گویند: «ما فقط از شما پیروی می‌کردیم، آیا نمی‌توانید ما را نجات دهید؟» مغروران پاسخ می‌دهند: «اگر ما تنها از خدا هدایت یافته بودیم، شما را هدایت می‌کردیم؛ اما اکنون همه ما در این وضعیت هستیم و کاری نمی‌توانیم انجام دهیم».

گفتگوی مشابهی در آیات ۴۰، ۴۷ و ۵۰ سوره مؤمن، وجود دارد که در آن همه افراد در آتش جهنم هستند. در هر دو مکالمه، همه طرفین به‌خوبی یکدیگر را می‌شناسند. نکته این است که هدایت الهی برای تبدیل شدن فقیران به یک فقیر شایسته، لازم نیست یا نیامده، بلکه این هدایت نصیب جامعه‌ای می‌شود که جریان مالی و کالاها را به سمت درست تنظیم می‌کند (از بالا به پایین) که سخاوت را به‌عنوان جبران نعمت‌های خداوند تمرین می‌کند که حق ذاتی در چیزهای خوب این دنیا را رعایت می‌کند که ثروت خود را با بخشیدن بخشی از آن در صدقه پاک می‌کند و به فقیر خویشاوند و فقیر غریبه، یکسان توجه می‌کند.

این مطالعه عمداً از تمرکز بر جنبه‌های شناخته‌شده محمد [ص]، قبیله او (قریش)، جامعه‌ای که پیرامون او شکل گرفته بود، زادگاهش مکه یا پایگاه بعدی او در مدینه اجتناب می‌کند. در یک مفهوم کلی، داستان اغلب در مورد شهری شدن یک جامعه قبیله‌ای است. با این حال، روایت مخالف نیز می‌تواند معنا داشته باشد: جامعه شهری تا حدودی قبیله‌ای می‌شود - چیزی شبیه به آنچه بعداً در شهرهای بزرگ جهان اسلام رخ داد. در هر صورت، رابطه بین خویشاوندان (خانواده/ قبیله) و غریبه‌ها چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که به بهترین وجه از طریق سخاوت، مبادله، خلوص و گردش حل می‌شود که همه حول محور مراقبت از فقر است.



زمانی که اکثر مسلمانان، عرب بودند و برای اولین بار در سرزمین‌های تازه فتح‌شده ابتدا در عربستان و سپس در بخش‌های وسیع‌تری از خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا مستقر شدند، سیستمی مالی و نظامی را بر اساس هدیه به‌طور عرفی تحمیل کردند. هدیه ایده اصلی فیه بود که به معنای «بازگشت» است (بر اساس قرآن، حشر: ۷). مجاهدان مسلمان کمک هزینه‌ای به نام «عطا» به معنای «هدیه» دریافت می‌کردند. نکته مهم این است که این پرداخت به‌عنوان پاداشی برای خدمات آنان تلقی نمی‌شد، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از تعلق به جامعه تلقی می‌شد. این سیستم بر اساس اصول سخاوت و همبستگی، چه در جنگ و چه در مبادلات روزمره ساخته شده است. حتی پس از محو شدن این نظام، این اصول همچنان بر رفتار و تفکر مسلمانان تأثیر می‌گذارد.^۱

بسیاری از محققین هم قرآن و هم اسلام را برای تجارت و جامعه بسیار متحرک که در خاور نزدیک قرون وسطی پدیدار شد، بسیار مطلوب توصیف کرده‌اند. توری مدت‌ها پیش به واژگان تجاری کلامی قرآن اشاره کرد. با این حال، این تمرکز بر تجارت با ایده «اقتصاد فقر» که در قرآن و فراتر از آن وجود دارد، در تضاد نیست. به‌عنوان مثال، سنت اسلامی (هم در روایات و هم در روایات تاریخی) می‌گوید که حضرت محمد اجازه نمی‌داد در بازار مدینه ساختمان‌های دائمی - ساخته شود و مالیات (خراج) یا کرایه (اجاره) در آنجا جمع‌آوری شود.^۲

۱. این نکته لزوماً به این معنی نیست که وضعیت مجاهد با مرد فقیر یکسان است، همان گونه که De cobert دکوبر در اثرش به نام Le mendicant: گدا گفته است. به مباحث مربوط به این موضوع در Abdallah Cheikh-Moussa and Didier Gazaguadou, "Comment l'on écrivait l'histoire... de l'Islam" «چگونه تاریخ اسلام را می‌نویسیم!»، اثر عبدالله شیخ موسی و دیدیه گازاگوادو، در دانشنامه عربیکا جلد XL، ۱۱، چاپ ۱۹۹۳ و صفحات ۲۱۷ تا ۲۲۰ نگاه کنید. درباره فیه هم به Schmucker, Unter-; "Fay"; Lokkegaard, suchungen مقاله «فیه»، اثر لوکگارد، در تحقیقات اشموکر مراجعه کنید. درباره جریان‌های مختلف در اندیشه اقتصادی اولیه اسلامی هم به بوئر، کتاب الکسب و دیگر منابع معرفی شده در مقدمه مراجعه کنید.

۲. Charles C. Torrey, The Commercial-Theological Terms in the Koran: چارلز سی. توری، «اصطلاحات تجاری-الهیاتی در قرآن» (لیدن، ۱۸۹۲) in Stefan Wild (ed.), "The Qur'an as Text: Andrew Rippin, "The Commerce of Eschatology," in Bertold Spuler. «تجارت معاد شناسی» در کتاب «قرآن به عنوان متن»، ویرایش استفان وایلد، چاپ نیویورک، ۱۹۹۶ م، صفحات ۱۲۵-۳۵ مراجعه کنید.

Maxime Rodinson, Islam et capitalisme (Paris, 1966; trans. as Islam and Capitalism [New York, 1973] به‌خصوص کتاب «اسلام و سرمایه داری»، اثر ماکسیم رودینسون، چاپ پاریس، ۱۹۶۶ به زبان فرانسه را مطالعه کنید که ترجمه انگلیسی آن به عنوان اسلام و سرمایه داری در نیویورک، ۱۹۷۳ م چاپ شده است. idem, "Conditions religieuses islamiques," in Bertold Spuler. (ed.), Wirtschaftsgeschichte des vorderen Orients in islamischer Zeit (Leiden اسلامی» در کتاب «تاریخ اقتصادی خاورمیانه در دوران اسلامی»، با ویرایش برتولد اسپولر، چاپ لیدن، ۱۹۷۷ م، صفحات ۱۸ تا ۳۰. برای بازار در مدینه مراجعه کنید به کتاب «وفاء الوفا باخبر دار المصطفی»، اثر نورالدین سمهودی، چاپ قاهره، ۱۹۵۳ م، جلد دوم، صفحات ۷۴۷ تا ۷۵۶.



این سنت به نظر نمی‌رسد که زمینه یا بافت قرآنی داشته باشد. به نظر می‌رسد که انتقادی از نقش قدرت مرکزی، به‌ویژه در دوران امویان (۶۶۱ تا ۷۵۰ م/۴۱ تا ۱۳۲ ق) باشد. اولین حاکم اموی، معاویه (حکومت: ۶۶۱ تا ۶۸۰ م/۴۱ تا ۶۰ ق)، دوخانه در کنار بازار مدینه ساخت. در اواخر دوران اموی، هشام (حکومت: ۷۲۴ تا ۷۴۳ م/۱۰۵ تا ۱۲۵ ق) دستور ساخت یک مجموعه بزرگ از دیوارها، مغازه‌ها، انبارها و سایر ساختمان‌ها را در آنجا صادر کرد؛ اما پس از مرگ هشام، ساکنان شهر به سرعت آن را خراب کردند. در زمینه این وقایع، گفته می‌شود که «عمر دوم، عمر بن عبدالعزیز (حکومت: ۷۱۷ تا ۷۲۰ م/۹۹ تا ۱۰۱ ق) مشهور به خلیفه با فضیلت و متقی اظهار داشته: «السوق صدقة: بازار [نمونه‌ای از] صدقه‌های خودجوش است». برای ناظران معاصر، نیت او این بود که بازار را نوعی وقف یا بنیاد خیریه قرار دهد، اما چنین چیزی نبود. در آن زمان، نهاد وقف اگر هم وجود داشت تنها در ابتدایی‌ترین مراحل خود قرار داشت. عمر بن عبدالعزیز، اصلاح‌گر نظام مالی، احتمالاً قصد داشت سیاست‌های پیشینیان خود را در مورد بازار مدینه (و احتمالاً سایر بازارها تحت کنترل خود) معکوس کند، یا کسانی که چنین سیاستی را ترجیح می‌دادند، نام عمر را مطرح کرده و این موضع را به او نسبت دادند. فارغ از اینکه در نهایت چه کسی مسئول بود، این بیان از «بازار آزاد» که شامل گردش کالاها در یک فضای واحد بدون پرداخت هزینه، مالیات یا اجاره، بدون ساختن ساختمان‌های دائمی و بدون سودآوری از جانب خلیفه یا اطرافیان وی ریشه در واژه صدقه، «کارهای نیک داوطلبانه» دارد. صدقه هم چنین می‌تواند به چیزی شبیه به مازاد اقتصادی اشاره کند. به گفته برخی، هر زمان که شخصی از کار دیگری بهره‌مند می‌شد، این یک نوع صدقه محسوب می‌شد.^۱

این دیدگاه منسجم و بسیار جذاب از جهان اقتصادی به موفقیت اولیه و پایدار اسلام ارتباط زیادی داشت. از آنجا که فقرا در قلب این جهان اقتصادی قرار داشتند، تعالیم قرآن درباره فقر تأثیر قابل توجهی، حتی تأثیرگذار بر روی جامعه عرب، خاورمیانه و فراتر از آن داشت.

۱. درباره صدقه و کار اثر مایکل یونر، کتاب الکسب، صفحه ۴۱۷ را ببینید.

نتیجه‌گیری

آموزه‌های اقتصادی قرآن با ارائه‌ای نوآورانه از نظم اجتماعی، فقر را نه صرفاً چالشی اقتصادی، بلکه مسئله‌ای اخلاقی-دینی می‌داند. این نظام با محوریت مفاهیم «اقتصاد فقر»، «فضل الهی» و «حق معلوم»، سه اصل کلیدی را بنیان نهاده است: ۱) توزیع عادلانه ثروت از طریق زکات و صدقه ۲) تأکید بر کارکرد تطهیری انفاق ۳) حمایت نظام‌مند از گروه‌های آسیب‌پذیر (فقر، یتیمان، در راه‌ماندگان). قرآن با پیوند دادن ثروت به مسئولیت اجتماعی، الگویی ارائه می‌دهد که در آن انباشت ثروت جای خود را به گردش دارایی‌ها می‌دهد. برخلاف تمایزات فقهی متأخر، قرآن صدقه واجب (زکات) و مستحب را در پیوستاری واحد از مسئولیت اخلاقی می‌بیند. دو ویژگی ممتاز این نظام عبارتند از: الف) نگاه یکپارچه به رفتار اقتصادی و ارزش‌های ایمانی ب) ترکیب سنت‌های عربی پیش از اسلام با اصول توحیدی. تأثیر این آموزه‌ها در نهادهای مالی صدر اسلام (فیء، عطا) و نیز در گفتمان عدالت اجتماعی اسلامی مشهود است.

مطالعه این آموزه‌ها نشان می‌دهد که قرآن با عبور از اخلاق فردی، نظریه‌ای اجتماعی درباره عدالت اقتصادی ارائه می‌دهد که دو محور دارد: ۱) نفی هرگونه مالکیت مطلق بر ثروت ۲) تأکید بر حقوق جامعه بر دارایی‌های افراد. این چارچوب که ربا را نفی و «تطهیر مال» را ترویج می‌کند، امروزه نیز می‌تواند الهام‌بخش مدل‌های اقتصادی مبتنی بر کرامت انسانی باشد. قرآن با تبدیل کمک به نیازمندان از «لطف» به «تکلیف»، الگویی پایدار از اقتصاد اخلاق‌محور ارائه کرده که قابلیت تطبیق با شرایط زمانی مختلف را داراست. [مترجم]





فهرست منابع [مترجم]

منابع فارسی

۱. بشیر، س. (۱۹۹۳)، درباره منشأ و توسعه معنای زکات در اسلام اولیه. عربیکا، ۴۰ (۱)، ۸۴-۱۱۳.
۲. بونر، م. (۱۹۹۶)، تعریف فقر و ظهور فقیران مسلمان شهری. مجله انجمن سلطنتی آسیایی، ۶ (۳)، ۳۳۹-۳۴۱.
۳. سمهودی، ن. (۱۹۵۳)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی (ج. ۲، صص. ۷۴۷-۷۵۶). قاهره.
۴. طبری. (بی‌تا). جامع البیان عن تأویل آی القرآن.
۵. کیستر، م. ج. (۱۹۶۵). «خدا تو را هرگز رسوا نخواهد کرد» (تفسیر یک حدیث صدر اسلام). مجله انجمن سلطنتی آسیایی، ۹۷ (۱)، ۲۷-۳۲.

منابع انگلیسی

6. Bashear, S. (1993). On the origins and development of the meaning of Zakat in early Islam. Arabica, 40 (1), 84–113.
7. Bonner, M. (1996). Definitions of poverty and the rise of the Muslim urban poor. Journal of the Royal Asiatic Society, 6 (3), 339–341.
8. Bonner, M. (2001). The Kitab al-kasb attributed to al-Shaybani: Poverty, surplus, and the circulation of wealth. Journal of the American Oriental Society, 121 (3), 410–427.
9. Bonner, M. (2003). Poverty and charity in the rise of Islam. In M. Bonner, M. Ener, & A. Singer (Eds.), Poverty and charity in Middle Eastern contexts (pp. 13–15). State University of New York Press.
10. Bravmann, M. (1972). The surplus of property: An early Arab social concept. In The spiritual background of early Islam (pp. 229–253). Brill.



11. Décobert, C. (1991). *Le mendiant et le combattant: L'institution de l'islam*. Éditions du Seuil.
12. Guillaume, A. (1955). *The life of Muhammad: A translation of Ibn Ishaq's Sirat Rasul Allah*. Oxford University Press.
13. Hawting, G. R. (1999). *The idea of idolatry and the emergence of Islam: From polemic to history*. Cambridge University Press.
14. Hinds, M. (1983). Maghazi and Sira in early Islamic scholarship. In *La vie du prophète Mahomet* (pp. 57–66). Presses Universitaires de France.
15. Jeffery, A. (1938). *The foreign vocabulary of the Qur'an*. Oriental Institute.
16. Kister, M. J. (1965). 'God will never disgrace thee' (the interpretation of an early Hadith). *Journal of the Royal Asiatic Society*, 97 (1), 27–32.
17. Lokkegaard, F. (1965). Fay'. In *Encyclopaedia of Islam* (2nd ed., Vol. 2, pp. 869–870). Brill.
18. Rippin, A. (1996). The commerce of eschatology. In S. Wild (Ed.), *The Qur'an as text* (pp. 125–135). Brill.
19. Rodinson, M. (1973). *Islam and capitalism* (B. Pearce, Trans.). Pantheon Books. (Original work published 1966)
20. Shoufani, E. (1973). *Al-Riddah and the Muslim conquest of Arabia*. University of Toronto Press.
21. Watt, W. M. (1956). *Muhammad at Medina*. Oxford University Press.

مقاصد شریعت اسلام در قوانین مربوط به بخشش‌های مالی

(هبه، صدقه، وقف)^۱

نویسندگان: همسة فؤاد^۲ | یوسف دراوشة^۳ | محمد مطلق^۴ | محمد عساف^۵

ترجمه: مصطفی کاظمی^۶ | علی نقی عرفانی^۵ | حسین فیاض^۶

چکیده

این پژوهش به بررسی مقاصد تبرعات می‌پردازد؛ یعنی عقودی که در آن‌ها شخص بخشی از دارایی خود را با اراده کامل و بدون دریافت عوض واگذار می‌کند. اهمیت این موضوع در ارتباط آن با مقاصد شریعت نهفته است؛ زیرا هدف اصلی پژوهش، شناسایی و ضابطه‌مند کردن مقاصد خاص تبرعات برای بهره‌گیری مجتهدان در مسائل روزآمد و جزئی مربوط به این حوزه است. روش پژوهش توصیفی است؛ اما در فرایند تحلیل، از روش‌های استقرایی و استنباطی نیز استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت ماهوی میان عقود تبرعات و عقود معاوضات، مانع از قیاس‌پذیری این دو نوع عقد است؛ زیرا هر یک دارای مقاصد ویژه‌ای هستند. از جمله مقاصد ویژه شریعت در تبرعات می‌توان به مواردی چون عبادت و تقرب به خداوند، حمایت از نیازمندان مسلمان، تضمین گردش مستمر اموال، تشویق به افزایش تبرعات و رضایت قلبی تبرع‌کننده اشاره کرد. این مقاصد ابعاد عبادی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و اخلاقی را در برمی‌گیرند.

کلیدواژگان: مقاصد تشریع، معاملات، عقود، تبرعات

۱. مقاصد التشریع الإسلامی المتعلقة بأحكام التبرعات (العدد الثاني والثالثون، تاريخ الإصدار: ۲ - حزيران - 2021 م. - ISSN: 2663 - 5798 - www.ajsp.net).

۲. دانشجوی دکتری، رشته تخصصی فقه و اصول، دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه قدس؛ (همسة فؤاد یوسف دراوشة، باحثة دکتوراہ فی تخصص الفقه وأصوله / کلیة الدراسات العليا / جامعة القدس).

۳. هماهنگ‌کننده برنامه دکتری فقه و اصول آن و رئیس گروه اقتصاد و مالیه اسلامی، دانشکده دعوت و اصول دین، دانشگاه قدس، فلسطین؛ (د. محمد مطلق محمد عساف منسق برنامج دکتوراہ الفقه وأصوله / ورئيس قسم الاقتصاد والتمويل الإسلامی / کلیة الدعوة وأصول الدین / جامعة القدس / فلسطین).

۴. استادیار گروه اقتصاد پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. ایمیل: mostafakazemi@rihu.ac.ir

۵. دکتری علوم اقتصاد، کدر علمی جامعة المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل افغانستان. alinaqi56@gmail.com

۶. دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران. h_fayyaz@yahoo.com



مقدمه

حمد و سپاس از آن خداست، او را می‌ستاییم و از او یاری و آمرزش می‌جوییم، به او ایمان داریم و بر او توکل می‌کنیم و از شر نفس خود و بدی کردارمان به خدا پناه می‌بریم و درود و سلام می‌فرستیم بر پیامبری که به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث شد. اما بعد، شریعت اسلامی بر اصول استوار، قواعد محکم و مقاصد والا بنا شده، احکام آن متوازن جعل شده است. لذا همه فروع شریعت به آن قواعد و مقاصد باز می‌گردد. سپس مقاصد خاص مربوط به هر بابی از ابواب شریعت تشریع گردیده تا مقاصد عام را تبیین و تأیید نماید و آن‌ها را نقض نکند این امر بر انسجام و استحکام احکام شریعت افزوده است. لذا پژوهش در حوزه مقاصد خاص، اهمیتی کمتر از پژوهش در مقاصد عام ندارد.

این پژوهش با هدف تبیین یکی از ابواب مهم فقه، یعنی باب تبرعات، انجام شده است؛ بخشی که عرصه‌ای گسترده از نیکی، احسان و تقرب به خداوند متعال را در بر می‌گیرد و از طریق عقود تبرعی، به توسعه منابع جامعه اسلامی کمک می‌کند. ویژگی برجسته این پژوهش، تمرکز آن بر مفهوم تبرعات به عنوان واگذاری مال با اراده کامل و بدون دریافت عوض است. در این زمینه پرسش‌هایی مطرح می‌شود، از جمله: جایگاه مال در منظومه مقاصد شریعت چیست؟ مقصود دقیق از عقود تبرعات چیست؟ آیا شریعت برای این عقود مقاصد خاصی تعیین کرده است؟ و چه ابزارهایی را برای تحقق این مقاصد توصیه و تشویق کرده است؟ با توجه به خلأ موجود در پژوهش‌های مستقل و جامع درباره مقاصد اختصاصی عقود تبرعات، این تحقیق با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذکور و در راستای خدمت به علوم شرعی تدوین شده است.

انتخاب این موضوع از آن‌رو صورت گرفته است که اولاً، نیاز مبرمی به پژوهش‌های تخصصی در زمینه مقاصد خاص شریعت، به‌ویژه در باب معاملات و عقود تبرعات وجود دارد تا بتوان از این طریق به دین اسلام خدمت کرد و فضیلت و برتری نظام حقوقی و اخلاقی آن را آشکار ساخت؛ ثانیاً، با توجه به اهتمام روزافزون پژوهشگران به معاملات مالی معاصر، مطالعه یکی از ابواب آن از منظر مقاصدی، از نظر اقتصادی و فقهی، حائز اهمیت است؛ و ثالثاً، این پژوهش در پی آن است که رابطه میان مقاصد شریعت و اصول



فقه را تبیین کرده و تأثیر آن را بر فروع فقهی روشن سازد، چراکه پرداختن به این موضوع مستلزم بررسی عمیق در ابواب مهم و مرتبط فقه اسلامی است.

اهمیت این پژوهش از ارتباط نزدیک آن با موضوع مقاصد شریعت ناشی می‌شود؛ زیرا مقاصد نقش بنیادینی در فرایند اجتهاد ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که دستیابی به مرتبه اجتهاد، مستلزم درک عمیق مقاصد شریعت و توانایی استنباط احکام بر پایه آن است. همچنین اهمیت موضوع از اهدافی که این پژوهش در پی تحقق آن‌هاست، نیز نمایان می‌شود؛ از جمله ارائه، توثیق و ضابطه‌مند کردن مقاصد خاص تبرعات (فقهی-حقوقی) و تبیین این مقاصد به گونه‌ای که مجتهدان بتوانند در بررسی مسائل جزئی و نوپدید مربوط به تبرعات، آن‌ها را به کار گیرند. از نظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر از روش توصیفی بهره می‌برد؛ اما در تحلیل داده‌ها از دو روش استقرایی و استنباطی نیز استفاده شده است؛ به این معنا که داده‌ها ابتدا از نصوص شریعت به صورت جزئی استقرا شده، سپس تحلیل، تفسیر، طبقه‌بندی و در نهایت، نتایج مورد نظر از آن‌ها استنباط شده‌اند. این پژوهش در چارچوب یک رویکرد فقهی-حقوقی طراحی و اجرا شده است.

در این پژوهش به رعایت امور زیر التزام وجود داشته است:

الف. ارجاع آیات قرآنی به مواضعشان در قرآن کریم، با ذکر نام سوره و شماره آیه؛
ب. اخراج احادیث نبوی شریف و آثار؛ اگر حدیث در صحیحین (بخاری و مسلم) یا یکی از آن دو روایت شده باشد، به تخریج از همان‌ها اکتفا می‌شود؛ اما اگر در آن‌ها نباشد، از کتب سنت و مصنفات تخریج شده، سپس نظر اهل علم و تخصص در مورد آن حدیث ذکر می‌شود (روش‌شناسی حدیثی)؛

ج. رجوع به منابع اصلی (دست اول) در بررسی مسائل مطرح شده در این پژوهش، مگر در صورت عدم امکان که در آن صورت مستندسازی با واسطه (از منبع ثانویه) انجام می‌شود.

د. بیان آرای مذاهب فقهی در مسائل، با اکتفا غالباً به مذاهب چهارگانه مشهور، با رعایت ترتیب زمانی ظهور این مذاهب (حنفی، سپس مالکی، سپس شافعی، سپس حنبلی). سپس این آرا و اقوال مورد مناقشه قرار گرفته و قولی که دلیل قوی آن را تأیید

می‌کند، ترجیح داده می‌شود (روش‌شناسی فقه مقارن)؛

ه. اعتماد به اقوال علما از کتب معتبر در هر مذهب؛

و. اهتمام به تقویت پژوهش با نصوص شرعی از کتاب و سنت؛

ز. شرح حال اعلام و بزرگانی که نامشان در متن پژوهش ذکر می‌شود، به جز خلفای

راشدین چهارگانه.

پژوهش‌ها پیرامون موضوع عقود تبرعات، اندک است. این پژوهش‌ها با وجود این قلت، به بررسی یکی از عقود تبرعات به‌طور جداگانه پرداخته‌اند، مانند هبه، وقف و وصیت. این مطالعات غالباً به جنبه فقهی موضوع پرداخته و وارد جنبه مقاصدی نشده‌اند. شاید از جمله پژوهش‌هایی که به موضوع این تحقیق نزدیک است، موارد زیر باشد:

۱. «عقود التبرع فی الشریعة الإسلامية: أحكامها و مقاصدها»، تألیف یوسف نواسه، این رساله دکتری است که در دانشکده علوم اسلامی، دانشگاه الجزایر، در سال ۲۰۱۱، تدوین شده است. این پژوهش اگرچه پیرامون مقاصد تبرعات است، اما در احکام عقود تبرعات و بررسی مسائل آن به‌صورت مطالعه تطبیقی بسیار گسترده شده است؛ درحالی‌که پژوهش ما با پرداختن به جنبه مقاصدی و تمرکز بر مقاصد خاص عقود تبرعات متمایز می‌شود (تمایز در تمرکز: فقه تطبیقی در برابر مقاصد خاص).
۲. «مقاصد الشریعة الخاصة بالتبرعات و العمل الخیری»، تألیف عزالدین بن زغیبه، این پژوهشی به سومین کنفرانس امور خیریه خلیج [فارس]، در سال ۲۰۰۸ م، ارائه گردیده است. ایرادی این پژوهش، مختصر بودن آن و عدم تفصیل در ذکر مقاصد است؛ نویسنده تنها به ذکر مقاصد تبرعاتی که ابن عاشور در کتابش «مقاصد الشریعة الإسلامية» به آن‌ها پرداخته، اکتفا کرده است (تمایز در عمق و گستردگی بحث مقاصد).

۳. «نظام التبرعات فی الشریعة الإسلامية: دراسة تأصيلية عن الإحسان الاختیاری»، تألیف محمد الحبيب التيجانی، توسط دارالنشر المغربية، دارالبیضاء، در سال ۱۹۸۳ م. به چاپ رسیده است. این پژوهش از دو جنبه با تحقیق ما تفاوت دارد:

اول: مؤلف این کتاب همه انواع احسان مشروع را بررسی کرده است، اما پژوهش ما



سخن را به عقود تبرعات محض محدود کرده است (تمایز در دامنه موضوع: انواع احسان در برابر عقود تبرع محض).

دوم: این کتاب به جنبه فقهی اختصاص یافته و به جنبه مقاصدی نپرداخته است، اما در پژوهش ما تمرکز بر مقاصد عقود تبرعات بوده و به جزئیات جنبه فقهی، جز در برخی مسائل اندک، پرداخته نشده است (تمایز در تمرکز: فقهی در برابر مقاصدی).

۱. مفهوم مقاصد شریعت و اقسام آن

برای بررسی مقاصد احکام تبرعات، ناگزیر باید ابتدا مفهوم اصطلاح «مقاصد شرعیه» و اقسام آن را بیان کرد و سپس جایگاه مقاصد احکام تبرعات را مشخص نمود که آیا از مقاصد عام شریعت اسلامی محسوب می‌شود یا از مقاصد خاص؟ این امر از طریق مطالب پیش رو (زیر) انجام خواهد شد.

۱-۱. تعریف مقاصد

«مقاصد» در لغت جمع «مقصد» است. کلمه «قصد» و «مقصد» بر چندین معنا دلالت دارد، از جمله:

الف. طلب کردن عین یک چیز، توجه و حرکت به سوی آن. گفته می‌شود: قصدته، قصدت له، قصدت الیها (آن را قصد کردم، برای آن قصد کردم، به سوی آن قصد کردم) (الفیومی، بی تا: ۲، ۵۰۴).

ب. راستی و مستقیم بودن راه. «قَصَدَ يَقْصِدُ قَصْدًا فَهُوَ قَاصِدٌ» (قصد می‌کند، پس او قصد کننده است). خداوند متعال می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ» (و بر خداست نمایاندن راه راست) [نحل: ۹].

ج. نقطه مقابل افراط (زیاده‌روی) (الزبیدی، ۱۲۰۵: ۹، ۳۵). خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ...» و در راه رفتنت میانه‌رو باش. [لقمان: ۱۹]

د. میانه بین دو طرف (حد وسط) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۳۵۳). شاهد کلام خداوند: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو و برخی از آنان به اذن خدا در کارهای نیک پیشگامند...)

[فاطر: ۳۲]. (کلمه «مُقَصِّد» به معنای میانه‌رو است).

در اصطلاح، ملاحظه می‌شود که «مقاصد الشریعة» (مقاصد شریعت)، «مقاصد الشارع» (مقاصد شارع: قانون‌گذار) و «المقاصد الشرعیة» (مقاصد شرعی) همگی اصطلاحاتی هستند که به یک معنا به کار می‌روند (الریسونی، ۱۴۱۵: ۱۷۰). و همین معنا در این پژوهش مد نظر است.

ملاحظه می‌شود که معنای اصطلاحی با معانی لغوی کلمه «مقصد» مرتبط است؛ زیرا مقاصد شریعت شامل رسیدن به چیزی، توجه به آن و طلب آن است، (البیوی، ۱۴۱۸: ۲۸) و دستیابی به آن‌ها همان راه مستقیم و حد وسط بین دو طرف افراط (زیاده‌روی) و تفریط (کوتاهی) است. البته علما از مقاصد شریعت تعاریف متعدد ارائه کرده است. در ادامه، تعاریف برجسته‌ترین کسانی که مقاصد شریعت را تعریف کرده‌اند، ذکر می‌شود:

اولاً: تعریف مقاصد نزد شاطبی: شاطبی با وجود اینکه شیخ علم مقاصد و بنیانگذار این علم از نظر ترتیب و تنظیم به شمار می‌رود، مقاصد شرعی را در کتاب خود «الموافقات» تعریف نکرده است. شاید همانطور که برخی پژوهشگران ذکر کرده‌اند، او این اصطلاح را واضح و بی‌نیاز از توضیح می‌دانسته و لذا بر جنبه تأسیسی و قاعده‌سازی برای اصطلاح مقاصد تمرکز کرده است. به‌ویژه آنکه کتاب برای راسخان در علوم شریعت نوشته شده است (الشاطبی، ۱۴۱۸: ۱، ۱۲۴).

با این حال، شاطبی با این سخن به معنای مقاصد اشاره کرده است: «همانا شارع از تشریع، قصد برپایی مصالح اخروی و دنیوی را داشته است، به گونه‌ای که نظام آن‌ها نه به حسب کل و نه به حسب جزء، دچار اختلال نشود و در این امر فرقی بین ضروریات، حاجات یا تحسینیات نیست» (الشاطبی، ۱۴۱۷: ۲، ۶۴).

برخی از پژوهشگران معاصر، از خلال سخنان شاطبی در کتابش، تعریفی برای مقاصد استخراج نمودند که به شرح زیر است: «مقاصد عبارت است از تمام معانی مصلحت‌آمیز

۱. الشاطبی: هو ابراهیم بن موسی بن محمد (ت: ۷۹۰ هـ). فقیه، أصولی، لغوی، مفسر، مالکی، من أهل غرناطة. من مؤلفاته: (الموافقات فی أصول الفقه)، و (المجالس)، و (الإفادات والإنشادات)، و (الاتفاق فی علم الشقاق). الزرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد (ت: ۱۳۹۶ ق)، ألعالم، ۷۵/۱، ط ۱۵، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۲ م. کحالة، عمر بن رضا بن محمد (ت: ۱۴۰۸ ق)، معجم المؤلفین، ۱/۱۸، مکتبة المثنی، بیروت، لبنان.



مورد نظر از تشریع احکام و معانی دلالی مورد نظر از خطاب شرع که بر تحقق امثال مکلف نسبت به اوامر و نواهی شریعت مترتب می شود» (الحسنی، ۱۴۱۶: ۱۱۵). به عبارت دیگر مقاصد مورد نظر شارع معانی مصلحت آمیز است که با امثال مکلف از اوامر و نواهی شریعت، محقق می شود.

ثانیاً: تعریف مقاصد نزد ابن عاشور:^۱ ابن عاشور ابتدا مقاصد شریعت را به مقاصد عام و مقاصد خاص تقسیم کرده و سپس هر قسم را جداگانه تعریف کرده است. وی مقاصد عام تشریع را چنین تعریف کرده است: معانی و حکمت هایی که شارع در تمام یا اکثر حالات تشریع آنها را در نظر گرفته است، به گونه ای که ملاحظه آنها به بودن در نوع خاصی از احکام شریعت اختصاص ندارد (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۲۵۱). قید «عام» برای این آورده شده است که این مقاصد مورد توجه شریعت بوده و شریعت برای تحقق این مقاصد در تمام ابواب تشریع یا در بسیاری از آنها تلاش می کند. از جمله مثال های آن می توان به حفظ نظام عمومی، جلب مصالح و دفع مفاسد و برقراری مساوات بین مردم اشاره کرد. اما مقاصد خاص نزد ابن عاشور عبارت است از کیفیت هایی که شارع برای تحقق مقاصد سودمند برای مردم، یا برای حفظ مصالح عمومی آنان در تصرفات خاصشان، در نظر گرفته است (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۱۵).

از جمله ملاحظات [در تعریف ابن عاشور از مقاصد خاص] این است که بخش اول تعریف، تنها به مقاصد خاص شریعت اختصاص ندارد، بلکه مقاصد عام را نیز شامل می شود. ایراد دیگر بر این تعریف این است که ابن عاشور از لفظ «الکیفیات» (کیفیت ها: چگونگی ها) استفاده کرده است؛ اگر آن را با تعبیر دیگری جایگزین می کرد، دقیق تر و بهتر بود (الیوبی، ۱۴۱۸: ۳۵).

ثالثاً: تعریف مقاصد نزد فاسی:^۲ «[مقاصد شریعت] غایت، هدف نهایی و اسراری

۱. ابن عاشور: هو محمد الطاهر بن عاشور (۱۲۹۶-۱۳۹۳-ق)، رئیس المفتین المالکین بتونس. ولد وتوفي ودرس فی تونس. وهو من أعضاء المجمعین العربیین فی دمشق والقاهرة. له مصنفات مطبوعة من أشهرها: (مقاصد الشریعة الإسلامیة)، و (أصول النظام الاجتماعی فی الإسلام)، و (التحریر و التتویر). الزرکلی، الأعلام، ۱۷۴/۶-۱۷۵.

۲. الفاسی: هو علاء بن عبدالواحد بن عبد السلام الفاسی، ولد بفاس سنة ۱۳۲۶ ق، ۱۹۰۸ م. من كبار الخطباء فی المغرب، وهوزعیم وطنی، كان معارضاً لسلطات الاستعمار الفرنسی. تولى وزارة الدولة للشؤون الإسلامیة. من كتبه: (مقاصد الشریعة الإسلامیة ومكارمها)، و (دفاع عن الشریعة)، و (النقد الذاتى). توفي سنة ۱۳۹۴ ق، ۱۹۷۴ م. الزرکلی، الأعلام، ۲۴۶/۴-۲۴۷.

هستند که شارع در هر حکمی از احکام قرار داده است» (الفاسی، ۱۹۹۳: ۷).

این تعریفی جامع است؛ (الیوبی، ۱۴۱۸: ۳۶) زیرا شامل مقاصد عام و خاص می‌شود. با عبارت «الغایة منها» - یعنی غایت شریعت - به مقاصد عام اشاره دارد و با عبارت «والأسرار التي وضعها» به مقاصد خاص اشاره می‌کند.

رابعاً: تعریف مقاصد نزد ریسونی:^۱ ریسونی بر اساس تعاریف پیشین و توضیحات علمایی که در موضوع مقاصد شریعت سخن گفته‌اند، برای مقاصد شریعت تعریف زیر (پیش‌رو) را ذکر کرده است: «مقاصد شریعت، غایت‌هایی هستند که شریعت برای تحقق آن‌ها به منظور تأمین مصلحت بندگان وضع شده است» (الریسونی، ۱۴۱۵: ۱۹).

این تعریف ایرادش این است که فقط «مقاصد عام (تحقق مصالح بندگان)» را تعریف کرده است ولی در تعریف خود به مقاصد خاص تصریح نکرده است.

از تعاریف علمای فوق‌الذکر چنین برمی‌آید که الفاظ آن‌ها به هم نزدیک و معانی‌شان سازگار و مشابه است؛ زیرا ماده و اساس آن‌ها یکی است و مقصود تقریباً یکی است؛ اما (خانم) پژوهشگر بر این باور است که تعریف فاسی از مقاصد شریعت، تعریفی جامع بوده و شامل همه انواع مقاصد است.

۲-۱. اقسام مقاصد شرعی

مقاصد شرعیه با توجه به شمول و گستردگی‌شان به مقاصد عام و کلی که در مجموع احکام شریعت یافت می‌شوند و مقاصد خاص و جزئی که در برخی ابواب شریعت یا در برخی احکام آن معتبر هستند، تقسیم می‌شوند. بنابراین، مقاصد شریعت به دو قسم تقسیم می‌شوند: مقاصد عام و مقاصد خاص، به شرح زیر:

۱-۲-۱. مقاصد عام

مقاصد عام عبارتند از حکمت‌ها و غایات کلی که شارع در بیشتر تشریعات خود در نظر گرفته است، به گونه‌ای که به باب خاصی از ابواب فقه یا نوع معینی از احکام اختصاص

۱. ریسونی: هو أحمد الريسونی، ولد سنة ۱۳۷۲ ق، ۱۹۵۳ م. بمدينة القصر الكبير، شمال المغرب. عمل عدة سنوات بوزارة العدل، وعمل بالتعليم الثانوي أيضاً. من مؤلفاته: (نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي)، و (نظرية التقريب والتغليب وتطبيقاتها في العلوم الإسلامية)، و (مدخل إلى مقاصد الشريعة). الريسونی، نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي، الترجمة موجودة قبل مقدمة الكتاب.



ندارند. از جمله مقاصد عامی که در شریعت اسلامی لحاظ شده است: غایت کلی از تشریع عبادات، عادات، معاملات و مانند آن هاست.

همچنین، از مقاصد عام در شریعت اسلامی، «ضروریات پنج گانه» است که مقصد «حفظ مال» یکی از آن هاست (الخلیفی، ۱۴۲۵: ۱۸). بنابراین حفظ مال یک مقصد عام است که در بیشتر ابواب فقه معتبر شمرده می شود.

۲_۲_۱. مقاصد خاص

علمای متقدم مقاصد خاص را تعریف نکرده اند، هرچند در فتاوا و اجتهاداتشان دیده می شوند. اولین کسی که به مقاصد خاص اشاره کرده، عز بن عبدالسلام است.^۱ او صراحتاً به مقاصد خاص اشاره کرده و می گوید: «بدان که خداوند متعال در هر تصرفی از تصرفات، چیزی را تشریع کرده که مقاصد آن را حاصل و مصالحش را فراهم کند. پس در [هر] باب آنچه مصالح عام و خاص را تأمین کرده و محقق می سازد، آن را تشریع نموده است. اگر مصلحتی شامل همه تصرفات باشد، آن مصلحت در همه تصرفات تشریع می شود و اگر به برخی تصرفات اختصاص داشته باشد، در همان موارد خاص تشریع می شود نه در غیر آن. گاهی در برخی ابواب شرطی، لازم و ضروری است که همان شرط در باب دیگری، باطل کننده است و این به دلیل در نظر گرفتن مصلحت هر دو باب است» (العزبن عبد السلام، ۱۴۱۴: ۲، ۱۴۳).

ابن عاشور بخشی مستقلی را به مقاصد خاص اختصاص داد و به تعریف و توجه آن پرداخت. او مقاصد خاص را چنین تعریف کرد: «[مقاصد خاص] کیفیت هایی هستند که شارع برای تحقق مقاصد سودمند مردم، یا برای حفظ مصالح عمومی آنان در تصرفات خاصشان در نظر گرفته است تا مبدا تلاششان در پی مصالح خاص خودشان، به باطل کردن آنچه برایشان جهت تحصیل مصالح عمومی شان بنیان نهاده شده، منجر نشود؛ خواه

۱. العزبن عبد السلام: هو عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم (۵۷۷-۶۶۰ ق)، الملقب بـ (سلطان العلماء). وهو فقيه، وأصولي، بلغ رتبة الاجتهاد. ولد ونشأ في دمشق. وهو تلميذ الشيخ فخر الدين ابن عساكر. ومن تلامذته وأحد من روى عنه: ابن دقيق العيد. له مؤلفات كثيرة منها: (القواعد الكبرى) المعروف بـ (قواعد الأحكام في مصالح الأنام)، و (القواعد الصغرى)، و (تفسير القرآن). السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (ت: ۷۷۱ ق) طبقات الشافعية الكبرى، ۲۰۹/۸، نج: محمود الطناحي وعبد الفتاح الحلو، ط ۲، هجر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۳ ق. الزركلي، الأعلام، ۲۱/۴.

این ابطال از روی غفلت باشد یا از روی لغزیدن به دنبال هوا و هوس و شهوت باطل» (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۱۵).

مقاصد ابواب فقهی مانند مقاصد طهارت، مقاصد نکاح، مقاصد بیوع (خرید و فروش)، مقاصد تبرعات و مانند آن، ذیل این قسم قرار می‌گیرند. بدین ترتیب روشن می‌شود که مطالعه موضوع این پژوهش، پیرامون مقاصد خاص در احکام تبرعات خواهد بود.

۲. مفهوم مال و جایگاه آن در میان مقاصد شریعت

در مبحث پیشین مشخص شد که موضوع پژوهش به مقاصد شریعت خاص بازمی‌گردد که از طریق تصرفات خاص بندگان، به مصالح عمومی آن‌ها مربوط می‌شود. برای به دست آوردن ثمره عملی از مطالعه مقاصد شریعت با توجه به نقش آن در حکم کردن بر معاملات مالی، در این مبحث به مفهوم «مال» در فقه اسلامی و جایگاه مال در میان مقاصد شرعی پرداخته خواهد شد. این امر به عنوان مقدمه‌ای برای مطالعه موضوع این پژوهش؛ یعنی مقاصد احکام تبرعات و بیان مجموعه مقاصد و غایاتی است که شارع حکیم در تشریع تبرعات در نظر گرفته است.

۱-۲. مفهوم مال در فقه اسلامی

«مال» در لغت به هر آنچه از اشیای که قابلیت تملک (مالک شدن) را داشته باشد، مال گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱، ۶۳۵). «مَالُ الرَّجُلِ يُمُولُ وَيَمَالُ مَوْلًا» یعنی صاحب مال شد و «مَلَئَتْهُ» یعنی به او مال دادم (الرازی، ۱۴۲۰: ۳۰۱).

اما علما در تعریف اصطلاحی «مال» اختلاف نظر دارند. برخی مانند جمهور فقها از مالکیه (ابن العربی، ۱۹۹۲: ۹۰۸ و شاطبی، ۱۴۱۷: ۲، ۳۲)، شافعیه (السیوطی، ۱۴۱۱: ۳۲۷) و حنابله (ابن نجیم، بی‌تا: ۵، ۲۷۷ و ابن قدامه، ۱۴۲۱: ۱۵۲) تعریف مال را گسترش داده به گونه‌ای که شامل اعیان (اشیاء مادی) و منافع (بهره‌ها و استفاده‌ها) به طور یکسان، می‌شود.

برخی دیگر مانند حنفیه، (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۴، ۵۰۱). تعریف مال را محدود کرده و آن را منحصر به اعیان دانسته‌اند. با این حال، تعریف جمهور صحیح‌تر و دقیق‌تر است؛



زیرا مقاصد شریعت از اموال را بهتر و مناسب تر تحقق می بخشد و ارتباط و کاربرد بیشتری با مصلحت عملی دارد و برای حفظ حقوق صاحبان اموال مناسب تر است (ابن غیبه، ۱۴۲۲، ۴۲).

از تعاریف معاصر و دقیق برای مال این است: «هر چیزی که بین مردم ارزش مادی داشته باشد، مصالحشان با آن تأمین شود و شرعاً تملک و بهره برداری از آن با گستردگی و اختیار جایز باشد» (ابن زغیبه، ۱۴۲۲، ۳۴).

از خلال این تعریف، نکات زیر آشکار می شود: الف. مال شامل اعیان، منافع و تمام حقوق معنوی است که ارزش مادی دارند. ب. مال معتبر در شرع، آن چیزی است که در شرع ارزش ذاتی داشته باشد (مانند چیزهایی که حرام نیستند). ج. مال آن چیزی است که بین مردم ارزش مادی دارد و مصالحشان با آن تأمین می شود.

۲_۲. جایگاه مال در میان مقاصد شریعت

۱_۲_۲. جایگاه مال در شریعت اسلامی

مال جایگاه بزرگی در زندگی افراد و جامعه دارد. از نظر اسلام، مال وسیله ای مهم برای تحقق مقاصد شرعی (دنیوی و اخروی) است و زندگی بدون آن ممکن نیست. با مال می توان خوراک، پوشاک و مسکن فراهم کرد و بنده با آن نفس خود را تزکیه می کند (زکات می دهد)، صدقه می دهد، برده آزاد می کند و در کارهای خیر مشارکت می نماید (القرضاوی، ۱۴۲۹: ۴). نصوص بسیاری در قرآن کریم آمده که اهمیت آن را بیان می کند؛ خداوند متعال در تعدادی از آیات، مال را در کنار جان و فرزند ذکر کرده است. مانند این سخن خداوند متعال:

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ برای مردم، عشق به خواستنی ها [ی مادی]، از [جمله] زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبان نشان دار و دام ها و کشتزارها آراسته شده است؛ [اما] این ها کالای زندگی دنیاست (آل عمران: ۱۴).

خداوند سبحان در تعدادی از آیات، مال را به عنوان «خیر» (نیکی، خوبی) توصیف کرده است، از جمله این سخن خداوند متعال: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ و راستی او



[انسان] سخت‌شيفته مال [خير] است» (العادیات: ۸).

و این سخن خداوند متعال: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر مالی [خير] که انفاق می‌کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان اختصاص دهید و هر کار نیکی [خير] انجام دهید، قطعاً خدا از آن آگاه است (البقرة: ۲۱۵).

همچنین قرآن کریم، مال و گشایش در روزی را از پاداش فوری خداوند متعال در دنیا و پاداش آتی در آخرت برای بندگان صالح خود دانسته است. خداوند سبحان از زبان نوح(می‌فرماید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبْنِيَنَّ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلَ لَكُمْ أَنْهَارًا؛ پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است [تا] بر شما از آسمان باران پی‌درپی فرستد و شما را با اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».) (نوح: ۱۰-۱۲)

و خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، به او روزی می‌رساند» (الطلاق: ۲-۳).

احادیث پیامبر(ص) نیز این معانی را تأکید می‌کنند. از دعاهای مأثور پیامبر(ص) این است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى؛ خداوند! من از تو هدایت، تقوا، پاکدامنی و بی‌نیازی [غنا] را می‌طلبم» (النیسابوری، بی‌تا: ۴، ۲۰۸۷).

پیامبر (برای خادم خود، انس بن مالک (رضی)، دعا کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ، وَبَارِكْ لَهُ فِيمَا أَعْطَيْتَهُ؛ خداوند، مال و فرزندش را زیاد کن و در آنچه به او عطا

۱. انس بن مالک: هو الصحابي أنس بن مالك بن النضر، خادم رسول الله صلى الله عليه وسلم. كان يكنى أبا حمزة. اختلف في سنة وفاته، وقيل سنة ۹۱ ق. وهو من المكثرين في الرواية عن رسول الله صلى الله عليه وسلم. دعا له الرسول صلى الله عليه وسلم بكثرة المال والولد. وهو آخر من توفي بالبصرة من الصحابة، ودفن هناك. ابن الأثير، على بن أبي الكرم محمد بن محمد (ت: ۶۳۰ ق)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ۲۹۴/۱، تج: على معوض وعادل عبد الموجود، ط ۱، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ ق، ۱۹۹۴ م. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد (ت: ۸۵۲ ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، ۲۷۵/۱-۲۷۷ تج: عادل عبد الموجود وعلى معوض، ط ۱، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ ق.



کرده‌ای، برکت بده» (البخاری، بی تا: ۸، ۸۱؛ مسلم، بی تا: ۴، ۱۹۲۸).

در سنت نبوی بیان شده است که مال زمانی نعمت است که در دست صالحان باشد که هدف و کارکرد مال را می‌شناسند (حسین، ۱۴۳۱: ۹۴). در این باره پیامبر (ص) می‌فرماید: «لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْكِتَابَ، وَقَامَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ، وَرَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَهُوَ يَتَصَدَّقُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؛ حَسَدٌ [در اینجا به معنای غبطه و آرزوی داشتن نعمتی مشابه است، نه آرزوی زوال نعمت دیگری] جز بر دو کس روا نیست: مردی که خداوند به او کتاب [قرآن] داده و او در ساعات شب به [تلاوت و عمل به] آن می‌پردازد و مردی که خداوند به او مالی داده و او آن را در ساعات شب و روز صدقه می‌دهد» (البخاری، بی تا: ۶، ۱۹۱؛ مسلم، ۱: ۵۵۹).

۲-۲-۲. مقصد حفظ مال

با توجه به اهمیتی که مال در شریعت اسلامی دارد، دستورات و توصیه‌های قرآنی و نبوی بسیاری برای حفظ و صیانت از آن ارائه شده است (القرضاوی، ۱۴۲۹: ۸). شریعت اسلام «حفظ مال» را به‌عنوان یکی از «ضروریات پنج‌گانه» (کلیات خمس) قرار داده است؛ اصولی که تمامی احکام و تکالیف شرعی در جهت تأمین و حمایت از آن‌ها تدوین شده‌اند. خداوند متعال فرمان به حفظ این کلیات داده است، چراکه در حفظ آن‌ها مصالح بندگان تأمین می‌شود و در نابودی‌شان، مفاسد گسترده‌ای متوجه فرد و جامعه خواهد شد (غزالی، ۱۴۱۳: ۱۷۴). حفظ مال، از جمله مقاصد ضروری دین است که برپایی مصالح دینی و دنیوی بدون آن ممکن نیست، به‌گونه‌ای که اگر این اصل نادیده گرفته شود، نظام معیشتی و اجتماعی انسان‌ها مختل خواهد شد. تحقق این مقصد شرعی از دو طریق امکان‌پذیر است: ۱. رعایت آن از جنبه وجود؛ یعنی از طریق تشویق به اسباب و وسایلی که ارکان این مقصد را حفظ و برپا می‌دارد.

۲. رعایت آن از جنبه عدم (پیشگیری)؛ یعنی از طریق دفع اختلال واقعی یا مورد انتظار در آن (الشاطبی، ۱۴۱۷: ۲، ۱۷-۱۸).

نمونه‌های حفظ مال از جنبه وجود:

تشویق شریعت به کسب حلال. شریعت، کار و تلاش برای به دست آوردن اموال را



مباح دانسته است. خداوند سبحان می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ؛ و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید». [الجمعة: ۱۰]

به رسمیت شناختن حق انسان در سرمایه‌گذاری مال از طریق کار کردن با مال، به دلیل فرموده خداوند متعال: «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ؛ و دیگریانی که در زمین سفر می‌کنند [و] فضل خدا را می‌جویند». [المزمل: ۲۰]

از وسایل مشروعی که شرع برای سرمایه‌گذاری مباح کرده است می‌توان به کشاورزی، صنعت، تجارت و سایر موارد اشاره کرد (حسین، ۱۴۳۱: ۱۸۱).

نمونه‌های حفظ مال از جنبه عدم (پیشگیری):

۱. حمایت از مال به طرق گوناگون؛ شریعت از دزدی نهی کرده و مجازات دزدی یعنی «حد قطع» (بریدن دست) را وضع نموده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا؛ و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند، دستشان را ببرید». [المائدة: ۳۸]

۲. تحریم بهره‌کشی از مردم و نهی از خوردن اموال مردم به ناحق (باطل)، به دلیل فرموده خداوند متعال: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید، مگر آنکه داد و ستدی با رضایت متقابل از شما [انجام گرفته] باشد». [النساء: ۲۹]

این [خوردن مال به باطل] یا از طریق گرفتن آن به ظلم، دزدی، خیانت، غصب و مانند آن است، یا از طریق راه‌های ممنوع مانند قمار، ربا، اجرت خوانندگی، وسایل لهو و لعب و آنچه جایز نیست، می‌باشد، حتی اگر با رضایت خاطر صاحب مال باشد (الجصاص، ۱۴۰۵: ۳، ۱۲۷).

۳. تحریم برخی از انواع بیع (خرید و فروش)؛ مانند نهی از «غرر» (معامله نامعلوم و پرریسک)، «غش» (فریب) و «احتکار». این به منظور حفظ مال و دفع ضرر از مسلمانان است؛ پیامبر از «بیع حصاة» (معامله شانس با پرتاب سنگریزه) و از «بیع غرر» نهی فرمود، (مسلم، بی تا: ۳، ۱۱۵۳) و از احتکار، چرا که در حدیث آمده است: «مَنْ احْتَكَرَ



طَعَامًا فَهُوَ خَاطِئٌ» (مسلم، بی تا: ۳، ۱۲۲۸). و «خاطی» به معنای گناهکار و مقصر است. علت این نهی، کم کردن کالا در بازار مسلمین است. پس حکمت این نهی، دفع ضرر از اموال و منافع مردم است (النووی، ۱۳۹۲، ۴۳: ۱۱).

۳. مفهوم تبرعات و مقاصد احکام آن

۳_۱. مقصود از تبرعات

«تَبَرَّعَ» در لغت به معنای داوطلبانه انجام دادن کاری است، بدون آنکه واجب باشد. همچنین به معنای برتری جستن و فضل و بخشش نیز به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱، ۲۲۱). گفته می‌شود: «تَبَرَّعَ بِالْأَمْرِ»؛ یعنی آن کار را بدون مطالبه عوض، انجام داد، (الفیومی، بی تا: ۱، ۴۴) و بدون درخواست یا [شاید] انتظار لطف متقابل [انجام داد]. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸، ۸)

اما در اصطلاح، علمای متقدم هریک از نواع عقود تبرعاتی را به صورت جداگانه تعریف می‌کردند، مانند تعریف هدیه، وصیت و امثال آن. برخی معاصران تعریفی کلی برای تبرعات ذکر کرده‌اند که از جمله آن‌هاست:

الف. تملیک کردن مال بدون عوض (حماد، ۱۴۲۹: ۱۲۷). این تعریف جامع و مانع نیست؛ زیرا شامل نفقات واجب (مانند نفقه همسر و فرزند) و کفارات نیز می‌شود (نواسه، ۲۰۱۱: ۳۴).

ب. انسان عین یا منفعتی را برای بهره‌برداری، بدون مقابل (عوض) به دیگران تملیک کند (معصر، ۱۴۲۸: ۳۹). بر این تعریف نیز همان انتقادات پیشین وارد است.

ج. تبرع این است که مکلف، مال یا منفعتی را در حال حاضر یا در آینده، بدون عوض و معمولاً به قصد نیکی و احسان مرسوم به دیگران ببخشد (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۶: ۱۰، ۶۵). این تعریف، بهترین و سالم‌ترین تعریف بوده و ایرادات و انتقادات قبلی بر آن وارد نیست.

۳_۲. انواع تبرعات و تعیین محدوده پژوهش

تبرعات به سه نوع تقسیم می‌شود، به شرح زیر:



۱. تبرعاتی که از ابتدا تا انتها مقصود و هدف است. مثل هبه (بخشش)، صدقه، وصیت، وقف و عاریه (امانت دادن برای استفاده) است.

۲. تبرعاتی که در ضمن یک عقد معاوضه (قرارداد دارای عوض) انجام می‌شود. مانند فروش کالا به قیمتی کمتر از ارزش واقعی برای نفع رساندن به خریدار، یا خرید کالا به قیمتی بیش از ارزش واقعی به قصد نفع رساندن به فروشنده.

۳. تبرعاتی ممکن است در نهایت به معاوضه تبدیل شود. ممکن است فعلی در ابتدای عقد تبرعی باشد، مانند عقد قرض، سپس طرف دیگر ملزم به پرداخت بدل (جایگزین یا معادل) آن شود (حماد، ۱۴۲۹: ۳۲۸ و نواسه، ۲۰۱۱: ۳۴).

در این پژوهش، پژوهشگران تبرعات نوع اول را بررسی می‌کنند؛ یعنی تبرعاتی که از نوع تبرع محض است، به واسطه عقد واقع می‌شود و مقصود از آن‌ها تملیک (واگذاری مالکیت) و بی‌نیاز کردن (طرف مقابل) است، مانند هبه، وقف، قرض، وصیت، صدقه و کفالت.

[در این پژوهش] مقصود از عقود تبرعاتی که هدف بررسی مقاصد احکام آن‌هاست، قراردادهایی است که بر اساس بخشش یا کمک از سوی یکی از طرفین به دیگران استوار است، (الزرقا، ۱۴۲۵: ۱، ۶۴۰) یا قراردادهایی که در آن‌ها تملیک بدون مقابل (عوض) صورت می‌گیرد (بدران، بی‌تا: ۴۹۱).

آنچه از این تعاریف برمی‌آید، این است که تبرعات جایی محقق می‌شود که عوض و مقابلی وجود ندارد. یک طرف، تبرع‌کننده (متبرع) است و یک طرف، گیرنده (آخذ). این همان تفاوت بین عقود تبرعات و عقود معاوضات است. هر دو نوع عقد، افاده تملیک می‌کند؛ اما عقود معاوضات شامل تملیک هر دو عوض (بدلین) است، درحالی که عقود تبرعات شامل تملیک آنچه تبرع‌کننده بخشیده است، بدون آنکه عوضی در مقابل آن دریافت کند، می‌باشد (بدران، بی‌تا: ۴۹۱).

۳-۳. مقاصد احکام تبرعات

از نظر شریعت اسلامی، تمام ابواب فقه، از جمله باب معاملات مالی، دارای مقاصد



خاصی است. شریعت، مقاصد خاص را به عنوان مکمل در خدمت مقاصد عام قرار داده است. لذا همه اخلاص ها در مقاصد خاص، اخلاص در مقاصد عام آن باب به حساب می آید. برای حفظ این هماهنگی عمومی بین مقاصد خاص و عام، بر مجتهد لازم است که اجتهادات خود را به مقاصد خاص مربوط به عقود تبرعی پیوند دهد. به همین دلیل، پژوهشگران مقاصد خاص احکام عقود تبرعات را عرضه می کنند تا حکم کردن بر وقایع و مسائل نوپدید آسان گردد و هماهنگی کلی بین احکام شریعت حاصل شود تا مردم دچار سختی و تنگنا نشوند. از جمله این مقاصد موارد زیر است:

۱-۳-۳. مقصد عبادت خداوند متعال و تقرب به او:

خداوند عزوجل در کتاب حکیم خود می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند». [الذاریات: ۵۶]

پس مقصد از خلقت انسان، عبادت است (مقصد عالی). عبادت، غایتی است که خداوند ما را برای اقرار به آن - خواه از روی میل یا اکراه - آفریده است (طبری، ۱۴۲۰: ۲۲، ۴۴۴). و عقود تبرعاتی (وقف، هبه، هدیه) برای تحقق این مقصد تشریع گردیده است. این عقود تبرعی تشریع نشده مگر به عنوان راهی برای پرستش خداوند و تقرب به او. اگر این مقصد نبود، مردم در انجام این عقود با یکدیگر رقابت نمی کردند؛ زیرا انسان فطرتاً بر حب مال و تملک آفریده شده است. پس آنچه را در دست دارد، رها نمی کند مگر در مقابل عوضی (نواصة، ۲۰۱۱: ۲۶۱).

به همین دلیل، شریعت اسلامی رشد و تقویت این فطرت، انسان ها را مکرراً به تبرع تشویق و ترغیب کرده است. آیات قرآنی فراوان و احادیث نبوی متعددی، اثر عقود تبرعاتی بر تبرع کننده (متبرع) را بیان می کند. از جمله: اجر عظیم، ثواب فراوان، رضایت خداوند رحمان و پوشاندن گناهان، (رضا، ۱۹۹۰: ۱۱، ۲۶). از اثرات مثبت عقود تبرعی است؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت ميفکنید». [البقرة: ۱۹۵] «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ؛ اگر به خدا وامی نیکو دهید، آن را برای شما چند برابر می کند و شما را می آمرزد». [التغابن: ۱۷]



و از جمله احادیثی که به عقود تبرعی (وقف و احباس) تشویق می‌کنند و ما را به ثواب، اجر و دوام عمل و عبادت حتی پس از مرگ ترغیب می‌نماید، حدیثی است که از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند:

«إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ؛ هنگامی که انسان می‌میرد، عملش از او قطع می‌شود مگر از سه چیز: مگر از صدقه جاریه، یا علمی که از آن بهره برده شود، یا فرزند صالحی که برایش دعا کند» (مسلم، بی تا: ۳، ۱۲۵۵).

پس اگر این ترغیب و تشویق خداوند سبحان به انجام نیکی نبود، کسی یافت نمی‌شد که مالش را ببخشد، یا عاریه بدهد، یا وصیت کند، یا وقف و حبس نماید، یا قرض دهد، یا صدقه دهد، یا دیگر کارهای خیر و نیکی را به صورت تبرعی و بدون مطالبه عوض انجام دهد (نواضة، ۲۰۱۱: ۲۶۱).

۲-۳. برپایی مصلحت ضعیفان مسلمان

از مقاصد شریعت در تبرعات و کارهای نیک، رسیدگی به مصالح ضعیفان مسلمان و برآوردن نیازهای آنان است (ابن زغیبة؛ ۲۰۰۸: ۵). این مقصد (مقصد متوسط) محقق نمی‌شود مگر آنکه تبرع به صورت دائمی و عمومی باشد. قرآن کریم به این اصل بزرگ اشاره کرده است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛ و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «از مازاد [بر نیاز خود]». [البقرة: ۲۱۹]

ابن عاشور این آیه را چنین تفسیر کرده است: «از آنچه از مالش اضافه آمده بر آنان انفاق می‌کند. این امر به انفاقی است که بر آنان سخت نباشد و این بهترین نوع انفاق است؛ زیرا مقصد شریعت از انفاق، برپایی مصالح مسلمانان ضعیف است و مقدار قابل توجهی از آن حاصل نمی‌شود، مگر با عمومی کردن و استمرار بخشیدن به آن تا مقادیر مشابهی از آن در همه اوقات ادامه یابد و همگانی شدن و استمرار، تنها با انفاق از مازاد بر نیازهای انفاق‌کنندگان حاصل می‌شود، آنگاه بر آنان دشوار نخواهد بود، پس هیچ‌یک از ایشان آن را ترک نمی‌کند و در هیچ زمانی از آن غفلت نمی‌ورزند و این حکمتی بزرگ و اصلی اقتصادی و عمرانی (اجتماعی) است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲، ۳۵۱).



نظام تبرعات، اقشار ضعیف این امت (جامعه= فقرا، بیوه زنان و زنان مطلقه) را حفظ می کند و این از طریق زندگی کریمانه و آبرومندانه برای آنان فراهم می گردد (الیوسف، ۲۰۰۷: ۸۷). زبیر بن عوام^۱ اولین کسی است که وقتی را به نفع بیوه زنان و زنان مطلقه از دخترانش ایجاد کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۵، ۴۰۷).

اهمیت عقود تبرعات در تحقق اصل تکافل اجتماعی (همبستگی اجتماعی) آشکار می شود. هر عقد تبرعی نقش بزرگی در تقویت پیوندها بین افراد این امت دارد. به عنوان مثال وقف به طور چشمگیری در تکافل اجتماعی از طریق توسعه اجتماعی نقش داشته است؛ زیرا وقف به ایجاد مؤسسات انسانی کمک کرده که هدفشان رسیدگی به فقرا، کودکان بی سرپرست (لقطاء= گمشدگان)، افراد دارای نیازهای ویژه، بیماران، یتیمان و دیگر ضعیفان جامعه می اشد (نواصة، ۲۰۱۱: ۲۸۲).

۳-۳-۳. استمرار بخشیدن به استفاده از مال برای طولانی ترین مدت

ابن عاشور ذکر کرده است که یکی از مقاصد شرعی در مورد اموال، «رواج» (گردش) آن است و مقصود آن است که مال در دست های بیشتر مردم (در صورت امکان) به صورت مشروع، چرخش یابد. به همین دلیل، عقود معاملات برای انتقال حقوق مالی از طریق معاوضه یا تبرع تشریع شده اند (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۶۴). جعل احکام مالی به گونه ای که گردش طولانی مدت آن اموال حمایت و تضمین گردد، از حکمت شارع حکیم است. لذا شارع مقدس زکات را [به صورت طولانی مدت جعل نمود] و رکنی از ارکان اسلام قرار داد تا مال منتشر و حرکت آن تسهیل گردد.

همچنین ربا را [به صورت طولانی مدت ممنوع] و حرام کرد و آن را از گناهان کبیره قرار داد تا از «اکتناز» (گنج اندوزی و احتکار) مال و متوقف شدن سرمایه گذاری جلوگیری کند (الخلیفی، ۱۴۲۵: ۳۵). در این جعل احکام، اشاره ای است به اینکه رویکرد شریعت اسلامی در مورد مال، تداول و گردش همگانی آن بین مردم است تا همگان از آن بهره مند شوند و گردش آن تنها بین ثروتمندان محدود نشود (القرضاوی، ۱۴۲۹: ۸۴).

۱. الزبیر بن العوام: هو الصحابی الجلیل، وهو أحد العشرة المبشرين بالجنة. أمه صفیة بنت عبد المطلب، وهو ابن عمه رسول الله، أسلم وهو ابن خمس عشرة سنة، وشهد فتح مصر. وقتل سنة ست وثلاثين. ابن الأثير، أسد الغابة، ۳۰۷/۲.

بدین منظور، شارع مقدس برای مساعدت تداول (گردش) طولانی مدت اموال در دست همگان، احکام و وسایل متعددی را تشریع کرده است، از جمله:

الف. تشویق به صدقه، قرض و عموم احسان: به منظور استمرار گردش اموال، استفاده طولانی مدت و عدم انباشته شدن آن، این تشویق صورت گرفته تا مال نقش خود را در پوشش نیازهای مسلمانان ایفا کند (التجکانی، ۱۴۰۳: ۱۱۱). پس هرگاه انسان متوجه شود که مالی مازاد بر نیازش دارد، به صدقه دادن آن بشتابد تا در معرض گنج‌اندوزی و افتادن در گناه قرار نگیرد، به دلیل فرموده خداوند متعال: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لَا نَفْسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ؛ و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را با آن‌ها داغ کنند [و گویند]: این است آنچه برای خود اندوختید، پس کیفر آنچه را می‌اندوختید، بچشید». [توبه: ۳۴-۳۵]

ب. تشریع وصیت و ارث: این‌ها از وسایل گردش مال و توزیع مجدد ثروت هستند؛ تا به عنوان مجرای باشند که حرکت مال بین مردم را تجدید کنند (الخلیفی، ۱۴۲۵: ۳۹).

ج. وقف: عقد تبرعی وقف با هدف تبدیل سرمایه‌ها از گنج‌های راکد به اموال سرمایه‌گذاری شده و مورد استفاده در توسعه جامعه مسلمان، تشریع شده است. از عمر بن خطاب روایت شده که او زمینی در خیبر به دست آورد. نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: زمینی به دست آورده‌ام که هرگز مالی با ارزش‌تر از آن به دست نیاورده‌ام، در مورد آن چه دستوری می‌دهید؟ فرمود: «اگر خواستی، اصل آن را حبس کن (وقف کن) و [منافع] آن را صدقه بده». پس عمر آن را صدقه داد [با این شرط] که اصل آن فروخته نشود و بخشیده نشود و به ارث نرسد، [و منافع آن صرف] فقرا، خویشاوندان، [آزادی] بردگان، [مصارف] در راه خدا، مهمان و در راه‌ماندگان شود (البخاری، بی‌تا: ۴، ۱۲).

از آنچه گذشت آشکار می‌شود که هر عقد تبرعی در حقیقت، انتقال مالکیت بخشی از مال شخصی به شخص دیگر یا گروهی از اشخاص است. این همان گردش مقصود



از مال است و برتری عقود تبرعات بر عقود معاوضات در این ظاهر می شود که در نوع اول (تبرعات)، مال به صورت گردش عمودی به جریان می افتد؛ زیرا این عقود با نیکی، احسان و یاری رساندن به طبقات ضعیف از نظر مالی و مادی در جامعه مسلمان مشخص می شود. لذا غالباً از غنی به فقیر صورت می گیرد (نواسه، ۲۰۱۱: ۲۹۱).

۴_۳_۳. افزایش دادن تبرعات

مقاصد تبرعاتی که پیشتر ذکر شد، به احکام آن ها و آنچه از جنبه تعبدی، اجتماعی یا اقتصادی از آن ها قصد می شود، مربوط بود؛ اما این مقصد و مقصد بعدی، به ذات عقود تبرعات و مقصد تشریع آن ها مربوط می شوند. پژوهشگر درمی یابد که قصد و غرض شارع از تشریع عقود تبرعی رسیدگی به مصالح عام و خاصی است که این عقود می تواند آن مصالح را محقق سازد. دلیل این مقصد به شرح زیر است

الف. فراوانی نصوص کتاب (قرآن) و سنت که برای ترغیب به این عقود و انجام آن ها آمده است.

ب. توسعه و تسهیل شارع در وسایل انعقاد این عقود. این دلیل قصد شارع بر گسترش عقود تبرعی را نشان می دهد؛ زیرا اگر در وسایل انعقاد آن ها سخت گیری می کرد، دایره این عقود تنگ شده و مانع کثرت آن می گردید (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۸۸).

در این زمینه، عز بن عبدالسلام می گوید: «بدان که خداوند متعال تصرفاتی را تشریع کرده که مقاصد آن را حاصل و مصالحش را فراهم کند. پس در [هر] باب، عقود را تشریع نموده است که مصالح عام و خاص را تأمین می کند. اگر مصلحتی شامل همه تصرفات باشد، آن مصلحت در همه تصرفات تشریع می شود و اگر به برخی تصرفات اختصاص داشته باشد، در همان موارد خاص تشریع می شود نه در غیر آن. بلکه گاهی در برخی ابواب شرطی لازم دانسته می شود که در باب دیگری باطل کننده است و این به دلیل در نظر گرفتن مصلحت هر دو باب است» (العز بن عبد السلام، ۱۴۱۴: ۲، ۱۴۳).

بنابراین، این حرف که «وقف مخالف قواعد شریعت است؛ زیرا شامل تملیک منافع معدوم یا مجهول می شود»، صحیح نیست. یا این سخن که «وصیت مخالف اصول و قیاس است؛ زیرا قبول با تأخیر از ایجاب صورت می گیرد»، هم صحیح نیست و این حرف که



«هبه به دلیل داشتن غرر (ابهام) باید رد شود»، نیز صحیح نیست (نواسه، ۲۰۱۱: ۳۰۵). پس عقود تبرعات ذاتاً مستقل است و بر سایر عقود قیاس نمی‌شود؛ زیرا بر احسان محض بنا شده است. پس اگر [ظاهراً] شامل غرر (ابهام)، جهالت (ناآگاهی) یا مانند آن باشند، برای افزایش احسان و جلوگیری از کاهششان، ضرری ندارد (القرافی، ۱۴۲۹: ۱، ۱۵۱).

ملاحظه می‌شود که این عقود، فواید و منافع فراوانی برای افراد و جامعه به همراه دارد. اگر به مجموع این عقود و آثار آن توجه شود، مشارکت در توسعه اقتصادی ملاحظه می‌گردد، به تکافل اجتماعی کمک می‌نماید، یافتن منابع شرعی برای تأمین مالی را تسهیل می‌کند، بارهای مالی دولت را کاهش می‌دهد، به شکوفایی اقتصادی و اجتماعی جامعه یاری می‌رساند و مصالح زیادی را در پی دارد.

۵-۳-۳. ضرورت رضایت قلبی و قصد در عقود تبرعی

در عقود تبرعی مانند عقود معاوضات، وجود رضایت ضروری است؛ اما رضایت در عقود تبرعات خاص‌تر از عقود معاوضات است؛ زیرا انجام تبرعات باید از روی «طیب نفس» (رضایت قلبی کامل، خشنودی باطنی و بدون اکراه) صادر شود. ابن عاشور در این باره می‌گوید:

مقصد دوم [در فهرست مقاصد خاص تبرعات از نظر او] اینکه تبرعات از روی رضایت قلبی و بدون هیچ تردیدی صادر شوند؛ زیرا این عقود از جنس احسان و سخاوت هستند و در آن‌ها بخشی از مال محبوب بدون عوضی که جایگزینش شود، خارج می‌گردد. پس نیت خالص تبرع‌کننده، سبب نفع عمومی و تحصیل ثواب بزرگ می‌شود؛ به همین دلیل از مقاصد شارع در مورد آن‌ها این بوده که از سوی صاحبانشان به گونه‌ای صادر شوند که پشیمانی به دنبال نداشته باشد، تا از ناحیه احسان کردن، ضرری به نیکوکار نرسد و در نتیجه مردم از انجام کار نیک حذر کنند، زیرا شایسته نیست که به دنبال خیر، شر حاصل شود، به این مطلب، سخن خداوند متعال اشاره دارد: «لَا تَضَارَّ وَالِدَةً بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ». [بقره: ۲۳۳] (هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] به سبب فرزندش). پس «طیب نفس» (رضایت قلبی) حاصل در عقود تبرعات، اخص (خاص‌تر) از طیب نفس در عقود معاوضات است (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۸۹).



از قواعد شریعت این است که مقاصد و اعتقادات در تصرفات و عبارات معتبرند؛ چنانکه در قربات (اعمال نزدیک کننده به خدا) و عبادات معتبرند. پس قصد (نیت) می تواند چیزی را به حلال یا حرام، صحیح یا فاسد و طاعت یا معصیت بدل نماید (ابن قیم، ۱۴۱۱: ۳، ۷۹). به همین دلیل، شارع تأکید کرده است که عقود تبرعات از روی قصد و نفس پاک (طیب قصد و نفس) صادر شوند؛ زیرا از جنس نیکی و احسان هستند. پس نباید تبرع وسیله ای برای ضایع کردن مال دیگران - از قبیل حق وارث، یا طلبکار، (ابن عاشور، ۱۴۳۲: ۴۹۳) حق خداوند متعال - قرار گیرد.

به همین خاطر، اسلام احکامی را تشریع کرده تا مردم را از سوء استفاده از عقود تبرعات برای رسیدن به مقصودی که از آن نهی شده، باز دارد. از جمله مثال های آن:

الف. عد صحت هبة با هدف و قصد اسقاط زکات؛ هبة از عقود تبرعاتی است که شرع به آن تشویق و ترغیب کرده است؛ اما برخی از بخشندگان (واهبین)، قصدشان از هبة، تبرع و احسان از روی رضایت قلبی نیستند، بلکه هبة را وسیله ای برای اسقاط حق خداوند عزوجل و حق فقرا در اموالشان قرار می دهند. لذا مال خود را پیش از (نزدیک به) سر رسیدن سال خمسی [یا] زکاتی می بخشند تا از پرداخت زکات فرار کنند (نواصة، ۲۰۱۱: ۳۱۶). این نوع تبرع صحیح نیست و انجام دهنده آن ثوابی نمی برد؛ زیرا هبة [باید] برای مهربانی و احسان به دریافت کننده (موهوب له)، گشایش بر او و جلب محبت و الفت او باشد، درحالی که این نوع هبة، ضد آن است (الشاطبی، ۱۴۱۷: ۳، ۱۲۲).

ب. عدم صحت وصیت بر بیش از یک سوم (ثلث)؛ برخی از مردم با نص قرآنی در این سخن خداوند متعال مخالفت می کنند: «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ» پس از [انجام] وصیتی که بدان سفارش شده، یا [پرداخت] وامی، به شرط آنکه [از این طریق] زبانی [به ورثه] نرساند. [این] سفارشی است از جانب خدا و خدا دانای بردبار است». [نساء: ۱۲]

این افراد، وصیت را وسیله ای برای محروم کردن ورثه از میراث قرار می دهند و به وصیت کردن اموالشان به نفع طرف های خارجی (غیر ورثه) روی می آورند. لذا شرع آمد و دستور داد که مال مورد وصیت، از یک سوم ترکه تجاوز نکند، دلیل حکم شرعی کلام پیامبر (ص)



است که فرمود: «الثُّلُثُ، وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ، أَنْ تَدَعَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَدَعَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ فِي أَيْدِيهِمْ» (البخاری، بی تا: ۷، ۶۲؛ مسلم، بی تا: ۳، ۱۲۵۰). یک سوم، و یک سوم [هم] زیاد است. اینکه ورثه‌ات را بی نیاز بگذاری، بهتر است از آنکه آنان را تنگدست رها کنی که دست نیاز به سوی مردم دراز کنند.

ج. باطل بودن وقف بر پسران از نوادگان، بدون دختران؛ شروط نافذ واقفین (وقف‌کنندگان)، شروطی است که در راستای اطاعت خداوند متعال و مصلحت مکلف باشند؛ (ابن قیم، ۱۴۱۱: ۱، ۲۳۶) زیرا وقف از بزرگ‌ترین قربات (اعمال نزدیک‌کننده به خدا) است. پس واجب است که خالص برای وجه الله تعالی باشد. لذا اگر واقف، [مالی را] بر پسران [نوادگان] وقف کند و دختران را [از آن] محروم نماید، این وقف منعقد نمی‌شود و از او پذیرفته نیست؛ زیرا او با این کار صله رحم را که امر خداوند است، قطع نموده است و با فرائض و احکام الهی مخالفت نموده است (الشوکانی، بی تا: ۶۳۷) و این تصرف او ناقض مقاصد تبرعات است (نواصة، ۲۰۱۱: ۳۱۸).

خاتمه

حمد و سپاس خدایی را که کتابش را با حمد آغاز کرد و آن را آخرین دعای اهل بهشت قرار داد، آنجا که می‌فرماید: «وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». [یونس: ۱۰] و پایان نیایش آنان این است که: «ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است. و درود و سلام بر پیامبر اکرم، محمد و بر خاندان و اصحاب پاکش و آنان که به نیکی تا روز قیامت از ایشان پیروی می‌کنند و اما بعد، در پایان می‌توان مهم‌ترین نتایج و توصیه‌ها را به شرح زیر خلاصه کرد:

نتایج

۱. اهمیت مقاصد شریعت و تأثیر آن در فقه معاملات مالی و در راهنمایی مجتهد برای جهت‌دهی فتوایش در مسائل نوپدید به گونه‌ای که با این مقاصد هماهنگ باشد.
۲. مقصود از تبرعات، بخشش داوطلبانه مال یا منفعت بدون عوض است و شامل صور مختلفی می‌شود، از جمله: وقف، وصیت، صدقه، قرض، هبه و غیره.



۳. عقود تبرعات، بخشی از عقود تملیک (انتقال مالکیت) هستند، اما با عقود معاوضات (قراردادهای دارای عوض) به دلیل عدم وجود عوض از طرف دوم در مقابل آنچه طرف اول به او می‌بخشد، تفاوت دارند.

۴. مقاصد احکام عقود معاوضات با مقاصد عقود تبرعات متفاوت است؛ زیرا دسته دوم (تبرعات) اصلی قائم به ذات هستند و به همین دلیل قیاس یکی بر دیگری صحیح نیست.

۵. از مقاصد خاص شریعت در عقود تبرعات عبارتند از: مقصد عبادت خداوند عزوجل و تقرب به او، مقصد یاری رساندن به ضعیفان مسلمان، مقصد استمرار گردش مال برای طولانی‌ترین مدت، مقصد افزایش دادن تبرعات، مقصد صدور آنها از روی رضایت قلبی (طیب نفس) و قصد (نیت صحیح).

فهرست منابع

القرآن الكريم

١. ابن الأثير، على بن أبي الكرم محمد بن محمد، (١٤١٥ ق)، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، (تح: على معوض و عادل عبدالموجود)، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
٢. ابن العربي، محمد بن عبد هلالاً أبو بكر، (١٩٩٢ م)، *القبس في شرح موطأ مالك بن أنس*، (تح: محمد كريم)، ط ١، بي جا: دار الغرب الإسلامي.
٣. ابن القيم، محمد بن أبي بكر بن أيوب، (١٤١١ ق: ١٩٩١ م)، *إعلام الموقعين عن رب العالمين*، (تح: محمد إبراهيم)، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
٤. ابن حجر، أحمد بن علي العسقلاني، (١٣٧٩ ق)، *فتح الباري شرح صحيح البخاري*، (تعليق: عبد العزيز بن باز، ترقيم: محمد عبد الباقي)، بيروت: دارالمعرفة.
٥. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد، (١٤١٥ ق)، *الإصابة في تمييز الصحابة*، (تح: عادل عبد الموجود و على معوض)، ط ١، بيروت: دارالكتب العلمية.
٦. ابن زغبة، عز الدين، (٢٠٠٨ م)، *مقاصد الشريعة بالتبرعات والعمل الخيري*، بحث مقدم لمؤتمر العمل الخيري الخليجي الثالث، دبي.
٧. ابن زغبة، عز الدين، (١٤٢٢ ق، ٢٠٠١ م)، *المقاصد الشرعية الخاصة بالتصرفات المالية*، ط ١، مركز جمعة الماجد للثقافة والتراث، دبي.
٨. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر، (١٤١٢ ق، ١٩٩٢ م)، *رد المختار على الدر المختار* (حاشية ابن عابدين)، ط ٢، دار الفكر، بيروت، لبنان.
٩. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد، (١٩٨٤ م)، *تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد*، المعروف *بالتحرير والتنوير*، تونس: الدار التونسية للنشر.
١٠. ابن عاشور، محمد الطاهر، (١٤٣٢ ق، ٢٠١١ م)، *مقاصد الشريعة الإسلامية*، (تح: محمد الطاهر الميساوي)، ط ٣، الأردن: دار النفائس.



۱۱. ابن فارس، أحمد بن زكريا القزويني، (۱۳۹۹ ق: ۱۹۷۹ م)، معجم مقاييس اللغة، (تح: عبد السلام هارون)، بيروت: دارالفكر.
۱۲. ابن قدامة، عبدالله بن أحمد بن محمد، (۱۴۲۱ ق: ۲۰۰۰ م)، المقنع في فقه الإمام أحمد، (تح: محمود الأرناؤوط وياسين الخطيب)، ط ۱، المملكة العربية السعودية: مكتبة السوادي للتوزيع.
۱۳. ابن قدامة، عبد الله بن أحمد بن محمد، (۱۴۲۳ ق: ۲۰۰۲ م)، روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه، ط ۲، بی جا: مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، (۱۴۱۴ هـ)، لسان العرب، ط ۳، بيروت: دار صادر.
۱۵. ابن نجيم، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، (بی تا)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ط ۲، بی جا: دار الكتاب الإسلامي.
۱۶. الآمدی، علی بن أبی علی بن محمد، (بی تا)، الإحكام في أصول الأحكام، (تح: عبد الرازق عفيفي)، بيروت: المكتب الإسلامي.
۱۷. البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم، (۱۴۲۲ ق)، الجامع المسند الصحيح من أمور رسول الله (وسننه وأيامه) (المعروف بصحيح البخاري)، (تح: محمد زهير بن ناصر، شرح وتعليق: د. مصطفى ديب البغا)، ط ۱، بی جا: دار طوق النجاة.
۱۸. بدران، أبو العينين بدران، (بی تا)، الشريعة الإسلامية تاريخها ونظرية الملكية والعقود، الإسكندرية: مؤسسة شباب الجامعة.
۱۹. التجكاني، محمد الحبيب، (۱۴۰۳ ق: ۱۹۸۳ م)، نظام التبرعات في الشريعة الإسلامية، بی جا: دارالنشرالمغربية، الدار البيضاء.
۲۰. الجصاص، أحمد بن علي، (۱۴۰۵ ق)، أحكام القرآن، (تح: محمد القمحاوي)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۱. الحسنی، إسماعيل، (۱۴۱۶ ق: ۱۹۹۵ م)، نظرية المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور، ط ۱، بی جا: المعهد العالي للفكر الإسلامي.

٢٢. حسين، على موسى، (١٤٣١ ق: ٢٠١٠ م)، مقصد حفظ المال في التصرفات المالية ضوابطه وآثاره، رسالة دكتوراه، كلية العلوم الاجتماعية والعلوم الإسلامية، جامعة الحاج لخضر، باتنة، الجزائر.

٢٣. حماد، نزيه، (١٤٢٩ ق: ٢٠٠٨ م)، معجم المصطلحات المالية والاقتصادية، ط ١، دمشق: دار القلم، دمشق.

٢٤. الخلفي، رياض منصور، (١٤٢٥ ق: ٢٠٠٤ م)، المقاصد الشرعية وأثرها في فقه المعاملات المالية، العدد (١)، مجلد (١٧)، مجلة جامعة الملك عبد العزيز: الاقتصاد الإسلامي.

٢٥. الرازي، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر، (١٤٢٠ ق: ١٩٩٩ م)، مختار الصحاح، (تح: يوسف محمد)، ط ٥، بيروت: المكتبة العصرية.

٢٦. رشيد رضا، محمد رشيد بن علي رضا، (١٩٩٠ م)، تفسير القرآن الكريم المشهور بتفسير المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

٢٧. الريسوني، أحمد، (١٤١٥ هـ: ١٩٩٥ م)، نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي، (قدم له: طه العلواني)، ط ٤، المعهد العالمي للفكر الإسلامي.

٢٨. الزبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق، (بي تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الهداية.

٢٩. الزرقا، مصطفى أحمد، (١٤٢٥ ق: ٢٠٠٤ م)، المدخل الفقهي العام، ط ٢، دمشق: دار القلم.

٣٠. الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد، (٢٠٠٢ م)، الأعلام، ط ١٥، بي جا: دارالعلم للملأين.

٣١. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين، (١٤١٣ ق.)، طبقات الشافعية الكبرى، (تح: محمود الطناحي وعبد الفتاح الحلوي)، ط ٢، بي جا: هجر للطباعة والنشر والتوزيع.

٣٢. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، (١٤١١ ق: ١٩٩٠ م)، الأشباه والنظائر، ط ١، بيروت: دار الكتب العلمية.



۳۳. الشاطبي، ابراهيم بن موسى بن محمد، (١٤١٧ ق: ١٩٩٧ م)، *الموافقات*، (تح: مشهور سلمان)، ط ١، بی جا: دار ابن عفان.
۳۴. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد، (بی تا)، *السیل الجرار المتدفق على حدائق الأزهار*، ط ١، دار ابن حزم (بدون سنة نشر).
۳۵. الطبري، محمد بن جرير بن يزيد، (١٤٢٠ ق: ٢٠٠٠ م)، *جامع البيان في تأويل القرآن*، (تح: أحمد شاکر)، ط ١، بی جا: مؤسسة الرسالة.
۳۶. الطوفي، سليمان بن عبد القوي بن الكريم، (١٤٠٧ ق: ١٩٨٧ م)، *شرح مختصر الروضة*، (تح: عبدالله التركي)، ط ١، بی تا: مؤسسة الرسالة.
۳۷. العزبن عبد السلام، عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم، (١٤١٤ ق: ١٩٩١ م)، *قواعد الأحكام في مصالح الأنام*، (علق عليه: طه سعد)، القاهرة: مكتبة الكليات الأزهرية.
۳۸. الغزالي، أبو حامد محمد بن محمد، (١٤١٣ ق: ١٩٩٣ م)، *المستصفی*، (تح: محمد عبد السلام عبدالشافی)، ط ١، بیروت: دار الكتب العلمية.
۳۹. الفاسی، عالل، (١٩٩٣ م)، *مقاصد الشريعة الإسلامية ومكارمها*، ط ٥، بیروت: دار الغرب الإسلامي.
۴۰. الفيومي، أحمد بن محمد بن علي، (بی تا)، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*، بیروت: المكتبة العلمية.
۴۱. القرافي، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، (بی تا)، *أنوار البروق في أنواء الفروق (المشهور بالفروق)*، القاهرة: عالم الكتب.
۴۲. القرضاوی، يوسف، (رجب ١٤٢٩ ق: يوليو ٢٠٠٨ م)، *مقاصد الشريعة المتعلقة بالمال*، بحث مقدم للمجلس الأوروبي للإفتاء والبحوث، الدورة الثامنة عشرة، دبلن.
۴۳. كحالة، عمر بن رضا بن محمد، (بی تا)، *معجم المؤلفين*، بیروت: مكتبة المشنى.
۴۴. مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري، (بی تا)، *المسند الصحيح المختصر*

بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ((المعروف بصحيح مسلم)، (تح: محمد فؤاد عبد الباقي)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٤٥. معصر، عبد الله، (١٤٢٨ ق: ٢٠٠٧ م)، تقريب معجم مصطلحات الفقه المالكي، ط ١، بيروت: دار الكتب العلمية.

٤٦. الموسوعة الفقهية الكويتية، (١٤٠٦ ق: ١٩٨٦ م)، ط ٢، الكويت: صادرة عن وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، دارالسلاسل.

٤٧. نواصة، يوسف، (٢٠١١ م)، عقود التبرع في الشريعة الإسلامية أحكامها ومقاصدها، رسالة دكتوراه، كلية العلوم الإسلامية، جامعة الجزائر.

٤٨. النووي، يحيى بن شرف، (١٣٩٢ هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ط ٢، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٤٩. اليوبي، محمد سعد بن أحمد، (١٤١٨ هـ: ١٩٩٨ م)، مقاصد الشريعة وعلاقتها بالأدلة الشرعية، ط ١، المملكة العربية السعودية: دار الهجرة للنشر والتوزيع.

٥٠. اليوسف، انتصار عبد الجبار مصطفى، (٢٠٠٧ م)، المقاصد التشريعية للأوقاف الإسلامية، رسالة ماجستير، كلية الدراسات العليا، الجامعة الأردنية، الأردن.

١٤٠



١٤٠٣ خزان و زمستان



شماره هفتم



سال چهارم



دوفصلنامه یافته‌های اقتصادی

